

غزنفر بانک

ماهنامه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی

سال نهم - شماره های ۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴ سنبه، میزان و عقرب ۱۳۹۶ خورشیدی



غزنفر بانک
GHAZANFAR BANK

سخنرانی رئیس جمهور محمد اشرف غنی در هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد



حضور غضنفر بانک در نخستین نمایشگاه ملی تکنیکی و صنعتی پوهنتون پولی تکنیک کابل



شاهین آسمایی

بار دیگر قهرمان رقابت‌های لیگ برتر فوتبال افغانستان شد



AF Pay

پیشکش جدید غضنفر بانک





فهرست مطالب

سرمقاله

- نقش کارت Af Pay غضنفر بانک در توسعه تجارت ۲

اقتصادی

- در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۳
- ضرورت جمع آوری زکات و نقش آن در ازدیاد عواید دولت ۵
- نقش صنایع در ازدیاد عواید دولت ۱۳
- زموړ هېواد او د پابینت لرونکې پراختیا مسئلې ۲۱
- هفت پیشران تجارت جهان در سال ۲۰۱۷ ۲۷
- اسکناس های ارزشمند؛ ۱۰ واحد پولی برتر جهان ۳۰

اجتماعی

- آسیب های اجتماعی ۳۴
- چگونگی پرورش خلاقیت کودکان ۴۰
- مسجد خواجه ابو نصر یارسا ۴۲
- نمایندگی های غضنفر بانک ۴۴
- راه های مبارزه با ترک دست ها ۴۵
- بابونه (طلای خودرو) ۵۲
- چاپ کتاب «تحلیل اوضاع اقتصادی افغانستان ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰» ۵۴
- در گذشت بانو «نانسی دوپری» افغانستان شناس آمریکایی در کابل ۵۵

ادبی

- شمس و سماع مولانا ۵۶
- نیستان (ویژه شعر و ادب) ۶۱
- حکایت ۶۳
- جمله های طلایی ۶۵
- محاوره اوزبکی (۲۶) ۶۶

صاحب امتیاز: غضنفر بانک
مؤسس: محمد اسماعیل غضنفر
مدیر مسوول: نور احمد فهیم

تحت نظر هیأت تحریر

دیزاینر: نویدالله محمدی

اداره ماهنامه غضنفر بانک در ویرایش
مقالات دست باز دارد.

آدرس: ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور
کابل - افغانستان

+93 (0) 797 860 000

media-manager@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



سخن ماه

نقش کارت Af Pay غزنفر بانک در توسعه تجارت

مبدای اختراع ماشین های اتومات صرافی و دیت کارت ها در جهان به دهه 1960 میلادی برمی گردد. افراد زیادی در این راستا تلاش نمودند تا زمینه تشکیل و استفاده از ماشین های اتومات صرافی را فراهم نمایند، برخی از آنها به نتایجی هم دست یافتند، اما بر سر ثبت این اختراع به نام یک فرد اختلافات زیادی ایجاد گردید، سرانجام بعد از کشمکش های زیاد این اختراع به نام یکی از انجیران انگلیسی کارمند شرکت صنایع اسمیت با همکاری یکی از شرکت های سیف سازی به نام (CHUBB) به ثبت رسید. ولی نخستین ماشین صرافی اتومات به شکل امروزی، به صورت همزمان در کشورهای آمریکا، انگلستان، جاپان و سویدن نصب گردید و مورد استقبال شدید تاجران ملی کشورهای نامبرده قرار گرفت.

نخستین ماشین صرافی اتومات در سال 1966 در توکیو پایتخت جاپان به فعالیت آغاز کرد. در این ماشین پول توسط کارت اعتباری به گیرنده پرداخت می شد، اما مشتریان دسترسی به حساب خود نداشتند. این ماشین در جهان کم نظیر بود. نخستین ماشین صرافی که با ماشین های امروزی مشابه بود، IBM 2948 نام داشت و از طریق بانک لیال در سال 1972 در اسکس انگلستان نصب شد. شرکت های IBM 2948 و NCR ماشین های صرافی مدرن را عرضه نمودند.

با ارزشترین ماشین ATM جهان گلدتوگو نام دارد که در ابوظبی یکی از ایالت های امارات متحده عربی نصب شده و از طلا ساخته شده است. این ماشین، پول نه بلکه سکه های 10 گرمی طلا تحویل می دهد و هر 10 دقیقه بعد نرخ طلا و ارز را بیان می کند. این ماشین توسط یکی از دانشمندان آلمانی به نام توماس گیسلر ساخته شده است.

در افغانستان اخیراً یعنی بعد از تشکیل حکومت موقت و تشکیل بانک های خصوصی، بانکداری الکترونیک و استفاده از دیت کارت ها و ماشین های خودکار صرافی رونق یافت. گرچه این محصول هنوز در افغانستان همگانی نشده، اما بسیاری از مردم به ویژه تاجران ملی در شهرهای بزرگ افغانستان به صورت مرتب از این کارت ها در انجام معاملات بانکی خود استفاده می نمایند. همین طور در برخی از فروشگاه های بزرگ کشور که مجهز به ماشین های POS هستند، پول خریداری خود را از این طریق پرداخت می نمایند.

کاهش هزینه چاپ پول، جلوگیری از ضیاع وقت و مراجعه به بانکها، کاهش ترافیک و آلودگی هوا، تامین امنیت مالی دارنده کارت، آرامش خاطر از نظر دسترسی به پول در ساعات و روزهای رخصتی، جلوگیری از حمل پول و جلوگیری از سرقت یا مفقود شدن وجه نقد، جلوگیری از انتقال بیماریهای واگیردار در اثر تماس با اسکناس های مستعمل و آلوده، سهولت در خرید و بی نیازی از شمارش وجه نقد، از مزایای عمده دیت کارت ها و وجود ماشین های صرافی اتومات به شمار می روند.

حالا غزنفر بانک برای رضایت هر چه بیشتر مشتریان خویش خدمات Af Pay را عرضه نموده است. با کارت Af Pay مشتریان محترم می توانند هر لحظه از تمام ماشین های (ATM) با فیس اندک پول دریافت کنند. مشروط بر اینکه به شبکه Afghanistan Payment systems وصل باشد. البته با این کارت در یک روز پنج بار می توانند از حساب خود پول دریافت نمایند. که مجموع برداشت های مشتری تا 50000 افغانی و یا 1000 دلار امریکائی می شود.



سخنرانی رئیس جمهور محمد اشرف غنی در هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد

بسم الله الرحمن الرحيم

تأسیس شدند تا برای پاسخ به چالش‌های بین‌المللی منسجم گردند و جرایم علیه بشریت را به تعلقی از گذشته، مبدل سازند.

امروز تردید اندکی وجود دارد که نمونه‌ای از معیار، هدف، و سرعت تصور و تلاش‌های آنها، هنوز وجود ندارد؛ اما مورخین آینده، از روی چگونگی پاسخ آنها به چالش‌های امروزی و چالش‌هایی که در آینده باید با آن روبه‌رو شویم، در مورد این نهادها، قضاوت خواهند کرد.

جناب رئیس نشست، جلالت‌مآبان، خانم‌ها و آقایان!

در حالی که امروز در مقابل شما ایستاده‌ام، مردان و زنان سال ۱۹۴۵ میلادی که از خود شایستگی منحصر به فردی نشان دادند تا از تاریخ بیاموزند و به درس‌های آن عمل کنند، را به یاد می‌آورم. آنان که با رکود بزرگ [اقتصادی] شکل گرفتند و با خونریزی و کشتار جنگ جهانی دوم آبدیده شدند، نظم جهانی را با [ایجاد] نهادهایی که برای نسل‌های آینده، امنیت و ثبات به ارمغان آورد، برقرار کردند. سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و دیگر سازمان‌ها



سخنرانی رئیس‌جمهور محمد اشرف غنی در هفتاد و دومین نشست ...

المللی باشد، نه گذرا. در قرن بیستم، جهان یکجا شد تا با گسترش فاشیسم مقابله نموده و آزادی‌های دموکراتیک مصون بمانند. امروز، همان آزادی‌ها از سوی تروریسم جهانی مورد حمله قرار می‌گیرند. تروریسم تنها حمله بر زندگی بشر و آزادی‌های ابتدایی نه، بلکه حمله ای است بر قرارداد شهروندی، و بر روابط دولت با مردم که جوامع دموکراتیک را بی‌همتا، عادلانه و آزاد می‌سازد. ما باید در مقابل تهدید تروریسم به مثابه یک قوه واحد بایستیم و با یک راه‌حل درازمدت که با اجندای درازمدت تروریستان برابری کند، با آن برخورد کنیم.

و سرانجام، علی‌رغم گنج‌انیده شدن اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر در قانون‌های اساسی بسیاری از کشورهای جهان، جرایم علیه بشریت، هنوز با نظم دردناکی در حال اتفاق افتادن است. تصفیه نژادی در روهنگیا به شکل خاص تکان‌دهنده می‌باشد. سکوت طولانی «آنگ سان سوچی» غم‌انگیز بود طوری که امیدهای ما به اینکه یک نماد حقوق بشر، اصل را بر قدرت ترجیح خواهد داد، به یأس مبدل شد.

من از فرصتی که در شورای حقوق بشر، یک کرسی به افغانستان

ما، به عنوان رهبران جهان، در جست‌وجوی قاطعیت و آشنایی با قوانین بازی که بر قرن بیستم حکمفرما بود، هستیم. اما در دنیای امروزی همیشه در حال تغییر، ابهام شدید، ویژگی حاکم بر شرایطی است که عصر ما را تعریف می‌کند. روشن ساختن این ابهام با ملاحظه خطراتی که اقتصاد، امنیت و ارزش‌های مان را تهدید می‌کند، کار آسانی است.

اجماع در حال ظهوری وجود دارد که اقتصادهای پیشرفته هنوز به «مدل‌های رشد مناسب» دست نیافته‌اند که بر میزان بالای بیکاری، کاهش درآمد و نابرابری ثروت غالب شوند. بنابراین، خطر بحران اقتصادی هنوز ما را تهدید می‌کند.

شانزده سال پس از تراژیدی ۱۱ سپتمبر، خطر خشونت به دست عوامل غیردولتی، شکل موج پنجم خشونت سیاسی و تروریسم را به خود گرفته است. به نظر می‌رسد، موج پنجم که عامل آن شبکه‌های تروریستی فرامرزی، سازمان‌های جنایتکار، و جرایم سایبری و تمویل تروریسم از طرف دولت‌ها است، تهدیدی چنددهه‌یی برای امنیت بین





سخنرانی رئیس‌جمهور محمد اشرف غنی در هفتاد و دومین نشست ...

افتخار دارم که در مقابل این مجمع برجسته بایستم و به نمایندگی از مردم افغانستان صحبت کنم. ما بدبختی، محرومیت و خشکسالی را با عزت و افتخار تحمل کرده‌ایم، دلیرانه در مقابل تجاوز ایستادیم؛ و با احساس میهن‌پرستانه از وطن‌مان دفاع کردیم. به عنوان دولتی که در خط مقدم نبرد مبارزه جهانی علیه تروریسم و خط مقدم دفاع از آزادی‌های دموکراتیک قرار دارد، مردم و نیروهای امنیتی ما اعمال قهرمانانه شان را به صورت روزمره انجام می‌دهند.

ما همچنین به عنوان یک ملت، یک دولت و یک مردم در حال تغییر خودمان به منظور رسیدگی به چالش‌ها و در عین حال بررسی ظرفیت بالقوه‌ای که برای‌مان در قرن بیست و یکم فراهم شده، هستیم.

با اعلام استراتژی جدید رئیس‌جمهور ترامپ برای مبارزه با تروریسم و باثبات ساختن جنوب آسیا، همکاری دوامدار افغانستان با ایالات متحده و جامعه بین‌المللی تجدید گردیده و دوباره جهت یافته است. ما از این استراتژی که ما را در مسیری به طرف اعتماد قرار داده است، استقبال می‌کنیم. مردم افغانستان برای سال‌ها منتظر اتخاذ چنین تصمیمی از طرف ایالات متحده بودند. ما به تمام مردان و زنان ملت‌هایی که با ما یکجا خدمت کردند به‌خصوص آنانی که قربانی گزاف پرداختند، ادای احترام می‌کنیم.

این استراتژی تمامی ابزارهای قدرت امریکایی را تحکیم نموده، دربرگیرنده پیامی است که طالبان و حامیان آنان نمی‌توانند از لحاظ نظامی پیروز شوند. ما تنها به واسطه راه حل سیاسی می‌توانیم به صلح پایدار دست یابیم؛ من از همه افراد در صفوف طالبان دعوت می‌کنم که به یک گفت‌وگوی بین‌افغانی بپیوندند.

ما همچنین یک فرصت برای گفت‌وگو با همسایه‌های‌مان داریم که چگونه با هم صادقانه کار کنیم تا تروریسم را از بین برده و افراط گرایی را مهار سازیم. من از پاکستان دعوت می‌کنم که با ما وارد یک گفت‌وگوی همه‌جانبه دولت با دولت روی صلح، امنیت و همکاری منطقه‌ای که منتج به رفاه می‌گردد، شود.

حکومت افغانستان تعهد خود به صلح را از طریق پرونده‌های

اختصاص داده شود، تا نقش مرکزی بیش‌تری در بحث روی این موضوعات مهم داشته باشد، استقبال می‌کنم. ما به عنوان مردمی که هنوز جرایم ضدبشری، مانند کشتار اخیر غیرنظامیان در قریه میرزا اولنگ و حملات بر مساجد در کابل و هرات و در هر جای دیگر را تجربه می‌کنند، خواهان اضافه نمودن صدای‌مان در حمایت از حقوق بشر هستیم.

غلبه بر مدل‌های مخرب و مختل‌کننده تغییر در قرن بیست و یکم، مستلزم اقدام منسجم و جمعی در سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی، محلی و فردی می‌باشد. در شرایط کنونی، یک سازمان ملل مؤثر و کارا که به آن احترام گذاشته شود، یک نیاز است. ما باید نهادهای قرن بیستم را مورد آزمایش قرار دهیم.

بنابراین، من به جلالتمآب میروسلاو لاجاکاک به خاطر عهده‌دار شدن ریاست نشست هفتاد و دوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تبریک می‌گویم. می‌خواهم از تلاش‌های جلالتمآب پیترو تامسون در جریان نشست قبلی قدردانی کنم، همچنین جلالتمآب گوتیرس، سکرترجنرال سازمان ملل متحد، را به خاطر راه‌اندازی اصلاحات در این سازمان تحسین می‌کنم.

اگر سازمان ملل امروز وجود نمی‌داشت، ما شاید مجبور می‌شدیم که آن را ابداع کنیم تا به مطالبات عصر کنونی‌مان رسیدگی کنیم. عملی نمودن وعده‌های منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر در شرایط ابهام نیازمند بررسی دوباره وظایف مرکزی، مهندسی دوباره روندهای تجاری، تقویت دوباره ارزش و فرهنگ سازمانی، و اصلاح سیستم‌های پاسخگویی است. اگر موجودیت سازمان ملل متحد وابسته به کشورهای مثل کشور من باشد، باید به مثابه «یک سازمان ملل» عمل کند، اما تاکنون به این امر جامه عمل پوشانیده نشده است. مدل به میراث‌مانده دفاتر ملل متحد به عنوان ابزارهای همکاری تخنیکی و ارتقای ظرفیت باید تحت آزمایش بازار قرار گیرد، که به طور نمونه می‌توان از ارزش پول و پایداری نتایج در مقایسه حکومت، سکتور خصوصی و گونه‌های غیردولتی ارائه خدمات نام برد. پاسخگویی متقابل، یک میکانیزم تثبیت‌شده تحکیم و توسعه همکاری‌ها و اعتمادسازی است.



دیگری، پیروزی مشابه محسوب می‌گردد. در استراتژی جدید رئیس‌جمهور ترامپ، درهم شکستن و عدم پذیرش پناهگاه‌های تروریستان که محرکان‌شان هیچ مرزی نمی‌شناسد، شامل شده است.

اگرچه، تنها یک تعهد قدرتمند و دوامدار از جانب شرکای بین‌المللی ما به‌تنهایی نمی‌تواند موفقیت جمعی‌مان در افغانستان را تضمین کند، ریشه‌های موفقیت در حقیقت در ما به عنوان افغان‌ها وجود دارد.

امروز که نزدیک به سه سال از دهه تحول می‌گذرد، ما در حال مبدل ساختن افغانستان به عرصه‌ای برای ثبات هستیم، که تهداب آن گذاشته شده است. ما نقشه‌راه‌های اصلاحی را بیان نموده و با دقت زیاد در حال تطبیق آنان هستیم. به طور نمونه، ما در حال تعقیب عدلی و قضایی فاسدین، پایان دادن به فساد در سکتور امنیتی، تعویض نظام‌های واسطه‌محور با سیستم‌های شایسته‌محور، و شفاف‌سازی پروژه‌های مالی هستیم.

ما همچنین در حال دسترسی به آن دسته اقشاری هستیم که پیش‌تر از جامعه طرد شده بودند، یعنی جوانان، فقرا و زنان. هنوز هم

داخلی ثابت کرده است؛ معاهده صلح با حزب اسلامی افغانستان نمونه‌ای از آن است. اکنون، ما از همسایگان دور و نزدیک‌مان می‌خواهیم که از طریق پروسه کابل برای تلاش همه‌جانبه به منظور صلح و ثبات منطقه‌یی، به ما بپیوندند.

هرچند رو به جلو حرکت می‌کنیم، ما خواستار یک تغییر دیدگاه از سوی شرکای بین‌المللی هستیم. برای مدت زمان طولانی، به جنگ در افغانستان به مثابه یک جنگ داخلی نگریسته شده، اما جنگ کنونی در داخل خاک ما نه، بلکه فراتر از خاک ماست.

امروز، بیش از بیست گروه تروریستی بین‌المللی که بر خاک افغانستان تحمیل شده‌اند، در کشور ما فعالیت دارند. آینده افغانستان مهم است، زیرا ما در خط مقدم یک مبارزه جهانی به منظور ریشه کن نمودن خطر تروریسم قرار داریم. سربازان شجاع ما بدین منظور و به خاطر استقلال ملت افغان هر روز می‌جنگند و کشته می‌شوند. ما شاید در خط مقدم نبرد باشیم، اما این تهدید هیچ سرحدی نمی‌شناسد. برای گروه‌های تروریستی که در منطقه پناه گرفته‌اند، حمله بر کابل و حمله بر بروکسل، پاریس، بارسلونا، لندن و یا هر جای



سخنرانی رئیس جمهور محمد اشرف غنی در هفتاد و دومین نشست ...

عرصه های ترانسپورت، انرژی، آب و معدن و به منظور برقراری امنیت و رفاه اقتصادی در تمام منطقه مبدل خواهد شد.

ما پیشاپیش نتیجه کار و زحمت مان را می بینیم. پروژه لین انتقالی برق آسیای میانه به آسیای جنوبی در حال ساخت است. خط آهن ترکمنستان به سرحد ما رسیده است. خط لوله گاز طبیعی تاپی در حال ساخت است.

به عنوان بخش مرکزی پلان ما به منظور پیشرفت اقتصادی، ما به کار با شرکای منطقه ای برای جست و جوی مسیرهای همکاری ادامه می دهیم.

در میان ابهامات، تهدیدها و چالش های منحصر بفرد قرن بیست و یکم، اکنون شاهد آن هستیم که افغانستان، که به یک معما برای رویکردهای قرن بیستم مبدل شده است، چگونه هنوز به برقرار شدن نظم جهانی گرایش دارد.

هرچند که تهدید بین المللی تروریسم که در خاک ما بازی می شود، روایت کشور ما را تحت شعاع قرار داده است و سرنوشت مردم مان را برای مدت طولانی به دست گرفته، با این حال ما همچنین دارای این ظرفیت هستیم که به واسطه [کارگزار] منطقه ای صلح، محور رفاه اقتصادی و روشنی بخش ارزش های دموکراتیک باشیم. در زادگاه مولانای رومی هنوز صدای پیام های مملو از عشق، صلح و امید انعکاس می یابد. افغانستان یک بار دیگر به چهارراه آسیا به خاطر گفت و گو، تمدن ها، مودل انسجام و فرهنگ بردباری و همکاری مبدل خواهد شد.

اطمینان دارم که پلان ها و برنامه های ما برای خودکفایی و اصلاحات، با تکیه بر تعهدات شرکای بین المللی مان، مسیری را به سوی درک ظرفیت کامل مان، برای ما ترسیم خواهد کرد.

از شما تشکر می کنم.

این اقشار منشأ توانایی و انعطاف پذیری ملت ما هستند.

نسلی که در دهه نود میلادی بزرگ شد و اکثریت نفوس کشور را تشکیل می دهد، رهبری کشور به صورت یکجا به آنان به امانت گذاشته می شود. یک تغییر نسلی در حال صورت گرفتن است، زیرا جوانان در تمامی سطوح توانمند گردیده اند. این نسل، همان نسلی خواهد بود که حکومت کنونی را به حکومتی که خدمات محور و شهروندمحور باشد، اصلاح خواهند کرد.

زنان افغان، با رنج غیرقابل تصور، تار و پود جوامع و اجتماعات را علی رغم این که خودشان پارچه پارچه شدند، باهم یکجا نگه داشتند. با این وجود، هنوز هم زنان به سطوح پایینی جامعه منتسب می شدند؛ این غیرقابل پذیرش بود، و ملت ما به خاطر آن رنج زیادی را تحمل کرد. امروز، زنان افغان بیشتری در حکومت، و در قوای بشری حضور دارند و بیشتر از هر زمان دیگری در تاریخ افغانستان، در جامعه مدنی سهم فعال دارند، اما ما هنوز راه زیادی پیش رو داریم. در صدر آنان، شش زن به عنوان سفیر و چهار تن به عنوان عضو کابینه ایفای وظیفه می کنند. در حقیقت، توانمندی زنان برای آینده ما، حایز اهمیت است.

فقرا در کنار زنان و جوانان اکثریت های عددی در افغانستان هستند که از خطوط نژادی، زبانی، جنسیتی و مذهبی عبور کرده اند. حدود چهل درصد افغان ها هنوز با عاید روزانه کمتر از دو دالر زندگی می کنند. تحقیقات نشان می دهد که فقر خودش باعث تداوم فقر می شود، زیرا بر ترکیب علمی مغز طفل تأثیرگذار است. ما باید فقرا را توانمند بسازیم. آنها برای مدت زمان طولانی اکثریت خاموش کشور ما بوده اند.

ما در حال ایجاد دوباره پیوندهای جامعه هستیم تا فرهنگ دولت مان را تغییر بدهیم. و ما نه تنها پیوندهای داخلی، بلکه پیوندهای منطقه ای مان را نیز تقویت می کنیم.

ما به همسایگان مان در آسیای جنوبی و آسیای میانه نظر افکنده ایم و به صورت همزمان در حال تقویت اتصال ملی، جهانی و منطقه ای نیز هستیم. افغانستان مجدداً در قرن بیست و یکم به محور چندجانبه در



سرمحقق عبدالباری راشد

ضرورت جمع آوری زکات و نقش آن در ازدیاد عواید دولت

خلاصه

محرومیت اقتصادی توده های میلیاردری جهان زاده استعمار، استثمار، غصب، رشوه، سرقت و سلب حقوق اقتصادی ملت ها بوسیله دول مستبد و قدرت های مستکبر، متجاوز و آشوبگر دنیا است.

در شرایطی که دولت افغانستان به نسبت مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی- نظامی و امنیتی دست طلب به قدرت های بدنام استعماری دراز کرده و موجب پیدایش هزاران ملاحظه در افکار عامه نیز گردیده است، ایجاب مینماید تا دولت برای رفع مشکلات اقتصادی و بلند بردن سطح عواید دولت و اتکا بخود به اقداماتی لازم، مفید و عملی دست بزند. یکی از راه های ازدیاد عواید دولت جمع آوری زکات از مردم غنی و توزیع آن به فقراء مساکن، عاملین (مأمورین و اجیران) زکات و سایر نیازمندان است.

از دلایل مهم طرح پیشنهاد جمع آوری زکات توسط دولت، یکی هم عدم آمادگی اکثر صاحبان نصاب زکات در جامعه است که به میل و رغبت خود حاضر نیستند چیز را بنام خدا و مصلحت اجتماع مصرف نمایند. فلذا دولت میتواند این حق خدا (ج) را از مردم برای مردم با توسل به تدابیر اجرایی دولتی بستاند. طوریکه در متن بحث این مقاله خواهد آمد زکات یکی از منابع مهم عایداتی دولت است که میتواند سطح عواید را بقسم چشمگیری ازدیاد بخشد.

مقدمه

یکی از زیر بناهای مادی- معنوی نظام اقتصادی اسلام زکات است که پاسخگوی بخش بزرگ معضلات اقتصادی- اجتماعی در جامعه بوده و مهمترین قلم عایداتی دولت بحساب میآید. زکات نقش بارزی را در جلوگیری از بروز جوامع غیر عادلانه طبقاتی چون سرمایه داری بازی میکند. هم چنین زکات یکی از عوامل مبارزه علیه فقر

در جامعه بوده حامی دستگیری بینوایان، افراد تهیدست و ناتوان و بپا ایستاده نمودن آنها میشود. زکات عامل ایجاد روحیه برادری، تعاون، تساند، همکاری و همیاری بی قید و شرط و بدون منت گذاری و ایدای مستحقین زکات در جوامع اسلامی میتواند باشد. زیرا خدای متعال زکات را حق اقشار محروم و فقیر جامعه میداند. چنانکه میفرماید: ترجمه: و آنانیکه در اموال شان حق معلوم است برای تقاضاکننده و محروم. (۱: ۲۴-۲۵)

قابل توضیح است که چرا خدای متعال اقشار تهیدست جامعه را با کلمه «محروم» توصیف مینماید؟ زیرا محروم بکسی اطلاق میگردد که حق از حقوقش به نسبت ظلم و جور یا بیکفایتی حاکمیت های جابر و مستبد اجتماعی- اقتصادی و سیاسی غیر عادلانه سلب و یا غصب شده باشد. فقدان عدالت اجتماعی، نبود عدالت اقتصادی و هر مفسده دیگر سیاسی، اجتماعی، اداری، نظامی و اقتصادی ایکه سبب بروز بیکاری، فقر و موجب محکومیت فرد و جامعه به مظلومیت و بینوایی اقتصادی گردد، محرومیت های فردی و اجتماعی را بار میآورد. پس واژه های حقوقی اقتصادی «حق» و «محروم» که در آیات کریمه تلاوت شده تجلی یافته اند پیوند های متین و منطقی حقوقی اقتصادی با هم دارند. چه اگر استعمارگران متجاوز و استثمارگران ستمگر و زورمندان فرومایه و مستبد جامعه حقوق حقه ملت ها را بنحوی از انجا غصب و یا سلب نمایند، اینان هیچگاه به فقر، محرومیت، بیکاری، بدروزی و دربدری مواجه نمی شوند. حال که مستضعفین حقوق شانرا بهر شکلی جبراً از دست داده اند بنابر این هر آنچه از جامعه بایشان باز گردانده شود حق آنها است و منتی بر ایشان نباید گذاشت.

زکات که بخشی از دارایی های حلال و شخصی افراد جامعه است و هیچ غصب و اتلافی در آن دارایی ها وجود ندارد، در قرآن حکیم و مجید بعنوان حق سائل و محروم تعریف میشود. چون سیستم اجتماعی ظالم و حاکم این محرومیت را بر توده های فقیر و مظلوم



ضرورت جمع آوری زکات و نقش آن در ازدیاد عواید دولت

ترجمه: و در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او در وعده هایش صادق و رسول و پیامبری (بزرگ) بود. او همیشه خانواده اشرا به نماز و زکات فرمان میداد و همواره مورد رضائیت پروردگارش بود. (۵: ۵۴-۵۵)

در آیه دیگر بطور عام میفرماید: ترجمه: و همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را برپا میدارند و زکات میدهند و امر به معروف و نهی از منکر میکنند و پایان همه کارها از آن خدا است. (۶: ۴۱)



از آیات تلاوت شده بخوبی بر میآید که زکات نیز پیشینه دیرینه تاریخی برای همه ملت ها دارد. قاعدتاً مردم و جوامع بشری همیشه درگیر فقر اقتصادی باثر عوامل سیاسی، اجتماعی و طبیعی خاصی میشوند که تنها راه حل عاجل و آجل اخلاقی و ایمانی این معضلات ادای زکات و صدقات است. متأسفانه از آنجا که رؤوس بعضی دول کشور های اسلامی طی تقریباً یک قرن اخیر با اتخاذ روش ها و

تحمیل نموده است. شاید بهمین دلیل است که خدای بزرگ ادای زکات را امر ایمانی و وجدانی مؤمنین و وسیله تقرب بخدا (ج) اعلام میکند تا ایشان بر مبنای ایمان به خدا (ج) و آخرت دست محرومین بلاکشیده جامعه را به نیابت از همه افراد اجتماع بعنوان ادای یک حق الهی- اجتماعی آنها از مال حلال خود بگیرند.

حق مستلزم پرداخت بدون منت گذاری و اذیت جانب حق و وجیبه طرف پرداخت کننده میباشد. بهمین وجه است که خدای متعال در جای دیگر چنین دستور میفرماید: ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! باطل و ضایع نسازید صدقات تانرا بامنت گذاری و اذیت. (۲: ۲۶۴)

بسیار جالب اینست که در آیه بعدی خداوند بی نیاز (ج) خودش را گیرنده حقیقی صدقات معرفی میکند: ترجمه: آیا نمیدانستند که فقط خداوند توبه را ازبنده گانش می پذیرد و صدقات را می گیرد و خداوند توبه پذیر و مهربان است. (۳: ۱۰۴)

چنانکه تلاوت شد در این آیه خداوند پذیرش صدقه و زکات را بخود نسبت میدهد نه به کسانی که آنرا می گیرند و نیاز دارند. بناءً وقتیکه انسان چیز را بخدای متعال میدهد هیچ منت گذاری و اذیتی بالای زکات گیرنده باقی نمی ماند. بدون شک که بر خدای متعال نیز هیچ منتی نیست، زیرا اینهمه وجود، عقل، دارایی، صحت، سلامت و غیره اسباب ثروت را خدای متعال به بندگان به عنوان امانت و آزمایش داده است. از همین جاست که زکات را میتوان عبادتی مالی و پولی و از مبانی عمده دین مقدس اسلام تعریف کرد. این وجیبه بزرگ بمقصد کسب حصول رضای ذات اقدس الهی، زدایش فقر در جامعه، ایجاد برادری میان مسلمانان و در نهایت با هدف تکامل روحی و اخلاقی افراد بر هر مسلمان ثروتمند (صاحب نصاب) فرض گردانیده شده است.

زکات نیز مانند همه فرائض الهی از عبادات قدیم و سابقه دار تاریخ معادل ظهور جوامع انسانی در کره زمین است. طوریکه ذات اقدس الهی بزبان حضرت عیسی (ع) میفرماید: ترجمه: و مرا به نماز و زکات توصیه کرده است و ... (۴: ۳۱)

هم چنین خداوند (ج) در وصف حضرت اسماعیل (ع) میفرماید:



ضرورت جمع آوری زکات و نقش آن در ازدیاد عواید دولت

توجه به هدف اسلام و چند گروه اجتماعی: فقرا، مساکین، مأموران جمع آوری زکات، مؤلفه القلوب یعنی آنانیکه با خدمات مالی بسوی حق دعوت میشوند، آزادی برده گان، قرضداران، تقویت دین خدا (ج)، در راه مانده گان (کسانیکه فقیر نیستند اما به نسبت عوامل خاصی در مسافرت یا مهاجرت محتاج گردیده اند).

واقعاً نیازمندان بر حق در هر جامعه همین اکثریت مستضعف اند که بایشان رسیدگی باید شود. فقرا و مساکین به هر علتی طبیعی یا سیاسی که محکوم به فقر شده باشند، مأموران و اجیران جمع آوری زکات که در راه این خدمت حیات خود را وقف مینمایند، مؤلفه القلوب یعنی کسانیکه اهدای مال و پول در امر دعوت شان مؤثر تر باشد، برده گان که باید از قید برده گی آزاد شوند، قرضداران که وام آنها پرداخته شود، در راه مانده گان که کمک شوند تا بسر منزل خود باعزت و رفاه برسند و هم چنین تقویت دین خدا (ج).

براستی اگر گروه های اجتماعی یاد شده که اکثریت جوامع انسانی را تشکیل میدهند اشد نیاز به نجات از فقر، مسکنت، برده گی، قرضداری و وامانده گی دارند اگر از اینهمه زنجیر های فقر و برده گی نجات یابند آنگاه مشکل اقتصادی - اجتماعی را حل شده باید دانست. دو مورد دیگر که در آیه کریمه تذکر رفته یکی مؤلفه القلوب و دومی تقویه دین خدا (ج)، این موارد هم برای ساختن یک جامعه پاک و مقدس موجب تغییرات اجتماعی بزرگی میشود که جلو همه فساد ها، جنگ ها و جنایات گرفته شده و منتج به تغییرات مثبت اجتماعی میگردد.

مساعدت با بینوایان و زدایش فقر لاقول در سطح خود کفایی غذایی که از تبعات ملموس ادای زکات بصورت کامل و درست آنست بدون شک جامعه را بسوی توازن نسبی اقتصادی نیز میکشاند. چه توزیع $\frac{2}{5}$ پول نقد ثروتمندان و معادل این فیصدی قیمت سایر ثروت های نقد و جنس ایشان اعم از طلا و نقره، مواشی و غیره یک رقم بسیار بزرگ حد اقل تریلیونی در یکسال میشود که واقعاً میلیونها انسان را از نیستی و فقر نجات میدهد.

سیاست های غیر دینی و یا ضد دینی متمایل به قدرت های حامی جهانی خود توجه لازمی بمسایل اسلامی از جمله حصول زکات مبذول نداشته اند بناءً به این اصل بزرگ اقتصادی و دینی نیز متوجه نشده و از اجرای این حکم الهی متعصبانه بهره نگرفته اند. هرگاه رهبری هر یک از سیستم های حاکم بر جوامع اسلامی اگرچه خود معتقد به اسلام و نظام اسلامی هم نباشند اما میتوانند با جمع آوری درست و منظم زکات در بخش عواید دولتی شان بحیث یک قلم مهم عایداتی کشور بیفزایند.

فلسفه اجتماعی - اقتصادی زکات

قسمیکه در مقدمه تذکر رفت، زکات بعنوان یک فریضة الهی که از ثروت های انباشته شده نقدی و جنسی (پول و کالا) گرفته میشود آثار اجتماعی - اقتصادی خاصی در جوامع اسلامی میگذارد. در روایتی از حضرت امام جعفر صادق (رض) میآید که: اگر همه مردم زکات اموال خود را بپردازند مسلمان فقیر و نیازمندی باقی نمی ماند...! و مردم، فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نمی مانند مگر بخاطر گناه ثروتمندان. (۷: ۱۹۶)

قبل از همه زدایش فقر مهمترین اثر عاجل زکات است که میتواند میلیون ها انسان فقیر را همه ساله دستگیری نماید و ریشه فقر را در مدت زمان کوتاهی بر کند. بشرطیکه این پروژه عبادی - اقتصادی بطور صحیح و حقیقی آن در جامعه اسلامی توسط حکام مربوط تطبیق و عملی گردد.

خداوند حکیم (ج) موارد مصرف زکات را برای مستحقین آن خود تعیین میفرماید: ترجمه: صدقات مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت میکشند و کسانیکه برای جلب محبت شان (به اسلام) اقدام میشود و برای (آزادی) برده گان و (ادای دین) قرضداران و در راه (تقویت آئین) خدا و وامانده گان در راه، این یک فریضة مهم الهی است و خداوند دانا و حکیم است (۸: ۶۰).

در این آیه کریمه فلسفه اجتماعی - اقتصادی زکات با چه حکمت و زیبایی ای ترسیم گردیده است!

ضرورت جمع آوری زکات و نقش آن در ازدیاد عواید دولت

و راسخین در علم است. آیات بسیاری در قرآن عظیم الشان بر این حقیقت مشعر اند. بطور مثال با تلاوت چندتای آن در اینمورد بسنده میکنم: ترجمه: الم- آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیز کاران است. (پرهیز کاران) کسانی هستند که به غیب ایمان میآورند و نماز را برپا میدارند و از تمام نعمت ها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم انفاق میکنند. (۱۱):

(۳-۱)

ترجمه: ولی راسخان در علم از آنها و مؤمنان تمام آنچه ب



تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان میآورند. نماز گزاران و زکات دهنده گان و ایمان آورنده گان بخدا (ج) و روز قیامت بزودی بهمه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد. (۱۶۲: ۱۲)

ترجمه: (قرآنکریم) وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است. همان کسانی که نماز را برپا میدارند و زکات را ادا میکنند.

(۱۳: ۳-۲)

ب- ادای زکات انسان را از نظر معنوی و رفتاری تطهیر و تزکیه میکند. چنانکه خدای متعال میفرماید: ترجمه: از اموال آنها صدقه ای (زکات) بگیری تا بوسیله آن آنها را پاک سازی و پرورش دهی و به آنها دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنها است و خداوند(ج) شنوا و دانا است. (۱۴: ۱۰۳)

در آیه تلاوت شده هدف معنوی و روحی زکات با فصاحت، بلاغت و صراحت خاص باین عبارت انعکاس یافته: یعنی زکات را از آنها بگیر تا ایشانرا تطهیر و تزکیه سازی. تطهیر و تزکیه

فلسفه روحی- معنوی زکات

مسلماً برای هر انسان مال بعد از جان خیلی ارزشمند و عزیز است، چنانکه بخاطر کسب مال و پول شب و روز چه از راه حلال، چه حرام تلاشهای پیگیر و خستگی ناپذیر مینمایند و هرگز حاضر نیستند تا یک پول آن هم به هدر رود یا مفقود شود و یا بدیگران بدون بدل و مقصد مادی داده شود. زمانیکه انسان با اینهمه محبت مال بدستور الهی حاضر میشود تا قسمتی از دارایی خود را محضاً لله بدیگری اهدا کند بدون شک نفس او تزکیه گردیده و روح او تصفیه و تکامل مییابد.

رشد و تکامل روحی انسان از یکسو در گرو تزکیه نفس از طریق مخالفت با خواست های نفس از جمله حب مال و شهوات است. از سوی دیگر رشد روحی بسطخ شناخت و معرفت خدا (ج)، ایفای عبادات و خدمت به خلق الله بخاطر خشنودی خدا (ج) رابطه مستقیم دارد.

ایفای زکات نیز بعنوان یک عبادت مالی علاوه بر تزکیه نفس رأساً در رشد و تکامل روح و ایمان انسان نقش سازنده و برآزنده را ایفا مینماید. این فریضه الهی یکی از ارکان بزرگ دین اسلام در جهت رشد و کمال روحی و معنوی انسان ها محسوب میگردد. حضرت پیامبر اکرم (ص) میفرماید: ترجمه: اسلام بر پنج عبادت بنا یافته است: شهادت باینکه نیست هیچ معبودی بجز خدا (ج) و اینکه محمد (ص) رسول خدا است و برپایی نماز، ادای زکات، روزه ماه رمضان و حج بیت الله. (۱۰: ج ۱ ص ۹)

با توجه به اهداف معنوی و اخروی زکات باید دانست که رشد روحی- ایمانی، عبور موفقانه از آزمون الهی در دنیا، تزکیه نفس و بالاخره پیروزی اخروی یعنی رسیدن به جنات النعیم و لقاء الله نتیجه نهایی سایر عبادات و زکات است. فلسفه روحی و معنوی زکات بر مبنای رشد روح و کمال ایمان، تزکیه نفس، رستگاری اخروی و پیروزی در میدان آزمایش خداوندی (جهان) بحیث اصل اول فلسفه خلقت بمعنی شناخت و پرستش خدا (ج) و عبادت محضاً لله استوار است. این فلسفه مبتنی بر دو اصل است: الف- نشان ایمان، ب- تزکیه ایشان.

الف- ایفای زکات نشان ایمان و یکی از صفات مؤمنین



ضرورت جمع آوری زکات و نقش آن در ازدیاد عواید دولت

اتفاق نمی نمایند، بلکه بر عکس در بانک های سودی، سیف ها، صندوق ها و جای های مطمئن و مخصوص ذخیره مینمایند و یا قسمت کمی از آنرا بقسم اسراف و تبذیر به مصرف میرسانند. از آنجا که انسان ها با فطرت حب مال و جاه و ریاست خلق گردیده اند، لذا دوستی و محبت مال آنقدر در قلوب ایشان جای میگیرد که بسختی حاضر میشوند تا مال و دارایی شانرا برای اهداف و مقاصد عالیه دینی- انسانی و اجتماعی ایثار نمایند.

حتی اکثر مسلمانان جهان که به کمال نیروی ایمان نرسیده اند و تنها برخی عبادات آسان و رایگان را که ابتلای جان و مال در آنها نیست انجام میدهند، اما در دادن مال و پول شان چه بعنوان صدقات فرضی چه نفلی تنبلی و سستی ها مینمایند و حاضر نیستند تا زکات همه مال شانرا که گاهی به میلیونها افغانی و یا میلیونها دالر میرسد به مستحقین آن توزیع نمایند. از همینجا است که میتوان گفت، علاوه بر تصرفات و مداخلات استثمار خارجی و زدن و بردن و خوردن دارایی ها و اسیر گرفتن ملت های مسلمان به همکاری حکومت های مزدور و وابسته، علت دوم فقر در جوامع اسلامی عدم توجه خود مردم از راه همکاری های اقتصادی مخصوصاً ادای زکات که حق مستحقین آن است باین وضع نابسامان اقتصادی رسیده اند.

فلهذا جمع آوری زکات و مداخله در تحقق این فریضه الهی بواسطه دولت ها یک ضرورت جدی دینی، سیاسی و ملی است. دولت اگر جمع آوری و مصرف زکات را در جای های مشخصه آن بعهده بگیرد، از اینطریق میتواند بخش عمده مشکلات اقتصادی جامعه و دولت را برطرف نماید. جمع آوری زکات از جانب دولت ترلیون ها دالر را وارد عایدات دولت میسازد. در حالیکه همه کمک های نامتهداد و گمشده جهانی در طول هفده سال گذشته تا حال هرگز به ترلیون ها دالر نرسیده و مشکلی اجتماعی را تا کنون حل نکرده است.

اگر دولت ۱۰٪ محصول بر مصارف مخابرات را جبراً وضع نمود همزمان عدم رضائیت قلبی میلیونها انسان فقیر و کم درآمد را نسبت به دولت و رهبری آن ایجاد کرد، اما اگر ۵/۲٪ زکات را دولت جمع آوری نماید و آنرا به مستحقین اش توزیع کند، نه تنها نفرت و انزجاری را در مقابل دولت بوجود نمی آورد، بلکه محبوبیت

دو مفهوم کاملاً و مطلقاً معنوی، اخلاقی و روحی اند و به تعقیب آن به پیامبر اکرم (ص) دستور میفرماید که بکسانیکه از آنها زکات میگیری دعا بفرست، زیرا دعای تو منحصراً رسول خدا که مستجاب است مایه آرامش و سکون دلهای آنها میگردد. که دعا و سکون دل نیز دو امر روحی و معنوی اند. از آیه کریمه فوق هیچ مفهوم مادی بعنوان هدف زکات استنباط شده نمیتواند. در مجموع تطهیر، تزکیه، آرامش قلبی و دعای رسول الله (ص) در حق مؤمنین اینها همه موجبات رشد و تکامل روحی، معنوی و اخلاقی انسان های مؤمن اند که در بدل زکات مال ایشان به آنها در دنیا و آخرت میرسد.



زکات- رقم درشت عایداتی دولت

پیش از همه لازم به تذکر است بپذیریم، هیچ جامعه ای نیست که افراد آن کلاً بیکار بوده و در یک امر اقتصادی در عرصه های تولیدات زراعتی، مالدار، صنعتی، امور تجارت و سایر خدمات شاغل نباشد. پس معلوم است که تولید، تجارت و خدمات و عواید ناشی از آنها حتماً ثمراتی برای جامعه دارند. این را نیز میدانیم که تمام عواید تولیدات و خدمات بشری بطور کامل در میان ملت ها عادلانه توزیع نمیگردند و این ثروت های نقد و جنس در دست افراد و گروه های غاصب، محتکر، سودخوار، قاچاقبر، رشوه ستان، دزد، استثمارگر، انحصار طلب، منفعت پرست و چپاولگر تمرکز می یابند.

معنی مطلب چنین است که ثروت های سرشار و هنگفتی در دست افراد و اجتماعات بشری همیشه وجود دارد که آنرا هرگز



ضرورت جمع آوری زکات و نقش آن در ازدیاد عواید دولت

تقسیم کنیم بهر یک سالانه مبلغ (۱۲۵۰۰۰) دالر امریکایی میرسد. یعنی عاید ماهانه هر یک، (۱۰۴۱۶۶۶) دالر میشود.

هر گاه چنین امری محقق شود جامعه ایکه مبرا از لایه های منحوس طبقاتی متخاصم شوند و محرومان آن به کسانی مبدل گردند که بدون کسب و کار بچنین سطح عاید برسند مسلماً روحیه برادری، تعاون و تساند اجتماعی نیز برفضای آن جامعه مستولی میگردد. دیری نخواهد گذشت که این فقرا با مصرف قسمت کمی از ثروت بدست آمده یعنی مبلغ (۴۱۶۶۶) دالر با پس انداز متباقی ده هزار دالر راه های فعالیت های اقتصادی ایرا جستجو کنند تا در سال های بعدی اصلاً نیازی به اخذ زکات احساس ننمایند، بلکه بر عکس خود شان زکات بدهند.

با این محاسبه تخمینی متکی بر پایه عقل و منطق و عینیت های جامعه دیده خواهد شد که در جامعه هیچ فقیر و محتاجی باقی نمی ماند. پس معنی جمع آوری دقیق و کامل زکات و توزیع عادلانه آن به مستحقین اش معادل است با زدایش کامل فقر و مبارزه با ظهور طبقات متخاصم ظالم و مظلوم در یک جامعه.

روایت است که در عهد خلافت حضرت عمر ابن عبدالعزیز (رح) زکات را دولت اسلامی جمع نموده به بازار ها و قصبات عرضه میکردند اما کسی مستحق اخذ زکات پیدا نمیشد و بالاخره دارایی زکات دوباره به بیت المال تحویل میگردد و یا در راه های دیگر مورد نیاز و پیشرفت جامعه مورد استفاده قرار میگرفت.

چنانچه این روایت بعبارت ذیل آمده است: «یحیی بن سعید یکی از کارمندان دستگاه خلافت عمر ابن عبدالعزیز (رح) میگوید: خلیفه مرا برای جمع آوری زکات مردم افریقا مأموریت داد. من اموال زکات را جمع آوری کردم، اما هر چه جستجو نمودم فقیر و مستحق را در آن سرزمین نیافتم تا زکات را به او بدهم؛ زیرا عمر ابن عبدالعزیز (رض) همه مردم را مستغنی ساخته بود، بناچار با اموال زکات غلامانی خریداری کرده و آزاد نمودم.» (۱۵: صفحه انترتی)

زکات این عاید مهم و مشروع که در اعتقادات دینی ملت متدین افغانستان جا دارد میتواند هزار ها انسان محروم و بیکار

دولت را نیز در قلوب ملت مسلمان افغانستان ایجاد میکند.

اکنون احصائیه دقیقی اگر از ثروت های به نصاب رسیده از هر جامعه اسلامی داشته باشیم آنگاه میتوان یقین رسید که واقعاً این % ۵/۲ ثروت ها و سرمایه های مادی بشری میتواند بعنوان بزرگترین قلم عایداتی دولت مشکل فقر جامعه را بدرستی حل کند و توازن خاص نسبی اقتصادی در جامعه ببار آرد.

الآن که احصائیه کامل و دقیق ثروت ها و سرمایه های مادی جامعه در دست مان نیست می توان بمنظور تسهیل فهم و درک این مسئله بطور تخمینی و عقلی یک احصائیه قرین به حقیقت را از ثروت های افراد مثال زد و بر اساس آن پذیرفت که آری! اگر زکات بطور کامل جمع آوری و بطبقه مظلوم و محروم جامعه توزیع شود قطعاً مشکل اقتصادی همه ابنای وقت جامعه بر طرف میگردد.

پس وقتی بحث بر ارایه احصائیه تخمینی میرو، این احصائیه به هیچوجه بر یک مبنای خیالی و میان تهی نباید استوار باشد، بلکه بر روی واقعیت های عینی و ذهنی جامعه و انسان فرض و تخمین زده شده باشد.

با قبول موجودیت ثروت های بیکران و سرمایه های بیحساب در هر جامعه انسانی اکنون افغانستان را مثال میزنیم:

نخست همه دارایی های تریلیونی ذخیره شده در بانک ها، استخراج لعل، زمرد، لاجورد، یاقوت و غیره و فروش آنها در بازار های بیرونی، ثروت های بزرگ طلا، نقره، الماس و سایر دانه های قیمتی ارباب ثروت جامعه را در خانه ها و مغازه ها، هم چنین داشته های گله ها و رمة های حیوانی به ارزش میلیون ها دالر و سایر ثروت ها و ملکیت های موجود افغانستان را مجموعاً صرف یکصد تریلیون دالر سنجش میکنیم.

سپس فرض می نمائیم که این صد تریلیون دالر با تناسب های مختلف در دست ده ملیون انسان قرار داشته باشد و بیست ملیون اتباع دیگر این سرزمین در فقر و بیکاری مطلق بسر ببرند. هرگاه بر این فرض زکات یکساله صد تریلیون دالر را که مجموعاً دو و نیم تریلیون دالر میشود بر بیست ملیون انسان فقیر و محروم



ضرورت جمع آوری زکات و نقش آن در ازدیاد عواید دولت

برسانند. در آنصورت است که هم مشکل فقر در جامعه حل میشود و هم در بخش عواید دولت ازدیاد چشمگیری بعمل میآید.

پیشنهاد

با توجه به آنچه گفته آمد به مسؤولین دولت افغانستان پیشنهاد میگردد تا در چهار چوب تشکیلات ریاست جمهوری کشور اداره مستقلی را برای جمع آوری زکات ایجاد نمایند. که ایجاد همچو اداره از یکسو هزار ها فرزند بیکار، عاطل و بی روزگار وطن را بکار می گمارد و از جانب دیگر تریلیون ها افغانی سالانه به عواید کشور از طریق جمع آوری زکات اضافه می شود. در نتیجه مشکلات موجود فقر کشور شمول توسط ثروتمندان خود افغانستان از راه ادای یک فریضة دینی بساده گی حل خواهد شد انشاء الله.

منابع و مأخذ

- ۱- سورة الماعز، آیات: ۲۴-۲۵.
- ۲- سورة البقرة، آیه ۲۶۴.
- ۳- سورة التوبه آیه ۱۰۴.
- ۴- سورة مريم، آیه ۳۱.
- ۵- سورة مريم، آیات: ۵۴-۵۵.
- ۶- سورة حج، آیه ۴۱.
- ۷- قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ترجمه حضرت آیه الله مکارم شیرازی صفحه ۱۹۶.
- ۸- سورة التوبه، آیه ۶۰.
- ۹- سورة النازعات، آیات: ۴۰-۴۱.
- ۱۰- الجامع الصحيح صحيح البخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاری، (المتوفى: ۲۵۶هـ)، ج ۱ ص ۹، حسب ترقیم فتح الباری، ناشر: دار الشعب- القاهرة، چاپ اول، سال: ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.
- ۱۱- سورة البقرة، آیات: ۱-۳.
- ۱۲- سورة نساء، آیه ۱۶۲.
- ۱۳- سورة النمل، آیات: ۲-۳.
- ۱۴- سورة التوبه، آیه ۱۰۳.
- ۱۵- تاریخ و شخصیت ها، عمر ابن عبدالعزیز حاکم عادل، ویبسایت رسمی حوزه علمیه دارالعلوم هرات.

کشور را به کار مشغول کند و از همین مدرک معاش ایشانرا تأمین نماید. چنانکه جمله (و العالمین علیها) در آیه (انما الصدقات للفقراء....) مصرف زکات را برای مأمورین و اجیران جمع آوری زکات نیز دستور میدهد. پس دولت نیاز مند تدارک کدام بودجه جداگانه برای تشکیلات عاملین زکات نخواهد بود.

اگر دولت این قلم عایداتی مهم را جمع آوری نموده و در موارد مشخصه آن بمصرف برساند یقیناً دست ملت و دولت افغانستان از تگدی به ارباب زر و زور و تزویر منطوقی و جهانی جمع میگردد و بیک اقتصاد متکی به ایمان مردم مان دست می یابد.

در پایان با اطمینان میتوان گفت که زکات منعیث یکی از اقلام بزرگ عایداتی دولت اگر کل مصارف نظامی، امنیتی و اجتماعی کشور را تکافو نکند قطعاً مصارف عادی روزمره جامعه مظلوم، فقیر و دربدر ما را تأمین مینماید.

نتیجه

زکات یکی از منابع مهم درآمد دولت است که با توصل به احکام دین مقدس اسلام آنرا میتواند از مردم متمول (صاحب نصاب) جمع آوری نموده در امور رفع مشکلات فقراء، مساکین، وامانده گان در راه، قرضداران و غیره اقشار محروم جامعه و بالآخره در راه خدا (ج)، یعنی در راه خدمت به دین و دعوت بمصرف برساند. بالآخره زکات فریضة ایست الهی که باید از اهل ثروت گرفته شده و به اهل مصرفش سپرده شود.

یکی از وظایف دولت ها در کشور های اسلامی جمع آوری زکات از رعایای مسلمان است. با ملاحظه و مطالعه تخمینی ایکه در این مقاله بعمل آمد حد اقل سالانه معادل دو ونیم تریلیون دالر زکات بر سرمایه داران و دیگر اهل نصاب زکات افغانستان فرض میگردد- متأسفانه به نسبت ضعف ایمانی و اعتقادی اکثر تجار و سرمایه داران بزرگ و کوچک و بدلیل حب بیشتر این قشر اکثراً حرامخوار به مال نسبت به ارزش های والای دینی و کسب حصول رضای خدا (ج) زکات را داوطلبانه نمی پردازند.

فلهذا بر دولت لازم می افتد تا این بخش حق الله (حصه الاجتماع) را از مردم بهر شکل ممکن بستاند و به مستحقین آن



غزنفر بانک
GHAZANFAR BANK



اعتماد شما سرمایه ما است

۸۶۶، سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان

+۹۳(۰) ۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳ +۹۳(۰) ۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶

mainbranch@ghazanfarbank.com



سرمحقق شیرعلی تیزی

نقش صنایع در ازدیاد عواید دولت

صنایع و انواع آن

صنایع یکی از بخش های مهم در اقتصاد هر کشور میباشد و به هر پیمانه که در یک کشور سهم صنعت نسبت به دو بخش دیگر در تولید ناخالص داخلی (GDP) بیشتر باشد و تعداد نیروی کار بیشتر درین بخش مشغول بکار باشند گویای صنعتی بودن و پیشرفت آن کشور میباشد. در افغانستان نقش سکتور صنعت نسبت به دو سکتور دیگر در ایجاد شغل و فرصتهای کاری تا کنون کمتر بوده است. اینکه چرا چنین بوده است؟ چه چالشها و فرصتها فراهم شده است. اینک به توسعه صنعت در کشور ما قرار دارد و چگونه میشود صنایع افغانستان را به منبع عمده عایداتی کشور تبدیل نمود؟ سوالات اساسی این مقاله را تشکیل میدهند.

بصورت کل صنایع به دو بخش صنایع ماشینی و صنایع دستی تقسیم میشود:

۱ - صنایع ماشینی: صنایع ماشینی نیز به دو بخش صنایع سنگین و صنایع سبک دسته بندی شده است.

مقدمه

اقتصاد از سکتورهای عمده صنعت، زراعت و خدمات تشکیل شده است که سکتورهای متذکره در پیوند ناگسستنی با یکدیگر رشد و توسعه می یابند و ممد و مکمل همدیگر میباشند. لازم است تا بالای همه این سکتور ها توجه همسان صورت گیرد، هرچند همه کشورها در رشد و توسعه سکتورهای متذکره در شرایط مساوی قرار ندارند، لکن امکان رشد و توسعه یک سکتور در یک کشور بهتر از سکتور دیگر بوده میتواند، زیرا کشور ها نظر به وضعیت جغرافیایی، اقلیمی و طبیعی مسلطی که دارند، امکانات شان در تولید محصولات زراعتی، صنعتی و خدماتی نیز متفاوت میباشد و درعرضه محصولات از مزیت نسبی نظریه یکدیگر برخوردار میباشند. لذا ضرور است تا هر کشور با مطالعه دقیق از امکانات تولیدی خویش به تولید محصول و یا رشد سکتوری بپردازد که نسبت به کشور دیگر دارای مزیت نسبی میباشد. تحلیل وضعیت این سکتورها در یک مقاله نا ممکن است، لذا روی سکتور صنعت و چگونگی رشد، توسعه و نقش آن در ازدیاد عواید دولت افغانستان تمرکز میشود.



نقش صنایع در ازدیاد عواید دولت

دستی نقش مؤثری در اقتصاد خانواده های افغان دارد، متأسفانه از رونق گذشته برخوردار نیست. (۱: ۳۴۸)

صنایع دستی افغانستان عبارتند از: دوزندگی، بافندگی، نساجی، معماری، زرگری، نقاشی، کندن کاری، حکاکی، نجاری، فلز کاری، سرامیک سازی، زراعت، خیاطی، بوت دوزی و غیره که در آن محصولات چون قالین، گلیم، خورجین، نمد، پوستین، پوستینچه، لباسهای خامکدوزی شده، کلاه قرص و کلاه قره قل، لباس های ابریشمی مانند (لنگی، چین، دستمال)، لباسهای گلدوزی شده، چرمه دوزی شده، شال، بوت، جراب، دستکش، جاکت، ظروف سفالی و امثالهم توسط مردم بخصوص زنان تولید میشود.

صنایع دستی علاوه بر اینکه زمینه ساز خوبی برای ازدیاد عواید و اقتصاد خانواده ها و کاهش بیکاری زنان بویژه زنان روستائی میباشد، نمادی از گنجینه ارزشمند فرهنگ و هنر گوناگون و پر بار ولایات و مناطق مختلف کشور بشمار میرود. متأسفانه کم توجهی به این صنعت در سالهای اخیر سبب شده تا این ثروت ملی و گنجینه گرانبها در معرض نابودی قرار گیرد.

در گذشته قالین افغانستان جزء بهترین فرشهای دنیا محسوب میشد و بیش از ۲۵ فیصد مردم از راه تولید و فروش

الف: صنایع سنگین: صنایع سنگین نسبت به صنایع سبک نیازمند سرمایه، امکانات و نیروی متخصص بیشتر میباشد؛ مانند: صنایع ساخت موتر، طیاره، کشتی و سایر ماشین آلات سنگین.

تجربه نشان داده است که در کشور های عقب مانده مانند افغانستان و بازار های رقابتی موجود جهانی و قلت سرمایه، شرایط رشد و توسعه صنایع سنگین طور شاید و باید وجود ندارد. لذا نباید پیش از ایجاد امکانات لازم، وقت و سرمایه را درین بخش به مصرف رساند. در حالیکه عدم موفقیت آن پیش از پیش قابل درک و پیش بینی است.

ب: صنایع سبک: عبارت از صناعی اند که در آن امکانات، هزینه و نیروی متخصص کمتر ضرورت است؛ مانند: صنایع نساجی، چرم گری، محصولات چوبی، سنگی، تولید مواد ساختمانی محصولات کاغذی، صنایع چاپ، پلاستیک پروسس محصولات متنوع زراعتی، مالداری و غیره...

۲- صنایع دستی: صنایع دستی در هر کشور و بخصوص کشور های عقب مانده مانند افغانستان از اهمیت و جایگاه فرهنگی، هنری، اقتصادی و اجتماعی ویژه برخوردار است. در حقیقت صنایع دستی زبان، فرهنگ، هنر و تمدن یک ملت و جامعه است. صنایع دستی افغانستان از گذشته های دور، از

شهرت خاص برخوردار بوده و تعدادی از مردم کشور از راه تولید و فروش این محصولات نیاز مندیهای اقتصادی خود را رفع نموده و مینمایند.

زنان افغان همواره در تولید محصولات صنایع دستی از توانایی و ظرفیت بالایی برخوردار بوده و تلاش

می کنند از این راه نیاز مندیهای های اقتصادی خانواده های خود را (و لو در حد اقل) رفع کنند. با وجود اینکه تا هنوز هم صنایع



قالین امرار حیات میکردند و امروز این صنعت باستانی به رکود مواجه بوده و توان رقابت با محصولات مشابه کشور های همسایه



نقش صنایع در ازدیاد عواید دولت

با وجود اینکه فعلاً چندین پارک صنعتی در شهرهای بزرگ کابل، مزار شریف، هرات، قندهار، جلال آباد، پلخمری و ... تأسیس شده اند و بطور متوسط در طی یک و نیم دهه اخیر رشد اقتصادی کشور بین ۸ تا ۱۱ درصد بوده است، اما نقش صنایع پارکهای صنعتی موجود در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد ملی از ۲۰ تا ۲۴ درصد بیشتر نبوده است. (۱: ۳۴۳)

فعالیت‌های صنعتی در افغانستان در پنج بخش ذیل خلاصه میشود: ۱- استخراج معادن؛ ۲- صنایع فابریکاتی؛ ۳- برق و آب؛ ۴- صنایع ساختمانی و صنایع دستی.

بخش صنعت در سال ۱۳۹۰ در تولید ناخالص داخلی ۲۱.۳ درصد بوده و بیشتر برای مصرف داخلی تولید میشود در ۹ پارک صنعتی که در کابل و ولایات افغانستان ساخته شده صرف ۵۸۰ شرکت تولیدی فعالیت داشته و زمینه کار را برای حدود سی هزار نفر فراهم کرده اند که در مقایسه به نیاز مندی شدید

را از دست داده، صادرات آن کاهش یافته و در بسیاری موارد نسبت عدم توجه به زنده گی قالین بافان و ایجاد سهولت در تولید و پروسس قالین افغانی، این محصول جهت پروسس به پاکستان انتقال شده و بعد از برش و شستشو به نام و مارک پاکستان به خارج صادر میشود. بناءً طرح توسعه این صنعت باستانی به تدوین یک پلان و ستراتیژی بلند مدت، همه جانبه و فراگیر فرهنگی، هنری و اقتصادی نیاز دارد. (۱: ۳۴۲)

سهم صنایع در تولید ناخالص داخلی

صنایع ماشینی در حقیقت شکل تکامل یافته صنایع دستی بوده که رشد و انکشاف آن نیازمند سرمایه کافی، تکنالوژی مدرن، تخصص و مدیریت علمی، راه های مواصلاتی مناسب، انرژی برق و تأسیسات زیر بنایی میباشد که متأسفانه هیچکدام اینها در افغانستان به اندازه که بتواند نیازمندیهای صنعتی کشور را مرفوع سازد وجود ندارد، به همین خاطر صنایع افغانستان طور شاید و باید رشد و توسعه نیافته و نمیتواند جوابگوی ضروریات مردم باشد.



نقش صنایع در ازدیاد عواید دولت

و مصرفی به یک کشور تولیدی، خود کفا و صادراتی نیازمند پلانگذاری طویل المدت، ده تا بیست ساله میباشد. تقویت و حمایت صنایع داخلی از طریق میکانیزم ایجاد سهولتهای کردیدی و قرضه های بدون بهره و یا با بهره پایین، بدسترس قرار دادن زمین با اقساط نازل تأمین انرژی برق و مانند اینها

مردم به محصولات صنعتی و میلیونها نیروی بیکار کشور بسیار ناچیز است. (۱: ۳۴۶)

ارزش تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور در سال ۱۳۹۳ ه.ش. ۲۱ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال ۱۳۹۲ یک فیصد کاهش را نشان میدهد. درین سال رشد تولید ناخالص ملی ۲۱٪ بوده و ارزش (GDP) سرانه ۷۴۷ دلار بود. در سال مذکور سهم صنعت، زراعت و خدمات در (GDP) بالترتیب ۲۰.۹۲، ۲۴.۳۲ و ۵۱.۳۰٪ بوده که بیشترین سهم را سکتور خدمات دارا بوده است. (۲: ۱۶۳)



ارزش (GDP) در سال ۱۳۹۴ به شمول کوکنار ۱۹.۴ میلیارد دلار و بدون کوکنار ۱۸.۹ میلیارد دلار بود، همچنان ارزش (GDP) سرانه درین سال به شمول کوکنار ۶۷۷ دلار و بدون کوکنار ۶۶۳ دلار بوده است. (۳: ۱۷۶)

شدیداً احساس می گردد.

گرچه بعد از سال ۱۳۸۱ سرمایه گذاری در بخش صنایع افغانستان افزایش یافت اما به نسبت ضعف و کمبود زیر بنا ها، نبود انرژی کافی برق، نبود سیاست حمایتی مدون دولت، بکار گیری سیاست دمپینگ کشور های همسایه و نبود استراتژی مشخص مبارزه با دمپینگ سبب شده تا صنایع در کشور نه تنها رشد نکنند بلکه بیشتر کار خانه های تولیدی از فعالیت باز مانده اند. به همین دلیل تا کنون بخش صنعت در روند رشد و توسعه پایدار اقتصادی بخصوص بر رشد تولید ناخالص داخلی نقش قابل توجه نداشته است. به اساس گزارش احصائیه مرکزی در طی ده سال اخیر سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی بطور اوسط در حدود ۲۳ در صد بوده است. (۴: ۱۶۳)

امروزه یکی از عوامل عدم رشد و توسعه زراعت، نبود انگیزه و کاهش بی رویه قیمت محصولات حین برداشت به نسبت عدم امکان نگهداشت و پروسس آنها میباشد. توجه به رشد و توسعه صنایع زراعتی از یکطرف باعث ثبات قیمت محصولات زراعتی گردیده و از کاهش بی رویه قیمت ها در وقت برداشت محصول

ارزش تولیدات صنایع خصوصی و دولتی در سال ۱۳۹۳، ۷.۳۱۵ میلیارد افغانی بوده که نسبت به سال ۱۳۹۲، ۲۹.۵٪ کاهش داشته است. (۲: ۱۶۳) به همین ترتیب ارزش صنایع دولتی و خصوصی در سال ۱۳۹۴، ۶.۱۱۹۹ میلیارد افغانی بوده که نسبت به سال ۱۳۹۳، ۱۵.۳٪ کاهش را نشان میدهد. (۳: ۱۷۶) ولی سرمایه گذاران به نسبت مشکلات عدیده؛ چون نبود انرژی برق، نبود تکنالوژی مناسب، عدم توان رقابت با محصولات مشابه خارجی از سرمایه گذاری درین بخش صرف نظر نموده اند.

چالشها و زمینه های رشد و توسعه صنایع در افغانستان

صنعت رکن مهمی از اقتصاد و تولید ناخالص داخلی اکثر کشور ها و بخصوص کشور های صنعتی و نیمه صنعتی میباشد. اصولاً توسعه صنعتی یکی از شرایط لازم توسعه اقتصادی و پیشرفت کشور هاست. لکن بدون توجه به فراهم آوری امکانات لازم؛ مانند: تأسیسات زیربنایی، تأمین انرژی مورد نیاز شرکتهای تولیدی، رشد و توسعه صنایع نا ممکن خواهد بود. لذا برای رشد و توسعه صنایع در کشور و تبدیل شدن از یک کشور تورییدی



نقش صنایع در ازدیاد عواید دولت

میدهد. به همین ترتیب تولید نوشابه های غیر الکولی با طعم های مختلف، مربا، کنسروهای متنوع میوه، رب رومی و غیره زمینه ساز خوبی رشد باغداری، کشت و زرع بادنجان رومی و امثالهم میباشد.

رشد و توسعه تجارت لباسهای ابریشمی، پشمی، پنبه ئی زمینه را برای صنایع نساجی، پبله وری، کشت و زرع پنبه و مالداری بیشتر از پیش مهیا میسازد.

چون زراعت شغل موسمی بوده و در فصل مشخص از سال زمینه رشد و انکشاف محصولات زراعتی بیشتر مساعد میباشد و مشغولین زراعت همواره در فصل زمستان بیکار میباشند و همچنان موجودیت بیکاری مخفی در زراعت از ویژه گی های دیگر این سکتور اقتصادی میباشد، بنا بر آن توجه به رشد و توسعه صنایع دستی و حرفه های خانگی یکی دیگر از عوامل رشد و توسعه زراعت به حساب می آید. زیرا زمینه کار را برای زارعین در فصل بیکاری و کم کاری مساعد می سازد. زنان که نیم از بدنه نیروی مستعد به کار را تشکیل میدهند و زمینه کار در سایر سکتورها به نسبت عدم تخصص و مهارت برای شان مساعد نیست و یا اینکه خود شان نسبت بعضی از محدودیتهای حاکم در جامعه سنتی افغانی حاضر به کار کردن در بیرون از

خانه نیستند، لذا مشغولیت در صنایع دستی و حرفه های خانگی بهترین راه ازدیاد عواید خانواده های دهقان و زارع بخصوص زنان روستایی بیسواد و کم سواد میباشد. (۵: ۸۳)

به همین ترتیب صنایع وقتی میتواند رشد و توسعه پیدا کند که با توجه به قیمت عوامل تولید، هزینه تمام شد و بهبود کیفیت محصول بویژه از نظر کیفیت و قیمت برای مصرف کننده در حد باشد که بتواند در بازار با کالا های وارداتی رقابت کند. صنعت سالم بصورت معمولی میتواند کیفیت و قیمت قابل قبول و رقابت-

جلوگیری مینماید. چون محصولات زراعتی سریع الفساد بوده و در صورتیکه زمینه حفظ و نگهداشت آن مساعد نباشد در وقت جمع آوری، قیمت آن تا کمتر از قیمت تمام شد کاهش یافته و انگیزه تولید را محدود می سازد و بر عکس تأسیس فابریکه های پروسس محصولات زراعتی به این انگیزه قوت می بخشد. از طرف دیگر زمینه را برای استخدام میلیونها فرد بیکار مساعد ساخته، باعث ازدیاد عواید خانوار هاودولت گردیده و سطح زنده گی مردم را بهبود می بخشد و هم چنان از مهاجرت ساکنان دهات به شهرها که یکی از مشکلات موجود افغانستان میباشد میکاهد، زیرا زراعت کشور ما بیشتر در قراء و قصبات متمرکز میباشد.

همانطور که گفته شد در افغانستان زمینه رشد و توسعه صنایع بی از امکانات بهتر بر خوردار است که منبع تغذیه آن را



محصولات زراعتی و مالداری تشکیل میدهد. زیرا تلفیق بخش صنعت و زراعت می تواند از ضایعات بخش زراعت بطور معمول که در هنگام برداشت محصولات اتفاق می افتد، جلو گیری نموده محصولات خام زراعتی را به مواد پخته و قابل استفاده و دوامدار تبدیل نموده و به بازار عرضه نماید؛ بطور مثال: تأسیس فابریکه های تولید روغن نباتی در محل تولید مواد خام آن زمینه را برای کشت و زرع بیشتر گل آفتاب گردان، جواری، کنجد، زیتون، زغر، پنبه و سایر نباتات روغنی مساعد می سازد.

احداث فابریکه تولید شکر زرع لبلبو و نیشکر را افزایش



نقش صنایع در ازدیاد عواید دولت

- جلب کمکهای بیشتر مؤسسات مالی بین المللی و سرمایه گذاری آن در بخش صنایع سبک، دستی و زود ثمر؛
- جلب سرمایه گذاری مشترک خارجی و داخلی در صنایع تولیدی؛
- اعزام جوانان به خارج جهت فراگیری تخصص و مهارت مسلکی و فنی در رشته های مختلف صنعتی؛
- جلب متخصصین و کار شناسان خارجی جهت مطالعات تخنیکی و اقتصادی پروژه های جدید صنعتی؛

پذیری را برای مشتریها ارایه کند. هر چه صنعت سالم تر باشد به همان پیمانه توانمندی هایش در زمینه نیز بیشتر و فرصت رشد و توسعه آن مساعد تر خواهد بود. با ملاحظه وضع موجود به صورت کل دشواریهای ذیل را فراراه رشد و توسعه صنایع بویژه صنایع دستی میتوان برشمرد:

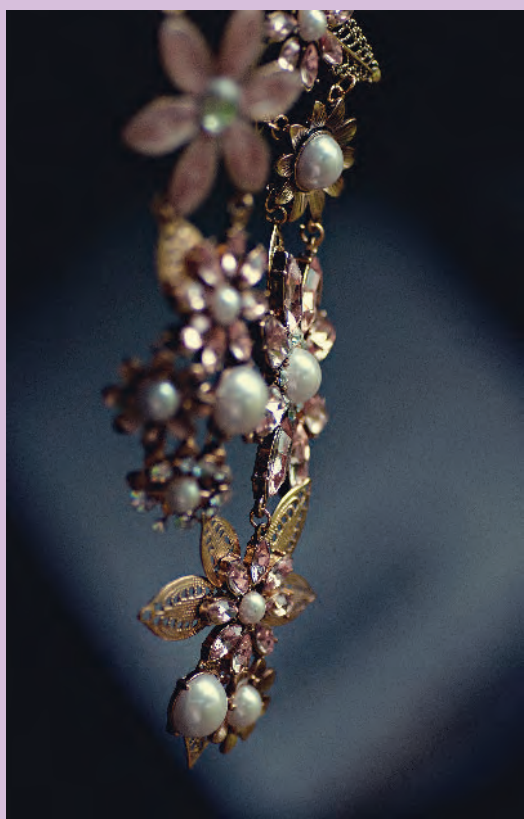
دشواریهای صنایع کشور

- نبود امنیت کامل و سراسری جهت تأمین مواد خام صنعتی از داخل و یا خارج کشور؛
- قلت انرژی برق، آب و یا بلند بودن قیمت برق وارداتی؛
- کمبود زمین و دیگر تأسیسات زیر بنائی لازم برای صنایع؛
- نبود کادر مسلکی، تخصصی و ماهر از یک طرف و فرار سیل آسای مغز ها از سوی دیگر مانع بزرگ در راه رشد و توسعه صنایع به شمار میرود؛
- نبود تکنالوژی مناسب و مدرن؛
- موجودیت فساد اداری در ادارات دولتی؛
- قلت سرمایه و مشکلات قرضه دهی و باز پرداخت آن؛
- نبود شاهراه های مواصلاتی ستند و ترانسپورت ریلی و بحری جهت نقل و انتقال محصولات تولیدی و مصرف وقت زیاد و قیمت بلند جهت انتقال تولید به بازار های بین المللی از طریق موثر و طیاره؛
- ضعف مدیریت و بازاریابی برای محصولات مذکور؛
- ضعف هماهنگی و همکاری دولت و سکتور خصوصی در زمینه بازاریابی، فروش و استفاده از محصولات تولیدی کشور وده هاشکل خورد و بزرگ دیگر را میتوان نام برد.
- پس چاره چیست؟ و راه حل در کجاست؟

راه های حل

- جلب همکاریهای تخنیکی و اقتصادی کشور هائیکه درین عرصه تجارب و تخصص کافی دارند؛
- سرمایه گذاری مشترک دولت با سکتور خصوصی در تأسیسات صنعتی عام المنفعه؛
- تأمین انرژی و به دسترس قرار دادن زمین به قیمت مناسب به متشبثین، سرمایه گذارها و کنترل مداوم مبنی بر اینکه واقعاً زمین

- تأمین امنیت سراسری به هروسیله ممکن؛
- احداث خط آهن سراسری و شاهراه های جدید، مرمت شاهراه های موجود و حل مشکلات ترانزیتی با همسایه ها؛





نقش صنایع در ازدیاد عواید دولت

بدست آورده را به منظور سرمایه گذاری صنعتی به کار گرفته اند یا خیر.

- مبارزه پیگیر و خسته گی نا پذیر علیه فساد در ادارات دولتی؛
- سپردن کار به اهل آن مطابق تخصص، تجربه و تعهد؛
- انتقال سرمایه از تجارت به صنعت، تا زمانیکه قسمتی از سرمایه تجارتی به سرمایه تولیدی (صنعتی) تبدیل نشود زمینه رشد و توسعه صنایع ممکن نخواهد بود؛
- تشویق مردم به استفاده از محصولات داخلی بجای محصولات تولیدی خارجی اعم از محصولات غذایی البسه و لوازم دفتری، حد

- شاهراه ها و بازار مؤفقیت تولید را تضمین می نماید؛
- اتخاذ تدابیر به منظور جلوگیری از فرار مغز ها و تریه کادر های جدید؛
- ایجاد هماهنگی بین رشد صنعت و زراعت از طریق بکار گیری پالیسی های عمومی اقتصادی؛
- با وجود تعقیب سیاست اقتصاد بازار، نباید سکتور دولتی را در صنایع کلیدی که مستلزم سرمایه گذاری هنگفت و زمان بهره دهی طویل المدت است فراموش کرد، بلکه در صدر قرار داد تا به توجه به مشکلات آینده به سرمایه گذاری بپردازد.
- در نتیجه میتوان گفت که بابه کارگیری پالیسی علماً تنظیم شده و همه جانبه دولت میشود وضعیت صنایع را تغییر و زمینه رقابت سالم محصولات تولیدی داخلی را با کالاهای وارداتی فراهم نمود. بانظارت مستمر و هدف مند بر بهبود کیفیت کالاهای داخلی از طریق معافیت مالیاتی مواد خام و یا نیم کاره صنعتی وارداتی و همچنین وضع مالیات بلند بر کالاهای وارداتی مشابه تولیدات داخلی، را از این وضع نابه هنجار نجات داده و به سوی رشد و توسعه پایدار سوق داد.

مأخذ

- ۱- شبان، محمدانور. تیوریهها، عوامل و سیاستهای انکشاف، یونین اید، پشاور، ۱۳۷۵
- ۲- توسلی، محمد، غر جستانی. اقتصاد افغانستان، ظرفیتهها، چالشها و راه کارها، چاپ اول، ۱۳۹۴
- ۳- اداره مرکزی احصائیه، سالنامه احصائیوی ۱۳۹۰، مطبوعه اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۱
- ۴- اداره مرکزی احصائیه، سالنامه احصائیوی ۱۳۹۳، مطبوعه اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۴
- ۵- اداره مرکزی احصائیه، سالنامه احصائیوی ۱۳۹۴، مطبوعه اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۵
- ۶- تیزی، شیرعلی. تحلیل و ارزیابی اقتصادی صنایع عمده دستی افغانستان ۱۳۵۰-۱۳۶۹، کابل ۱۳۹۵



اقل جبری ساختن استفاده آن در ادارات دولتی بویژه اردو، پولیس و امنیت ملی؛

- تقوی سکتور زراعت و مالداری مبتنی به رشد و توسعه صنایع مواد غذایی و محصولات زراعتی و مالداری؛
- باقیماندن معادن در انحصار دولت و سرمایه گذاری در استخراج آن نیز زمینه ساز خوب ازدیاد عواید دولت بوده و زمینه را برای ارتقای سطح زندگی مردم مساعد میسازد؛
- اولویت دادن به توسعه بخشی از صنایع که در آن صراحتاً امکانات بیشتر به مشاهده میرسد؛
- احداث فابریکه های تولیدی در محل تولید مواد خام، نزدیک



غضنفر بانک

مراپحه

راه آسان و شرعی برای تمویل و
توسعه تجارت شما!



خبرنوال عبدالحکیم رامیار

زموږ هېواد او د پايښت لرونکي پراختيا مسئلې

مختللیو او بډایه هېوادونو ته یې لاس اوږد دی او د هغوی د مرستو په تمه دي.

ټول پوهیږو چې دا توپیر او دوه گوني حالت تل نه و او هم به نه وي اوسني ډېر پرمختللي هېوادونه پخوا ډېر وروسته پاتې و چې ددې بدلون راز د هغوی په اقتصادي او ټولنیزه وده او پراختیا کې دی.

د یوه هېواد اقتصادي او ټولنیزه وده د طبیعي زیرمو او امکاناتو د شته والي تر څنګ په انساني هڅو او کړنو پورې تړاو لري. کېدای شي ډېر هېوادونه د خپلو طبیعي زیرمو

اوسنۍ تمدن او په اقتصادي، سیاسي، ټولنیزو او فرهنګي چارو کې لاسته راوړنې د انسان د فردي او ټولنیزو هڅو پایله ده.

اما هغه څه چې د انسانانو تر منځ بېلوالی رامنځته کوي، هغه ددې لاسته راوړنو ناعادلانه وېش او د هغه څخه د بېلا بېلو انسانانو ناانډوله برخمن کېدل دي.

وینو چې یوه ډله هېوادونه او وګړي په بېسارې توګه پرمختللي دي او د ژوند ټول مادي او معنوي امکانات په اختیار کې لري، اما بله خوا پراخه انساني ډلې او هېوادونه په بېوزلۍ، لوړه بېسوادی او مرض کې ژوند کوي او پر



زموږ هېواد او د پايښت لرونکې پراختيا مسئلې

نظر هغه تدريجي او آرام بدلونونه چې په اوږد مهال په يوه اقتصاد کې منځته راځي او له امله يې ورو، ورو د سپما نرخ او نفوس زياتوالی مومي وده ده، د بل اقتصاد پوه په نظر فريد من، بې له دې چې په زير بناوو کې بدلون راشي د اقتصادي سيستم پراخېدل او تودارو هم هغه دوامداره بهير چې له امله يې د وخت به تېرېدو د اقتصاد توليدي ظرفيت زياتېږي او د ملي عايد کچه لوړوي وده کښلې ده.

هسې چې له يوې خوا دوهمې نړيوالې جگړې په مادي لحاظ ډېر هېوادونه ويجاړ کړي و او له بشري لحاظه په ډېرو هېوادونو کې ناوړين منځته راغلي و، له بلې خوا ډېرو افريقايي او آسيایي هېوادونو د استعماري ښکېلاک څخه خلاص او خپلواکي يې تر لاسه کړې وه او هم د ودې په اړوند نظريو څخه چې د عملي کېدو له امله يې په ډېرو هېوادونو کې کوم د پاموړ اقتصادي - ټولنيز بدلونون نه و راغلي او په ډېرو هېوادونو کې د حاکمو طبقو، پوړونو او د توليدي وسايلو د مالکينو او پانگوالو د بډايښت او د کارېگرو، بزگرو او نورو عوامو دلا بېوزلۍ سبب شوې وې ښه خاطره نه درلوده نو د ودې پر ځای نورو لارو چارو او نظريو په لټه کې و.

هماغه و چې د پراختيا (توسعه) (Development) تر عنوان لاندې نظر په منځته راغله او ورته د اصولو او پرنسپبونو جوړولو وروسته هېوادونو ته د عملي کولو په خاطر وړاندې شوه.

د پراختيا په نظر يو کې د ودې د هدفونو يعنې د مادي توليداتو او د ملي عايد د زياتوالي سربېره د ټولنيزو چارو ښه والی او پرمختګ هم مطرح شوی و. نو هېوادونو د اقتصادي او ټولنيزو پرابلمونو څخه د خلاصون او د اقتصادي او ټولنيز پرمختګ په موخه د پراختيا پر بنا

او يا هم لکه پخواني استعماري هېوادونو غوندې د پخوانيو مستعمرو د مادي زيرمو او بشري ځواک په مرسته او تمويل سره پرمختګ کړی وي، اما ډېرو بيا ددې امکاناتو په نشتوالي سره هم پرمختګ کړی دی، چې راز يې په ملي او وطني روحيه کار کول، او د هېواد گټو ته ژمن سياسي - اقتصادي مسؤلین او چارواکي و او دي.

زموږ هېواد چې يو د ډېرو وروسته پاتې هېوادونو له ډلې څخه دی، نه پرمختګ او وروسته پاتېوالی يې ډېر سياسي، اقتصادي او طبيعي لاملونه لري او جگړه او نورې بېلابېلې ناخوالې د لاملونو په توګه دا وروسته پاتېوالی دوامداره کوي.

د ټولو هېوادونو د هغې جملې څخه زموږ اقتصادي ټولنيز وروسته پاتې والی په وده او پراختيا پورې تړلی دی. هسې چې د هرې ښکارندې چارې او ستونزې حل کول او د خپلو خواستو مطابق يې سمبالول اصولو او مقرراتو ته اړتيا لري نو د يو هېواد د چارو سمبالتيا او پراختيا هم ځانته اصول او نظريې لري چې وتليو کار پوهانو او اړوند مکتبونو د نظرونو او څېړنو محصول وي.

د هېوادونو اقتصادي تاريخ په ډاګه کوي چې د بېلابېلو اقتصادي مکتبونو او پوهانو د نظريو له ډلې چې هېوادونو ته د اقتصادي پرمختګ په اړوند وړاندې شوې او د هېوادونو له خوا عملي شوې دي وده (Growth) پراختيا (Development) او پايښت لرونکې پراختيا (Sustainable Development) دي.

وده هغه اقتصادي نظريه ده چې تر ډیره هېوادونو د دوهمې نړيوالې جگړې څخه مخکې د خپلو هېوادونو د پرمختګ په موخه کارولې ده د اقتصاد پوه شومپيتر په



زمور هېواد او د پايښت لرونکي پراختيا مسئلې

اقتصادي

کلونه، کلونه يې په ډېرو افريقايي او د لاتيني امريکي په هېوادونو کې د ودې او پرمختګ اړوند چارې څېړلې او ډېرې ليکنې لري د پراختيا لاندې درېو اهمو اړخونو ته اشاره کوي او نظر لري چې که په يوه هېواد کې د اقتصاد او ټولنيزو بدلونو په ترڅ کې دا درې ښودونکي منځته راغلي وي او خلک د هغه د تحقق څخه برخمن او ګټه واخلي په دې معنا ده چې هغه ټولنې پراختيا موندلې ده، چې هغه عبارت دي له:



- د وګړو د ژوند د کچې لوړ والی.
 - د هغه شرايطو رامنځته کېدل چې د وګړو د نفس عزت ته وده ورکړي.
 - د هغه شرايطو او امکاناتو منځته راتګ چې د وګړو لپاره د ټاکنو ساحه پراخه کړي.
- له هغه ځايه چې د يوې ټولنې د اقتصادي، سياسي او ټولنيزو چارو او بدلونونو د حرکت څرنگوالی، برياوې او ماتې په داخلي او خارجي عواملو پورې تړاو لري، نو اړينه ده داخلي عواملو ته د باندنيو عواملو په پرتله ارجحيت ورکړل شي ځکه چې هغه اقتصادي، سياسي او ټولنيز بهير، فعاليت او کړنلاره په يوه ټولنه او يا د ژوند په يوه برخه کې په بريا سره تطبيق کېدای شي او د تمې وړ مثبتې پايلې پر ځای پرېږدي چې د شته امکاناتو پر بنا په ملي سوچ او روحيه ورته پروګرامونه او کړنلارې طرح شوې وي او د خلکو د خواستو په نظر کې نيولو سره د هغوی په ونډه، او شراکت سره پلې کړای شي، ځکه چې د انساني ژوند تاريخ

اقتصادي ټولنيزو پروګرامونو او کړنلارو ته مخه کړه چې که وشي په عملي کولو سره يې د ودې د موخو د تر لاسه کولو څخه علاوه د ټولنې د ټولنيزو شاخصونو وضعيت ښه شي. په ټولنو کې د اقتصادي پراختيا څخه موخه داده چې د ټولنې اقتصادي وضعيت ښه او پراخه شي، پراختيا د اقتصادي نابرابرۍ، ښار مېشت کېدل، وزګارتيا، د عايد دو وېشنې څرنگوالی، دوګړو د سواد کچه، د وګړو روغتيايي حالت ښه کېدل او نور ټولنيز، فرهنگي شاخصونو ته پام لري.

اقتصاد پوه کيندل برګر اقتصادي پراختيا د توليد د زياتوالي نه علاوه د محصولاتو د توليد په څرنگوالي کې تحول ګڼي او نظر لري چې دا بدلون او تحول د کار د ځواک او د هغه د تخصص د بدلون په معنا دی. د فريدمن په آند پراختيا يو خلاق او د نوښتونو سره مل بهير دی چې بنسټيز اقتصادي او ټولنيز بدلونونه منځته راوړي. بل وتلی امريکايی اقتصاد پوه مايکل تودارو چې

زموږ هېواد او د پايښت لرونکي پراختيا مسئلې

- د اقتصادي ساختار بدلون
 - د مشارکتونو د نرخ څرنگوالی
 - روغتیايي امکاناتو ته د لاسرسي څرنگوالی
 - د زده کړو لپاره د امکاناتو څرنگوالی
 - د انساني پراختیا شاخص (HDI)
 - د خرید د ځواک د برابری شاخص (PPP)
 - د دوامداره عاید شاخص (GNA, SSI)
- د تېرې پېړۍ په وروستیو کې هېوادونو د کابو څلوېښتو کلونو عملي شویو پراختیايي اقتصادي، ټولنیزو پروگرامو د پایلو او لاسته راوړنو د ارزونې وروسته دې پایلې ته ورسېدل چې د پراختیا په موخه عملي شویو پروگرامونو د ډېر و وروسته پاتې هېوادونو اقتصادي او ټولنیز وضعیت نه دی بدل کړی او په ډېرو نورو په
- په تېره بیا د وروسته پاتې هېوادونو د اقتصادي او ټولنیزې پراختیا ناکامې پایلې او د هغوي دسست پرمختګ ډېر لاملونه د نورو د پروگرامونو کاپي کول او د نورو د سفار شونو پلې کول دي. چې زموږ هېواد یې ژوندۍ بېلګه ده. زموږ په هېواد کې د کلونو، کلونو را پدېخوا د دولتونو او سیاسي رژیم کړنلارې او پروگرامونه د رژیم سره د دوستو هېوادونو او ملاتړ کونکو دولتونو د تګلارو او موخو تر اغیزو لاندې و او د رژیم په بدلېدو سره مخکنی تګلارې، پروگرامونه او حتی پروژې یا بیخي له نظره غورځېدلې او یا هم په کې بدلون راغلی او نوي لګښتونه پرې شوي او په بشپړېدو سره یې لګښتونه د پلان شویو لګښتونو په پرتله زیات شوي دي. چې په دې توګه د قیمت په لوړېدو سره هغه اقتصادي او موثره نه ګڼل کېږي

دا چې هر عمل ځانته پایلې لري، او کېدای شي دا پایلې مثبتې او یا هم منفي وي نو د یوې ټولنې د بېلا بېلو اقتصادي، ټولنیزو، فرهنګي چارو د کچې د ارزولو او ښودلو لپاره هم شاخصونه او نورمونه جوړ او ټاکل شوي دي.

هغه شاخصونه چې د نړیوالو ادارو او سازمانو لکه ملګرو ملتونو، نړیوال بانک او نورو لخوا جوړ شوي او د هغه پر بنا د هېوادونو د پراختیا کچه ارزول کېږي عبارت دی له:

- ملی نا خالص تولید (GNP)
- د سړي په سر واقعي تولید.
- د فقر کچه
- د بوختیا نرخ

تېره بیا په صنعتي او نویو صنعتي شویو هېوادونو کې یې نوې ستونزې زېږولې دي چې هغه په غیر اقتصادي توګه د طبیعي زیرمو کارول دي چې ډېرې د خلاصېدو او کمښت سره مخامخ شوې دي. بله دا چې د استوګنې،



زمور هېواد او د پايښت لرونکي پراختيا مسئلې



کار او چاپیریال خرابېدل او ککړتیا پر وگړو او هېوادونو زیات لگښتونه تحمیل کړي چې به دوام سره یې ژوند ته د گواښ ترڅنګ د هېوادونو د ودې او پراختیا بهیر ټکنی کوي.

همدا راز، له هغه ځایه چې اوسنی طبیعي زېرمې د ټولنو د وروسته پرمختګ لپاره اړتیا ده او په ترڅ کې یې هغه یوازې د اوسني نسل حق او مالکیت نه دي بلکې باید داسې وکارول شي ترڅو د راتلونکیو نسلونو ونډه او حق په کې خوندي پاتې شي.

پایښت لرونکي پراختیا ته زمونږ د هېواد رسېدل ډېرو کارونه او هڅې غواړي. موږ د جگړې او ناامنیو له کبله ډېر اقتصادي پروژې نه شو پلي کولای، ډېر مکتبونه مو تړلي دي او نور علمي، فرهنګي چارې مو د گواښ سره مخ دي.

سره له دې چې دولت هڅه کوي د ستونزو د حل لپاره لارې پیدا کړي، خو د هېواد د وروسته پاتې حالت، د مالي او عایداتي ملي سرچینو کموالی او ترڅنګ یې د تېر پنځلس کلن رژیم څخه پاتې ستونزې د هېواد د پرمختګ به وړاندې لویې ستونزې دي چې له منځه وړل یې وخت ته اړتیا لري.

مونږ باید د ملي او نړیوالو پانګو د جلبولو ترڅنګ سوله او امنیت تأمین کړو، ملي انساني پانګه او ملي کادرونه وروړو او ترڅنګ یې په صداقت او ملي روحيه وطن ته د خدمت به چارو کې ونډه واخلو. او په دې ترڅ کې ټول خلک په تیره بیا ځوان نسل دې امر ته وهڅوو.

په دې توګه د اقتصادي اصطلاحاتو په قاموس کې په کال ۱۹۸۷م، یوه بله اصطلاح زیاته شوه چې هغه پایښت لرونکي پراختیا (Sustainable Development) ده.

د پایښت لرونکي پراختیا د مفهوم او نظر یو په رامنځته کېدو وپتېیل شوه چې دولتونه باید د پراختیا په خاطر پر پخوانیو کړنو له سره نظر وکړي او کړنې او پروګرامونه داسې جوړ کړي چې د پرمختګ او وګړو د ژوند د ښه والي د بهیر د دوام ترڅنګ زېرمې داسې وکارول شي چې به لنډ مهال کې د هغه د خلاصېدو او محوه کېدو مخه ونیول شي او هم د اقتصادي فعالیتونو په پایله کې طبیعي چاپیریال زیان و نه ویني او د انسانانو او نور حیه موجوداتو ژوند ته گواښ پېښ نه شي.

په دې اړوند د ملګرو ملتو سازمان د ۲۰۱۵ کال په سپتمبر کې ۱۷ موخې او ۱۶۹ مقصده تصویب او هېوادونه ته یې وړاندې کړي دي چې زمونږ هېواد هم د هغه په اړوند باید کار وکړي او هر کال د خپل پر مختګونو راپور د ملګرو ملتونو اړوند ادارو ته وسپاري.

غضنفر بانک در کمپیوتر شما



غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

۸۶۶۶، سرک عمومی، شبرپور، کابل، افغانستان

+۹۳ (۰) ۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳ +۹۳ (۰) ۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶

mainbranch@ghazanfarbank.com



هفت پیشران تجارت جهان در سال ۲۰۱۷

داده است که مواردی چون «حجم تجارت کالایی، سفارشات صادرات، حمل و نقل بین‌المللی هوایی، توان عملیاتی کانتینر بندری، فروش و تولید وسایط نقلیه، اجزا و قطعات الکترونیکی و مواد خام کشاورزی» را در بر می‌گیرد.

آمارهای مربوط به حمل بار هوایی، فروش وسایط نقلیه، سفارش کالاهای صادراتی و ظرفیت جابه‌جایی کانتینر که در شاخص رونق تجارت جهانی آمده است، در چند ماه گذشته رشدی باثبات پیدا کرده که نشان می‌دهد میزان تجارت جهانی در سه ماه نخست سال ۲۰۱۷ رشدی سریع‌تر پیدا خواهد کرد؛ با این حال، وضعیت تجارت «قطعات الکترونیکی و مواد خام کشاورزی» همچنان نامطلوب بوده است.

اما در مقابل، داده‌های این تحلیل نشانگر این است که دو محرک «حمل و نقل بین‌المللی هوایی و فروش و تولید وسایط نقلیه»، بیشترین سهم را در رشد تجارت جهانی در فصل نخست سال ۲۰۱۷ خواهند داشت. در همین راستا، معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران طی گزارشی به بررسی جزئیات شاخص چشم‌انداز تجارت جهانی (WTOI) در فصل نخست سال ۲۰۱۷ پرداخته است.

شاخص چشم‌انداز تجارت جهانی (WTOI) مربوط به فصل نخست سال ۲۰۱۷ که از سوی سازمان تجارت جهانی



سازمان تجارت جهانی با پیش‌بینی هفت محرک رشد تجارت در سال ۲۰۱۷، گزارش جدیدی را در مورد شاخص چشم‌انداز تجارت جهانی منتشر کرد. هدف از محاسبه این شاخص، تعیین جهت‌گیری رشد تجارت در آینده نزدیک است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در فصل اول سال ۲۰۱۷، افزایش حمل و نقل بین‌المللی هوایی و فروش و تولید وسایط نقلیه، دو محرک اصلی رشد تجارت هستند.

طبق گزارش سازمان تجارت جهانی WTO، رشد تجارت جهانی برای سال ۲۰۱۷ بین ارقام ۱/۸ تا ۱/۳ درصد پیش‌بینی شده است. این در حالی است که رشد تجارت جهان در سال گذشته میلادی ۱/۷ درصد برآورد شده بود.

جدیدترین گزارش سازمان تجارت جهانی، درخصوص «شاخص چشم‌انداز تجارت جهانی» (WTOI) مربوط به فصل نخست سال ۲۰۱۷ منتشر شد. به دنبال رشد تجارت جهانی در فصل پایانی سال ۲۰۱۶، پیش‌بینی می‌شود تجارت جهانی در فصل نخست سال ۲۰۱۷ روند رو به رشد خود را ادامه دهد.

چراکه شاخص رونق تجارت جهانی در فصل نخست سال جاری به ۱۰۲ رسید که در مقایسه با ۱۰۰.۹ در ماه نوامبر سال گذشته افزایش یافته که این امر نشانگر ادامه روند رو به رشد تجارت جهانی است. در همین زمینه، شاخص چشم‌انداز تجارت جهانی (WTOI)، هفت محرک رشد تجارت را مورد ارزیابی قرار





هفت پیشران تجارت جهان در سال ۲۰۱۷

در همین راستا، شاخص تجارت جهانی در فصل نخست سال ۲۰۱۷، هفت محرک رشد تجارت شامل «حجم تجارت کالایی، سفارشات صادرات، حمل و نقل بین‌المللی هوایی، توان عملیاتی کانتینر بندری، فروش و تولید وسایط نقلیه، اجزا و قطعات الکترونیکی و مواد خام کشاورزی» را مورد ارزیابی قرار داده که چهار جزء از شش جزء این شاخص ترکیبی، نشان می‌دهد که شاخص تجارت جهانی از ارقام قبلی مربوط به آگوست ۲۰۱۶ مثبت‌تر است. به عبارت دیگر، ۴ محرک «حمل و نقل هوایی، فروش وسایط نقلیه، سفارشات صادرات و حمل دریایی کانتینرها» مربوط به این شاخص، همه در جهت مثبت، افزایشی و بالاتر از روند قرار دارند.

منتشر شده، یکی از شاخص‌های پیشرو ارائه‌کننده وضعیت تجارت جهانی است. این شاخص در واقع به دنبال ارائه اطلاعاتی به موقع از مسیر تجارت در باره زمان سه تا چهار ماه قبل از انتشار آمار مربوط به تغییرات واقعی حجم تجارت است. شاخص چشم‌انداز تجارت جهانی یک شاخص ترکیبی از چند عامل بوده که عملکرد کوتاه‌مدت را در مقایسه با روندهای میان‌مدت اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص بین ۹۰ تا ۱۱۰ متغیر است که عدد ۱۰۰ شاخص به منزله رشد تجارت بر وفق روند قبلی است و ارقام بیشتر یا کمتر از صد به ترتیب رشد را بالاتر یا پایین‌تر از روند قبلی ارزیابی می‌کند. طبق گزارش فوریه ۲۰۱۷ سازمان تجارت جهانی، شاخص مذکور برای ماه نوامبر ۲۰۱۶ تعیین شده است

که معنی آن پیش‌بینی رشد تجارت در بازه زمانی فوریه مارس در مسیر بالاتر از روند است.

براساس این گزارش، سازمان تجارت جهانی در سپتامبر ۲۰۱۶ رشد تجارت جهانی را برای سال ۲۰۱۶ برابر با ۷/۱ درصد برآورد و رشد برای سال ۲۰۱۷ را بین ارقام ۸/۱ تا ۱/۳ درصد پیش‌بینی کرده بود. شاخص



همچنین داده‌های مربوط به شاخص چشم‌انداز تجارت جهانی، نشان می‌دهد سطح شاخص دو محرک «حمل و نقل بین‌المللی هوایی و فروش و تولید وسایط نقلیه» به ترتیب نزدیک به ۱۰۶ و ۱۰۳ است که سهم قابل توجهی را در رشد تجارت جهانی در فصل نخست سال ۲۰۱۷ رقم خواهند زد. اما این در حالی است که سطح شاخص «حجم تجارت کالایی» با ۹۷/۴ از پایین‌تر سطح نسبت به سایر اجزا برخوردار است. همچنین داده‌های این تحلیل نشان می‌دهد سطح شاخص سفارشات صادرات ۱۰۲، توان عملیاتی بندری ۱۰۱، اجزای قطعات الکترونیکی ۹۹ مواد خام کشاورزی ۹۹ گزارش شده است.

چشم‌انداز جهانی تجارت اخیر، نشان می‌دهد احتمال بهبود رشد حجم تجارت در فصل چهارم ۲۰۱۶ از ارقام قبلی برآورد شده است. هدف از محاسبه شاخص WTI ارائه چشم‌انداز کوتاه مدت از وضعیت تجارت جهانی نیست بلکه این شاخص جهت‌گیری رشد تجارت را در آینده نزدیک مشخص می‌کند. مهم‌ترین استفاده از این ابزار تعیین نقاط عطف و درجه رشد تجارت جهانی است. همچنین، این شاخص به تکمیل آمار تجاری و پیش‌بینی‌های مربوط به تجارت ارائه شده از سوی سازمان تجارت جهانی یا سایر مراجع بین‌المللی نیز کمک می‌کند.



براساس گزارش سازمان تجارت جهانی، این کاهش پیش‌بینی به دلیل افت بیش از حد انتظار حجم تجارت کالا در فصل نخست و بهبود اندک ارقام تجارت در فصل دوم امسال بوده است. در فصل نخست حجم تجارت کالا منفی ۱/۸ درصد بود و در فصل دوم این رقم به مثبت ۳/۰ درصد رسید. از این رو، تحلیلگران نیز بر این باورند که کندی قابل توجه رشد تجارت یک مساله جدی است و می‌تواند هشداردهنده باشد. چراکه رشد پایین تجارت تبعات منفی برای اقتصاد کشورها به دنبال خواهد داشت.



به‌طوری که آمار منتشر شده از سوی سازمان تجارت جهانی، نیز بر این نگرانی صحنه می‌گذارد که پس از یک دوره طولانی رشد اقتصادی ناشی از جهانی‌شدن و تجارت جهانی، در پی وقوع یک دوره مشکلات اقتصادی، دولت‌ها به‌طور فزاینده به دنبال حفاظت از صنایع داخلی خود هستند و رشد اقتصادی بیش از پیش از مصرف داخلی حاصل می‌شود.

اگرچه همه دولت‌ها سیاست‌های حمایتی را رد می‌کنند، اما تجارت همچون گذشته از رشد اقتصادی سبقت نمی‌گیرد. البته از سوی دیگر، نشانه‌هایی نیز مبنی بر احتمال افزایش تجارت در نیمه دوم سال ۲۰۱۷ وجود دارد. اما احتمالاً آهنگ این رشد همچنان ضعیف خواهد بود. از جمله این نشانه‌ها افزایش تردد کانتینرها در بنادر، افزایش سفارشات صادراتی در ایالات متحده و تثبیت جریان تجارت اسمی به دالر آمریکا است.

منبع: انترنت

بر همین اساس، داده‌های مربوط به تن کیلومتر هزینه بین‌المللی براساس آمار انجمن حمل‌ونقل هوایی IATA با توجه به رشد قابل توجه محموله‌های هوایی اروپایی، مؤید رشد قوی در این بخش است. از سوی دیگر، افزایش حمل‌و نقل دریایی و همچنین برگشت مجدد رشد فروش وسایط نقلیه بعد از افت نیمه نخست ۲۰۱۶ از عوامل اصلی بهبود شاخص چشم‌انداز جهانی تجارت است. اما وضعیت تجارت قطعات الکترونیک و مواد خام کشاورزی در موقعیت پایین‌تر از روند قبلی قرار دارند و چشم‌انداز مثبتی برای تجارت این دو زیر شاخص در فصل نخست ۲۰۱۷ متصور نیست.

البته از سوی دیگر، سازمان تجارت جهانی پیش‌تر طی گزارشی اعلام کرده بود افزایش تعداد کشورهای مهم تجاری و تغییر جهت نسبت تجارت و رشد تولید ناخالص داخلی، پیش‌بینی آینده رشد تجارت را دشوارتر کرده است. به همین دلیل این

سازمان برای نخستین بار به منظور پیش‌بینی ارقام

سال ۲۰۱۷ طیفی از سناریوها را در نظر گرفته

بود. به‌طوری که سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی

کرده بود در سال ۲۰۱۷ تجارت جهان بین ۱/۸ تا

۳/۱ درصد رشد خواهد کرد. این در شرایطی است که

در گزارش قبلی رشد ۳/۶ درصدی برای سال آینده در نظر

گرفته شده بود.





اسکناس های ارزشمند؛ ۱۰ واحد پولی برتر جهان

دینار کویت

دینار کویت واحد رسمی پول کویت می باشد. این کشور به دلیل داشتن منابع غنی نفتی و صادر نمودن آن، به یکی از ثروتمندترین کشورها در خاور میانه تبدیل گردیده است. هر دینار کویت از ارزش ۳۰۴۲ دالری برخوردار می باشد.

دینار بحرین

کشور شاهی بحرین ارزشمندترین واحد پولی بعد از کویت را در جهان دارا می باشد. داشتن روابط سیاسی با کشور شاهی عربستان و ذخایر نفتی نقش عمده را در ارزش این واحد پولی بازی می نماید. ارزش هر دینار این کشور به ۲۶۵ دالر می رسد.

آنچه در تعیین ارزش پولی کشورها نقش اساسی دارد ثروت و پشتوانه ای ارزی کشورهاست. هم چنان موقف سیاسی کشورها هم نقش انکار ناپذیر را دارا می باشد.

کشورهای قدرت مند جهان توانسته اند، با استفاده اعظمی از منابع کشوری شان، گام های بلندی را در راه رشد و توسعه اقتصادی بردارند و از این راه به توسعه در ابعاد مختلف زندگی از جمله توسعه انسانی، دست یابند.

بدون شک پول هر کشور تشیکل دهنده بخش مهمی از اقتصاد آن کشور می باشد که در زندگی روزمره افراد آن جامعه، نقش اساسی را بازی می کند. خبرنامه در این گزارش به معرفی ده پول ارزشمند دنیا پرداخته است.

ریال عمان

ریال عمان بعد از سال ۱۹۵۹ به حیث واحد پولی جدید در این کشور، معرفی شد. ذخایر فراوان نفتی در عمان به ارزش آن افزوده. ارزش فعلی هر ریال به ۲۶۰ دالر می‌رسد.

لاتس لتونی

لتونی یک کشور کوچک از جمله کشورهای شمالی اروپا است. پایتخت این کشور ریگا است که بعد از سال ۲۰۰۴ به عضویت اتحادیه اروپا درآمد. یک لاتس لتونی برابر است با ۱۰.۸۹ دالر امریکایی.

پوند انگلیس

بریتانیا یکی از گران‌ترین کشورهای دنیا می‌باشد که از معتبرترین و قدیم‌ترین واحد پولی برخوردار است. پنی واحد کوچک‌تر آن می‌باشد و صد پنی آن یک پوند می‌شود. در حال حاضر یک پوند برابر است با ۱,۶۱ دالر

دینار اردن

اردن با داشتن ۶.۵ میلیون جمعیت از جمله کشورهای خارومیانه است. واحد پولی آن در سال ۱۹۴۰ معرفی گردید. برخلاف کشورهای دیگر عربی دارای منابع و ذخایر نفتی نمی‌باشد؛ اما واحد پولی آن از ارزش خوبی برخوردار است. یک دینار اردن فعلا برابر به ۱,۴۱ دالر است.

یورو اتحادیه اروپا

این واحد پولی به خاطر وصل نمودن کشورهای اروپایی و خلاص نمودن این کشورها، از مشکلات تجاری و سیاسی به وجود آمد که بزرگ‌ترین قدرت تجاری دنیا را شکل داده و در سال ۱۹۹۹ توسط اتحادیه اروپا به معرفی گرفته شد. ۲۶ کشور عضو برحال این اتحادیه می‌باشد. بریتانیا در یک همه پرسی در سال گذشته میلادی رای به





اسکناس های ارزشمند؛ ۱۰ واحد پولی برتر جهان



دلار آمریکا

آمریکا یکی از قدرتمند ترین کشورهای جهان است که ارزش پول آن در رده دهم جهان قرار دارد. هر دلار آمریکایی حدود ۶۷ افغانی ارزش دارد.

منبع: خبرنامه

خروج از این اتحادیه داد. ارزش پولی فعلی این اتحادیه، برابر به ۱,۳۱ دلار است.

دلار کایمن

مجموعه جزایر کایمن با مساحت ۲۶۰ کیلومتر مربع، در شرق دریای کارائیب موقعیت دارد. این واحد پولی تنها در این جزیره مورد استفاده قرار می گیرد. از مزایایی که دارد مالیات به آن تعلق نمی گیرد. ارزش هر دلار کایمن مساوی به ۱,۲۲ دلار می گردد.

فرانک سوئیس

فرانک واحد پولی سوئیس و لختن اشتاین می باشد. سوئیس به خاطر داشتن مناظر و جاهایی دیدنی زیبا از شهرت جهانی برخوردار است. ارزش هر فرانک سوئیس مساوی به ۱,۱۰ دلار می باشد.



گشایش اتاق تجارت و صنایع زنان افغانستان

اتاق تجارت و صنایع زنان افغانستان توسط گروهی از زنان متشبه به ریاست بانو منیژه وافق به منظور فراهم نمودن زمینه های فعالیت زنان تجارت پیشه و سهم زنان کار آفرین در توسعه پایدار اقتصادی افغانستان در کابل گشایش یافت.



آسیب های اجتماعی

زیرا اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، رفتارها آسیب می بیند یعنی آسیب زمانی پدید می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای بندی به رفتارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است. از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا نهاد اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست تصور کنند کجروی اجتماعی تلقی می شود نهاد یا هر جامعه ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما همواره افرادی در جامعه یافت می شوند که از پاره ای از این هنجارها و ارزش ها تبعیت نمی کنند افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش ها و جامعه و یا سازمانی باشند همنا و یا سازگار و اشخاصی که برخلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و به آنها پای بند نباشند افرادی ناسازگار می باشند. در واقع کسانی که رفتار انحرافی و ناهنجاری آنان دائمی باشد و زودگذر و گذرا نباشد کجرو یا منحرف نامیده می شود رفتارها را انحراف اجتماعی یا *social devianced* و یا کجروی اجتماعی گویند.

آسیبهای اجتماعی به عنوان اموری که نظم عمومی جامعه را به هم می زنند و هنجارهای آن را مورد تعرض قرار می دهند بسیار حایز اهمیت می باشند. چراکه افزایش ناهنجاری ها نشانه ای از وجود بحران محسوب می شود و نظم اجتماعی را تهدید می کند.

با توجه به اهمیت آسیب های اجتماعی و روند رو به رشد آن بی شک مداخله در آسیب های اجتماعی نیاز به تفکر جامع دارد که فعالیت آن در سطوح مختلف پیشگیری مراقبت و حمایت قابل پیشگیری باشد.

آسیب شناسی اجتماعی

آسیب شناسی اجتماعی به بررسی انواع مشکلات می پردازد که در سطح اجتماعی مطرح هستند و سعی می کنند علل مختلف آنها را از جنبه های مختلف فردی، اجتماعی و غیره مورد بررسی قرار دهد.

هر جامعه متناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تأثیرات مخربی روی فرآیند ترقی دارد، شناخت چنین عواملی می تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی هموار سازد به طوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداخل با ارائه راه های حل آن به سلامت جامعه کمک نماید.

علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی

مطالعه انحرافات و کجروی های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب شناسی اجتماعی عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های اجتماعی، در واقع آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی ها، ناهنجاری ها و آسیب هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، طلاق و ... همراه با علل و شیوه های پیش گیری و درمان آنها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است. به عبارت دیگر خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است





نقش خانواده در سلامت روان فرزندان

تأثیر خانواده که مهم ترین عوامل مؤثر در رشد همه جانبه کودک است، با قدرت فراگیری خاصی آغاز و در سراسر زندگی فرد آشکار می شود. تأثیر روابط صحیح بین والدین و فرزندان و اهمیت آن بر هیچ کسی پوشیده نیست زیرا کودکان دارای خصوصیت «اخلاق دیگر پیرو» هستند یعنی با چشم بسته رفتار والدین خود را تقلید می کنند و به همین علت علمای تعلیم و تربیت همگی بر این باورند که نقش والدین در شکل گیری شخصیت کودکان غیرقابل انکار و از مهم ترین عوامل در تأمین بهداشت کودکان است.

خانواده های گسسته که نبود حمایت عاطفی روانی و بی توجهی به امر نظارت و کنترل از ویژگی آن است. فضای خانواده از حالت امن خارج شده و عنصر عاطفه و محبت از آن رخت بسته این خانواده ها محیط مناسبی برای رشد انواع شرارت، خشونت و ... هستند.

بدیهی است فرزندان خانواده هایی از گزند آسیب های اجتماعی مصون خواهند ماند که منطقی تر عمل نمایند و فرزندان خانواده های پرکار، اردوگاهی، بی تفاوت و گسسته نوعاً در لب پرتگاه سقوط می باشند.

ب: نظام های حمایتی خانوادگی

والدین جوانان خلاف کار در مقایسه با والدین جوانان غیر خلاف کار عمدتاً در برخورد با رفتارهای فرزندان خود از مهارت کافی برخوردار نیستند. در بسیاری از موارد، والدین عمدتاً وقت خود را خارج از خانه و در محیط کار سپری می کنند و خلاء حضور پدر در خانواده، جوانان پسر را از نظام حمایت پدر در یافتن هویت مردانه محروم می سازد. مواجه شدن پسران با بحران هویت جنسی که ناشی از غیبت طولانی مدت پدران در خانه است آن را به سوی رفتارهای پر خطر می کشند. در این مورد پرداختن به امور تربیتی فرزندان توسط والدین که شامل اصول اخلاقی مناسب و منسجمی است که ویژگی تنبیهی نداشته باشد و در مقابل نظارت دقیق بر کار آنها شرکت والدین در زندگی روزمره جوانان، کسب اطلاع از فعالیتهای فرزندان در طول روز و آموزش مهارتهای زندگی، می توان از گرایش جوانان به سمت رفتارهای پرخطر پیش گیری کرد.

همچنین بخش اعظمی از رفتارها، جامعه پذیری، احساس مسئولیت، داشتن زندگی سالم و عادی از آلودگی در خانواده شکل می گیرد و اگر نظارت و کنترل والدین در کنار فضای صمیمی به همراه مهر و محبت باشد هرگز شاهد وجود آسیبهای اجتماعی نخواهیم بود. اهم موضوعاتی که داخل خانواده می توانند در آسیب پذیری فرزندان تأثیر گذار باشند به شرح ذیل می باشند:

الف: ساختار خانواده

ساختار خانواده را می توان از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد و از این جنبه می توان خانواده را به چند نوع تقسیم کرد. که می توان از آنها به عنوان خانواده بی تفاوت، خانواده گسسته، خانواده پرکار و خانواده اردوگاهی نام برد. هر کدام از ساختارها شیوه های متفاوت تربیتی و انتظارات متفاوتی از فرزندان خود دارند که من جمله می توان به ویژگی خانواده بی تفاوت اشاره نمود:

پ: فقر

فقر ما در تمام آسیبهای اجتماعی است. فقر را با بسیاری مسائلی همچون افزایش مرگ و میر، بیماری روانی، شکست تحصیلی و رابطه دارد. هر چند خود فقر به طور ذاتی یک مشکل و آسیب است این لزوماً به این معناست که تمام افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند، افرادی نابسمان و مشکل ساز

ساختار این خانواده حکایت از فقدان ارزشهای معنوی، محیط سرد و طرد کننده داشته به طوری که والدین این فرزندان اهمیتی به آینده آنان نداده و تماشاچیان بی تفاوت رفتارهای فرزندان شان هستند. اینگونه خانواده ها والدین به علت نرمش محض با کلیه رفتارهای فرزندان به دلیل بی تفاوتی، موافقت نموده و به راحتی تسلیم کارهای آنان می شوند. همچنین در

آسیب های اجتماعی

وجود خفقان و خشونت در محیط خانه فرزندان را نسبت به زندگی بی علاقه و بدبین می سازد و زمینه را برای انحرافات از قبیل: اعتیاد و برخی عاداتهای خطرناک دیگر در آنها فراهم می سازد زیرا این قبیل امور در واقع عواملی برای فرار از وضع موجود و تسکین اضطراب هستند خانواده هایی که فاقد آرامش و آسایشند زمینه ساز تمایل به انحرافات اجتماعی هستند.

ر: پائین بودن سطح آگاهی خانواده ها

خانواده، یک نهاد و یک مثلث مقدس است که اضلاع آن را پدر، مادر و فرزندان تشکیل می دهند اضلاع این مثلث هم در یکدیگر اثر می گذارند و هم از یکدیگر اثر می پذیرند. اگر بین اعضای خانواده یک رابطه سالم متعادل و ارزشمند حاکم باشد زمینه های رشد و شکوفایی به روی این خانواده باز خواهد شد و رفتارهای متعادل در آن شکل خواهد گرفت.

با گذشت زمان و ماشینی تر شدن زندگی، بین اعضای خانواده ها جدایی افتاده و آنها روز به روز بیشتر احساس تنهایی و از خود بیگانگی می کنند و رابطه بین فرزندان و خانواده مختل شده هر چه قطع این ارتباط طولانی تر باشد به همان میزان انحرافات اخلاقی در فرزندان بیشتر مشاهده خواهد شد.

شرایط پیش آمده شرایطی است که والدین نیاز جدی و مبرم به افزایش دانش دارند. دانش و آگاهی خانواده ها باید تقویت شود آنها باید بتوانند با ویژگیهای روانی و شخصیتی همدیگر آشنایی پیدا کرده تا ارتباط خود را مستحکم تر نمایند.

برای اجتماع هستند مشکلات اقتصادی، عدم تأمین نیازهای جسمی و روانی اغلب زمینه ای برای بروز و ظهور مشکلات اجتماعی دیگر است.

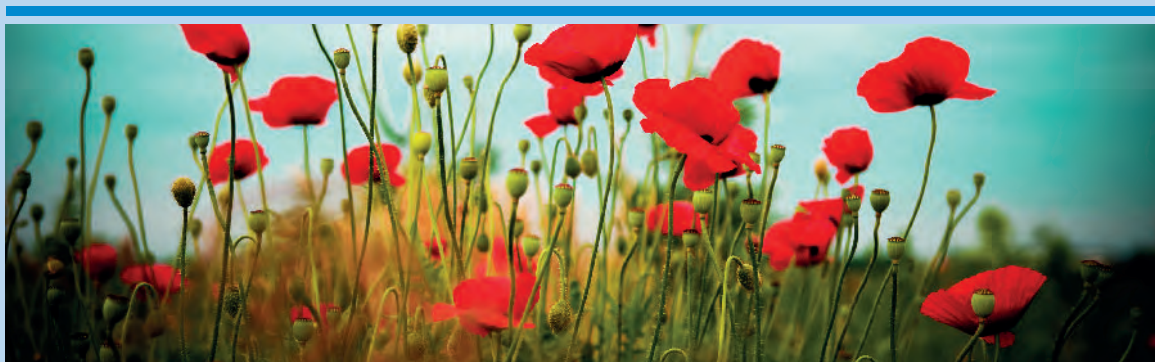
ج: محبت افراطی

تأکید محبت به معنای افراط و زیاده روی در آن نیست. دانشمندان علوم اجتماعی بر این باورند که «بدترین پدران کسی است که در محبت و نیکی نسبت به فرزند زیاده روی کند.» محبت باید چنان باشد که:

- فرزندان بیش از حد وابسته بار نیایند و در غیاب والدین بتوانند روی پای خود بایستند.
- از خود راضی و پر توقع بار نیایند فرزندانی که بیش از حد مورد محبت والدین قرار می گیرند از دیگران نیز توقع محبت های آن چنانی دارند و زمانی که وارد جامعه می شوند چون توقعات آنان برآورده نمی شود سرخورده و مأیوس می شوند و به علت روحیه آسیب پذیر و نامتعادل در زندگی با مشکلات جدی روبه رو می شوند.

د: خشونت پدر

بعضی از پدران مدیریت خانواده را با زورگویی و اعمال خشونت اشتباه گرفته اند و رفتاری تند و خشن دارند بدرفتاری بعضی پدران گاه چنان شدید است که محیط خانه را به جهنمی سوزان برای زن و فرزندان تبدیل می کند.





ح: شیوه های فرزند پروری

خانواده های قاطع و آسان گیری که در آنها محبت زیادی نسبت به فرزندان اعمال می کنند تأثیر بیشتری بر سازگاری فرزندان دارند اما خانواده های مستبد و بی توجه که در آن میزان محبت والدین پائین است سازگاری کم تری در فرزندان مشاهده می شود.

حمایت و محبت والدین به عنوان یکی از عوامل مهم تأمین کننده بهداشت روانی فرزندان محسوب می شود. بنابراین به منظور کاهش انحرافات و خلاف کاری های دوره نوجوانی توصیه می شود که والدین به جای فاصله گرفتن از نوجوان، در جهت نزدیک تر شدن به او و ابراز محبت زیاد تلاش کنند. در صورت نزدیکی عاطفی والدین لازم نیست کنترل زیادی بر فرزندان صورت گیرد زیرا فرزندان، خودشان، ارزش ها و ملاک ها را درونی می سازند.

چ: طلاق

مسأله مهمی که در سالهای اخیر به افزایش آسیبهای اجتماعی دامن زده است، افزایش آمار طلاق در کشور است. باید دید چه عاملی باعث این همه نابسامانی در زندگی شده است. با توجه به اینکه بحث طلاق، باعث ایجاد جدائی و شکستهای عاطفی میان همسران در خانواده و فرزندان می شود و باعث ایجاد افسردگی و عوارض بعد از جدائی می گردد، سرانجام طلاق باعث افزایش گرایش به آسیبهای اجتماعی می شود. زیرا که گسیختگی خانوادگی یکی از عوامل مهم در تولید رفتار خلاف کارانه است زیرا هنگامی که فرزندان والدین خود را در اثر طلاق از دست می دهند، مراقبت، سرپرستی، کنترل و راهنمایی های آنان را نیز از دست خواهند داد. در نهایت طلاق منجر به افزایش انحرافات اجتماعی می گردد.

خ: شکاف بین نسل

شکاف نسل بین جوانان و والدین از عوامل خانوادگی مؤثر در خلاف کاری جوانان است. منظور از شکاف نسل فقط فاصله سنی و جسمانی فرزندان با والدین نیست بلکه دربرگیرنده جدائی

در ارزشها و هنجارهای جوانان با والدین است که به بیگانه شدن جوانان از والدین منتهی می شود. بیگانه شدن جوانان از ارزش ها و هنجاری های فرهنگی والدین آنان را به ارتکاب اعمال نابهنجار و خلاف قانون برمی انگیزد.

و: عدم وجود پیوندهای قوی عاطفی در خانواده

یکی از ویژه گی های خانواده منسجم، پیوند عاطفی است که در امر وجود و استمرار فضای گفت و گو، تعامل افکار و تبادل نظر میان اعضای آن شکل می گیرد. پیوند عاطفی خود به عنوان یک عامل انگیزش موجب ارتقاء خانواده می شود. عوامل گوناگونی موجب آسیب دیدن پیوند عاطفی خانواده شده و انسجام آن را به مخاطره می اندازد که یکی از این وسایل گسترش رسانه های جمعی و استفاده افراطی از آنهاست. این رسانه ها، بتدریج جای ارتباط بین فردی از نوع چهره به چهره را گرفته و توانسته اند فضای انفرادی را به جای فضای جمعی و اجتماعی خانواده حاکم کنند و به تدریج رعب فرهنگی و انفعال شخصیتی را در افراد ایجاد می کنند.

ه: پایگاه اجتماعی افراد

مطالعات نشان می دهد پایگاه اجتماعی فرد در خانواده در گرایش آنها به آسیبهای اجتماعی مؤثر است این موضوع با سطح سواد فرد، درآمد والدین ارتباط پیدا می کند. بدین معنی که هر چه سطح سواد و همچنین درآمد والدین بالاتر باشد گرایش و ابتلاء به آسیبهای اجتماعی در آنها کمتر است. محل سکونت خانواده و محلی که در آن زندگی می کنند نیز تأثیرگذار است. چرا که بیشتر کسانی که به آسیبهای اجتماعی گرفتار می شوند اکثراً در شهرهای بزرگ و در محلات آسیب خیز، فقیرنشین و حاشیه نشین زندگی می کنند.

فعالتهای پیشگیرانه در زمینه جلوگیری از

آسیبهای اجتماعی:

۱. تدوین و اجرای برنامه های آموزشی از طریق رادیو، تلویزیون، روزنامه، کتاب و...



چگونگی پرورش خلاقیت کودکان

امر، هیچ چیز مثل پاسخ های صحیح و مناسب به پرسش های او موثر نیست. سؤال، در واقع انعکاس از ذهن تشنه ای است که می خواهد با دریافت جواب از فردی که بهتر از او می داند خود را سیراب کند، اگر چه احتیاج، باید فوراً برآورده شود اما کمی مکث بین سؤال و جواب، غالباً می تواند افکار و ایده ای مفید جهت مباحثه و گفتگو به بار آورد.

• والدین و مربیان، نه تنها درباره امور مربوط به کودک، بلکه درباره امور خانه و مکتب نیز از او نظر خواهی کنند و عقاید او را مانند عقاید بزرگسالان در حضور خود، به بحث و گفتگو بگذارند.

• به عقاید جدید و تازه کودک تان احترام بگذارید. کودکانی که به نوعی خلاقیت آنها برانگیخته شده، روابط و مفاهیم را درک می کنند. لذا والدین و مربیان آنها ممکن است به آنها توجه نداشته باشند و حتی گاهی او عقاید خود را چنان مطرح کند که بزرگسالان قادر به ارزشیابی و جایگزینی آنها نباشند، تشویق کودکان به ابراز عقاید جدید، می تواند در رشد خلاقیت آنها موثر واقع شود.

• از مراقبت ها و دخالت های بیش از حد در زندگی کودکان اجتناب کنید. یکی از ویژگی های انسان خلاق این است که تواناییش را خودش به کار می اندازد. وظیفه والدین و مربیان این است که این قابلیت را در او زنده نگاه دارند و به کودکان اجازه دهند بعضی اوقات مطابق سلیقه خود اشیاء را کشف کنند. مراقبت ها و دخالت های زیاد از حد بزرگسالان در زندگی و رفتارهای کودکان، قابلیت یادگیری مبتکرانه آنها را تضعیف می کند.

• از کودکان بخواهید که اشیاء و امور نیمه تمام را تکمیل کنند؛ از کودکان تقاضا کنید تا جملات نا تمام و داستانهای نا کامل، تصاویر و نقاشی های نیمه تمام و حتی اشیاء ناقص را کامل نمایند. برای او اسباب بازی هایی بخرید که خودش بتواند

خلاقیت، شکل کنترل شده یا محدود شده ای از تخیل است. خلاقیت ها ی افراد نه تنها برای زیبایی ظاهری، بلکه به خاطر نتایج نهایی که در بر دارد به کار برده میشود. این نتیجه نهایی معمولاً شکلی به خود می گیرد که دیگران نیز می توانند آن را ببینند. خلاقیت ممکن است خلق یک نقاشی، یک لباس، یک قطعه کوچک موسیقی یا پختن یک غذای جدید باشد. به واسطه خلاقیت، شخص می تواند به پیشرفتهای انسانی خود بیافزاید، همچنین افرادی که دارای قوه تخیل زیادی هستند نسبت به کسانی که فاقد خلاقیت هستند، معمولاً به پیشرفتهای بیشتری در زندگی نائل می شوند.

خلاقیت حتی در سن کودکی نیز خود را نشان می دهد. اغلب خانواده ها شاید با این نوع پدیده ها در رفتار، کردار و گفتار کودکان خود مواجه شوند. برخی از آنان یا بی توجه هستند و یا کم توجه؛ با این حال آن دسته از والدین که به کوچکترین رفتارهای کودکان خود توجه دارند، می توانند با به کارگیری توصیه های ۱۲ گانه پرورش خلاقیت، کودکان خود را به مرحله خود شکوفایی سوق دهند، البته به کار گیری این روش آنچنان هم ساده نیست. داشتن صبر و حوصله از یک سو و نکته سنجی در رفتار کودکان می تواند آینده درخشانی را برای کودک شما رقم بزند.

شیوه افزایش خلاقیت در کودکان

• برای ایجاد سؤالات تازه در ذهن کودک تان، او را راهنمایی کنید. آموزش به کودک باید طوری باشد که او را به طرف پرسشهای تازه هدایت کند. معلم باید هنگام جواب دادن به سؤالات کودک، او را به سمت مهارتهای جدید سوق دهد و از به کار بردن کلماتی مانند بله، خیر، هرگز و امثال آن دوری کند. این نوع جوابها نمی تواند ارتباط کاملی بین سؤالات کودک و معلومات قبلی او برقرار کند.

• حس کنجکاوی در کودکان را پرورش دهید. برای این



آیسکریم یا دیگر چیزهای مورد علاقه آنها را نخرید. کودکان را تشویق کنید در خرید خوراکی ها و پوشاک، مدل های مختلفی را امتحان کنند و از خرید کالاهای تکراری و یکسان اجتناب کنید .

• کودک را همیشه از یک مسیر خاص به خانه نبرید. زمانی که با او بیرون می روید، هنگام برگشتن به خانه به او توضیح دهید که می خواهید از یک راه جدید به خانه بروید. او از این طریق در می یابد برای رسیدن به یک هدف راه های مختلفی وجود دارد .

• در مورد کاربردهای مختلف یک وسیله خاص از کودکان سؤال کنید. کاربرد ابزارها و وسایل مختلفی را که در خانه دارید، برای کودک شرح دهید و از او بپرسید: به نظر تو این وسیله چه کاربردهای دیگری می تواند داشته باشد. به این طریق شما ذهن کودک را مستعد می کنید .

• از مکان های جدید دیدن کنید، همراه با کودک به نمایشگاه ها و موزیم های مختلف و طبیعت زیبا بروید، اجازه دهید او از نزدیک مکان های گوناگون را شناسایی کند .

• به اتاق او کاغذ های سفید بچسبانید. حدود یک متر از اتاق کودک تان را از سطح زمین به طرف بالا به طور سراسری و افقی کاغذ سفید بچسبانید و به او بگویید هر طور که دوست دارد روی آنها نقاشی و طراحی کند. در تزئین اتاق او از سلیقه اش استفاده نمایید. به او یاد بدهید که هر چند روز یک بار محل وسایلش را در اتاق تغییر دهد تا به این وسیله زمینه خلاقیت در او پرورش یابد.

آنها را به یکدیگر متصل کند و با آنها مدل‌های مختلف خلق کند .

• اجازه دهید اشیاء را از نزدیک لمس کنند. علاوه بر مشاهده اشیاء لازم است کودک آنها را لمس نماید، زیرا مشاهده شئی به تنهایی کنجکاوی کودک را ارضا نمی کند، کودکانی که از لمس کردن اشیاء محروم می شوند توانایی لازم جهت کشف و اختراع را از دست می دهند. مشاهده با لمس اشیاء، آنها را در بازی های خیالی، اختراعات و پاسخ گویی به آزمونهای خلاقیت یاری می دهد. به کودکان اجازه دهید وسایل بی خطر خانه را لمس نمایند. خصوصاً کودکان بیرون کشیدن وسایل آشپزخانه از داخل الماری و بازی با کاسه و بشقاب ها را بسیار دوست دارند .

• برای کودکان همیشه یک مارک خاص بسکویت، ساجق،





وحیدالله اوریا و...

مواد تعمیراتی مسجد ابونصر پارسا مخلوطی از خشت و گچ تشکیل گردیده است. و پوشش اطاق اصلی توسط چهار رواق قوی ساخته شده و شبکه‌های سه گوشه بین سقف و دیوار که در آن ۶ پنجره قرار گرفته، وجود دارد.

نمای اساسی مسجد به صورت بسیار واضح جلب توجه می کند و این به دلیل مناسب بودن پلان دو محوری آن است. نمای اساسی مسجد توسط یک دروازه بلند ورودی که در عین حال شکل یک محراب بزرگ دارد، مشخص گردیده این ورودگاه محرابی شکل متشکل از سنگ‌های لوحه‌ی قبور بوده و چوکات صفا را تشکیل می‌دهد. این دروازه بزرگ ورودی بسیار بلند بوده و به شکل رواق نوک تیز می‌باشد و این رواق توسط کتیبه‌های خط کوفی احاطه گردیده است. قسمت فوقانی چوکات شکل طاق، نمای خمیده را داشته که فعلاً از هم پاشیده است. گوشه های مسجد توسط ستون‌های حلزونی شکل بالای سنگ‌های مربع شکل نیم رخه قرار گرفته، تزئین گردیده است.

داخل مسجد بلند و روشن است. سطح پهن و محراب مسجد توسط موزاییک و مخلوط گچ سفید پوشیده شده و تنها زوایای برجسته رواق‌ها و گوشه‌های میان سقف و دیوار که از گچ ساخته شده، در بالای قبه قرار گرفته اند، توسط رنگ سرخ تیره و یا سیاه حاشیه شده اند.



مسجد خواجه ابو نصر پارسا

مزار خواجه ابو نصر پارسا پسر خواجه محمد پارسا در مرکز شهر بلخ واقع شده و جوار آن مسجد جامع عالی و با شکوهی وجود دارد، این ساختمان با عظمت به فرمان "میر فرید ارغون" در سال ۸۶۷ هـ ق مطابق ۱۴۶۲م اعمار گردیده است. به امر خان بخارا عبدالمومن در سال ۹۷۷هـ ق بخشی از ساختمان این مسجد بازسازی شد و قسمت‌های زیادی کاشی‌های ستون‌های ماریچی آن فرو ریخته که حدود سی سال قبل توسط متخصصین هندی جهت جلوگیری از فروریزی بیشتر آن تحکیماتی صورت گرفته، اما طی سال‌های جنگ خسارات شدیدی بر آن وارد گردیده از جمله یک قسمت از کاشی‌های گنبد این مسجد در اثر اصابت موشک تخریب شده که در سال ۱۳۷۵ دوباره ترمیم شد.

در جناح راست ساختمان و متصل آن یعنی به جای حجره های تخریب شده مسجد، اکنون مسجد جدید با سبک عصری اعمار شده که اصالت ساختمان را از بین برده است.

مسجد دارای یک اطاق مربع شکل است که در محورهای آن سه ورودگاه قرار دارد، از نگاه خارجی به شکل هفت ضلعی بوده و میل آن به قبله می‌باشد. که دروازه ورودی در سمت نمای شمال شرقی ساخته شده است از طرف دیگر در داخل مسجد یک زیر زمینی به شکل چلیپا هست که به وسیله زینه‌هایی که از طاقچه خفته شرقی شروع گردیده است می‌توان راه یافت و از دیوارها و عکس‌های قدیمی می‌توان حکم کرد که یک ساختمان ملحق نسبتاً جدیدتر به ارتفاع مسجد و در طرف راست و چپ آن قرار داشته است.



تنها یادگار دوره تیموری

به اعتقاد فرهنگیان افغان، تنها مسجد باقی مانده از دوره تیموری با تمام مشخصات این دوره با گنبد دندانه دار در افغانستان، همین مسجد خواجه پارسای بلخ است.

این مسجد که در سال ۱۴۶۰ میلادی یعنی حدود ۵۵۰ سال پیش از امروز ساخته شده، از افتخارات تاریخی افغانستان شمرده می شود، اما اکنون کشیدن جاده قیرریزی شده از کنار مسجد خواجه ابونصر پارسا، باستان شناسان افغان را نگران کرده که ترافیک و رفت و آمد وسایط سنگین وزن در این جاده رفته رفته زمینه تخریب مسجد را فراهم می کند.

مسجد خواجه ابونصر پارسا در گذشته از محلات توریستی ولایت بلخ نیز به شمار می رفت و ساکنان ولسوالی بلخ از حضور مسافران افغان و خارجی در این محله سود می بردند. از این رو، احداث جاده قیرریزی شده در کنار مسجد اعتراض ساکنان عادی این محل را نیز برانگیخته است.

مسجد ابو نصر پارسا یک بنای با عظمت هنر معماری دوره تیموری است این مسجد یک نوع مخصوص مسجد برای استفاده جنازه گاه می باشد که در کنار مزار این مرد پارسا بنا گردیده است. مسجدهای نوع جنازه گاه که شبیه مسجد تل "هاتان بابا" در ترکمنستان جنوبی را می توان نام برد، مقایسه ی مسجدهای جوار مزار زین الدین تایبادی در تایباد و شیخ جمال الدین در انا و خواجه نصر پارسا در بلخ اختلاف ترکیب این بناها را به اساس طرح و ماهیت هنری دوره خودشان متصل می کند.

سلطان بلخی یک تن از شعرای ماهر قرن دهم هجری قمری بلخ، به اسم سلطان محمد متخلص به سلطان بلخی پسر مولانا درویش محمد مفتی است که این رباعی را در تاریخ اعمار مرقد حضرت خواجه پارسا گفته و ماده ی تاریخ آن را استخراج کرده است.

عبدالهادی خواجه ی نیکو کردار

فرموده بنای مرقد آبای کبار

هرگه به طواف مرقد خواجه روی

از "مرقد خواجه" سال شمار (۹۵۹ هـ ق)



دفتر مرکزی
۸۶۶ سرک عمومی شیرپور - کابل
۰۷۹۸۷۸۶۷۸۶/۰۷۹۷۸۶۰۰۳
mainbranch@ghazanfarbank.com



نمایندگی های غزنفر بانک از شما استقبال میکند

قندهار
چوککفتان مدد، احمدی پلازا، مقابل مارکیت صرافى - قندهار
۰۷۹۷۸۶۰۰۱۲
kandahar@ghazanfarbank.com



سرای شهزاده
سرای شهزاده، منزل سوم - کابل
۰۷۹۷۸۶۰۰۱۰
shazada@ghazanfarbank.com



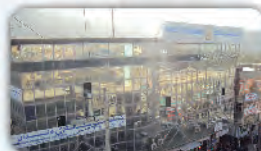
جلال آباد
چوک تلاشی، مقابل مسجد گمرک، سپین غر تاور، بلاک A
۰۷۹۷۸۶۰۰۰۸
jalalabad@ghazanfarbank.com



شهر نو
شهر نو پلازا، مقابل ام تی ان پلازا، شهر نو - کابل
۰۷۹۷۸۶۰۰۴۲
shahrenaw@ghazanfarbank.com



پلخمري
چوک پلخمري، فيصل مارکیت، منزل دوم - پلخمري
۰۷۹۷۸۶۰۰۳۸
polekhomri@ghazanfarbank.com



مزار شريف
جاده بيهقي، برج غزنفر - مزار شريف
۰۷۹۷۸۶۰۰۸۰
Mazar@ghazanfarbank.com



کندز
جاده شیرخان بندر، مارکیت حاجي امان، کندز
۰۷۹۷۸۶۰۰۷۵
kunduz@ghazanfarbank.com



حیرتان
بازار پتروليم، مقابل اپارتمان عباس ابراهيم زاده
۰۷۹۷۸۶۰۰۲۲
hayratana@ghazanfarbank.com



تخار
چوک تخار، رسته مسجد جامع - تالقان
۰۷۹۷۸۶۰۰۷۳
takhar@ghazanfarbank.com



هرات
شهر نو، جاده بهزاد، حفيظي پلازا - هرات
۰۷۹۷۸۶۰۰۷۰
herat@ghazanfarbank.com





راه های مبارزه با ترک دست ها

آب را باید همانند اسید بر روی دست ها در نظر گرفت. زیرا تا جایی که پزشکان و متخصصان اطلاع دارند، آب بدترین عامل برای ترک دست هاست. شستشوی مکرر دست ها موجب از بین رفتن لایه چربی طبیعی پوست می شود و با از بین رفتن چربی رطوبت موجود هم به راحتی تبخیر می گردد. تبخیر رطوبت پوست را به شدت خشک می کند. شما هم می توانید به روش فرانسوی ها مانع از خشک شدن پوست شوید. فرانسوی ها دست های خود را خیلی زود به زود نمی شویند. فقط آن ها را از پنجره بیرون می برند و می تکانند! اما گذشته از این مزاح در تعداد دفعات شستشوی دست های خود تجدید نظر کنید.

کف دست ها را بشویید

وقتی به شستشوی مکرر دست ها مجبورید، حتی الامکان از شستن پشت آن ها اجتناب کنید و فقط به شستن کف دست ها اکتفا نمایید. شستن مکرر کف دست نسبت به پشت آن که پوست نازک تری دارد و به راحتی خشک می شود، کم تر ایجاد مشکل می کند.

استفاده از محلول های پاک کننده

به جای صابون از پاک کننده های فاقد چربی مخصوص پوست، مانند ستافیل یا محلول اس اف سی استفاده کنید. دست ها را به محلول آغشته کنید و به هم بمالید تا محلول کف کند. سپس آن ها را به وسیله یک دستمال کاغذی پاک کنید. این روش، روش بسیار خوبی برای شستشوی دست ها بدون هیچ گونه تحریک پوست است. (۱)

استفاده از روغن مخصوص حمام

دکتر « راندی باسلر » یک قدم فراتر می رود و

پوست بدن در اثر کاهش ترشح چربی توسط غدد پوستی خشک می شود که در این صورت نسبت به عوامل محیطی و بعضی مواد حساس می شود. پوست حالت سوختگی پیدا می کند. از دست رفتن آب بدن را «دی هیدریشن» می نامند و یکی از عوامل اصلی خشک شدن پوست به شمار می رود. برای حل کردن این مشکل چندین فاکتور در خشک شدن پوست موثرند از جمله محیط، آب و هوا، موقعیت سلامتی و یا نوع زندگی. بعضی از آنها به آسانی قابل علاج هستند ولی بعضی دیگر زمان و تلاش بیشتری را برای درمان نیازمندند.

خشکی دست ها علل مختلفی می تواند داشته باشد. یکی از علل شایع آن، اگزمای پوستی است که ۱۵-۱۰ درصد را شامل می شود. از سایر علل خشک شدن پوست و ترک دست ها می توان به بیماری های قارچی و پسوریازیس اشاره کرد که شیوع کمتری دارد.

اگزمای دست بسیار شایع است. این بیماری در اکثر مردم، ابتدا به صورت خشکی و پوسته ریزی شروع و بعداً ملتهب، خارش دار و پوسته دهنده می شود. عوامل زیادی می تواند به پوست آسیب برساند. تماس زیاد با آب، هوای خیلی خشک، صابون ها، مواد پاک کننده، پودرهای لباس شویی، مواد شیمیایی، دستکش های پلاستیکی و حتی مواد به کار رفته در کریم ها و فرآورده های بهداشتی، اگزمای دست ایجاد می کند. حال توصیه کارشناسان برای درمان و تسکین این دست های صدمه دیده به شرح زیر است.

دوری جستن از آب

نخستین کار برای رفع این مشکل، دوری جستن از آب به هر قیمتی ممکن است. دکتر « جوزف بارک » معتقد است



راه های مبارزه با ترک دست ها

دست یافت، کافی است دست ها را به مدت چند دقیقه در آب گرم فرو ببرید. سپس آب اضافی دست ها را بگیرید و جهت حفظ رطوبت آن ها از روغن های نباتی یا معدنی استفاده نمایید. به همین ترتیب می توان دست ها را در مخلوطی از آب و محلول های روغنی فرو برد. ۴ پیمانه (معادل درب بطری محلول) روغن حمام (آلفاکری بهتر از انواع دیگر است) را با نیم لیتر آب مخلوط کنید. در پایان روز دست ها را برای ۲۰ دقیقه در آن فرو ببرید تا چربی لازم به پوست دست ها بازگردد. با این کار می توان ترک دست ها را از بین برد.

استفاده از کریم ویتامین C

به گفته ی دکتر « بارک » ارزان ترین درمان خانگی برای ترک دست ها استفاده از کریسکو است. این ماده، مرطوب کننده بسیار خوبی است و با پوشاندن پوست مانع از خروج رطوبت آن می شود. نکته مهم آن است که باید مقدار کمی از این کریم را به دست ها بمالید و سپس آن ها را به هم بمالید. به طوریکه کریم جذب پوست شود و بر روی دست ها چربی احساس نشود. مقدار کریمی که دست ها برای حفظ رطوبت خود نیاز دارند، تنها به اندازه ضخامت دو ملکول است. این کریم واقعاً مؤثر است. به عقیده ی دکتر « دانسکی » افراد برای درمان دست های خود مجبور به خریدن کریم های گران قیمت نیستند. افرادی که دارای پوست های خشک یا معمولی هستند می توانند از جایگزین های ارزان قیمتی نظیر کره کاکائو، لانولین، ژل های هیدروکربنی و روغن های معدنی سبک استفاده نمایند.

دو لایه کریم یا محلول بمالید

هنگام استفاده از هر نوع کریم یا محلول، روشی

شستشوی دست ها را به وسیله روغن حمام توصیه می کند. البته به این ترتیب ممکن است تمیز شدن دست ها را آن طور که با صابون تمیز می شوند احساس نکنید، ولی در عوض از خشک شدن آن ها جلوگیری می شود.

محلول، کریم و پمادهای موضعی

پس از هر بار شستشوی دست ها قبل از خواب از یک نرم کننده موضعی دست استفاده کنید. انتخاب نوع نرم کننده بستگی به شدت ترک خوردگی دست ها دارد. محلول ها (لوسیون ها) و پمادها به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میزان نرم کنندگی هستند. کریم ها از نظر میزان تأثیر بین محلول ها و پمادها قرار می گیرند. ابتدا از محلول و در صورت عدم مشاهده تأثیر کافی در فصل زمستان به ترتیب از کریم و پماد استفاده نمایید.

از دستپاک استفاده نمایید

اگر ناچارید در دستشویی محل کار خود به جای دستپاک از دستگاه خشک کن استفاده کنید، با خود دستپاک ای از خانه به همراه ببرید. زیرا هوای داغ تولید شده توسط خشک کن با ترک خوردن دست ها رابطه مستقیم دارد. با این حال اگر مجبور به استفاده از این دستگاه هستید دست ها را در فاصله ۱۵ سانتی متری از خشک کن نگه دارید و آن ها را به طور کامل خشک کنید.

فرو بردن دست ها در آب

هر چند لازم است به طور کلی از رسیدن آب به دست ها جلوگیری کنید. ولی گاهی می توان دست ها را به عنوان درمان در آب فرو برد. برای آن که بتوان با روشی ارزان قیمت به اثر مرطوب کنندگی کریم ها



راه های مبارزه با ترک دست ها

بدتر می شود. مزیت استفاده از دستکش نخی آن است که مانع از تنفس پوست نمی شود و در عین حال رطوبت اضافی و عرق دست را جذب کرده و از تحریک پوست جلوگیری می کند. به علاوه به عقیده دکتر «نلسون لی نوویک» دستکش نخی پوست را تمیز نگه می دارد و فرد مجبور به شستن مکرر دست ها و در نتیجه بالا بردن شانس ترک خوردگی دست ها نمی شود. در مواردی که لازم است چیزی را محکم بین انگشتان بگیرید از دستکش چرمی استفاده کنید.

پیشگیری بهترین راه حل است

به نظر دکتر «بیهوا» پیشگیری از ترک خوردن دست ها همواره سهل تر از درمان آن هاست. به روش های زیر می توان از بروز ترک دست پیشگیری نمود.

اجتناب از تماس آب داغ با دست ها

کاملاً واضح است که باید از تماس آب داغ، شوینده ها و حلال های خانگی قوی با دست ها پرهیز کرد.

دقت در استفاده از صابون

از آنجا که ترک دست ها در نتیجه کاهش چربی پوست بروز می کند، باید از شستن دست ها با صابون های قوی یا قلیایی خودداری کرد. بهتر است برای شستن دست ها از صابون های ملایم حاوی کریم سرد استفاده نمود. دکتر «بارک» صابون «داو» را به دلیل ملایم تر بودن آن نسبت به سایر صابون ها توصیه می کند (۲)

را که دکتر «بارک» نام آن را روش دو لایه ای بارک نهاده به کار بندید. یک لایه ی نازک کریم یا محلول به دست ها بمالید و چند دقیقه صبر کنید تا جذب پوست شود و سپس لایه دوم را به دست ها بمالید. عملکرد دو لایه نازک کریم یا محلول خیلی بهتر از یک لایه ضخیم آن است.

استفاده از روغن لیمو

جهت درمان و نرمی دست های ترک خورده چند قطره

گلسیرین را با

چند قطره روغن

لیمو مخلوط کنید. قبل

از خواب مقداری از این مخلوط

را به دست ها بمالید و ماساژ دهید.

پوشیدن دستکش

بسیاری از چیزها که انتظار آن نمی رود در گوشه و کناره خانه موجب تحریک دست ها می شوند. دکتر «بیهوا» پوشیدن دستکش نخی سفید را برای انجام انواع کارهای خشک توصیه می کند. حتی برای خواندن روزنامه و جابجا کردن خواروبار. پوستی که خشک، قرمز و ترک خورده است، در صورت اصطکاک پیدا کردن





راه های مبارزه با ترک دست ها

حفاظت از دست ها

در زمستان هرگز بدون دستکش از خانه خارج نمی شوم.
قبل از ترک خانه دست هایم را با یک مرطوب کننده به طور کامل پوشش می دهم و سپس دستکش می پوشم.

پرهیز از نور خورشید

از مدت ها قبل رفتن زیر نور آفتاب را کنار گذاشته ام. زیرا نور خورشید درست همان گونه که موجب پیر شدن پوست صورت می شود، پوست دست

مرطوب کردن هوا

رطوبت پوست همواره از سطوح زیرین به سطوح خارجی آن می آید. اگر در هوا رطوبت کافی وجود داشته باشد، رطوبت سطوح زیرین پوست کمتر به سطح خواهد آمد. بنابراین استفاده از یک دستگاه مرطوب کننده هوا در خانه مفید است.

خوب مراقبت کردن از دست ها

صبح ها که به صورت خود مرطوب کننده می زیند، مقداری هم به دست هایتان بمالید. شب ها هم همین کار را تکرار کنید. با این کار دست ها نرمی خود را حفظ کرده و از ترک خوردن آن ها پیشگیری می شود. استفاده از مرطوب کننده روزی دو بار ضروری است. به علاوه بهتر است بعد از هر بار شستشوی دست ها نیز از مرطوب کننده استفاده کنید.

قبل از بروز مشکل به فکر چاره باشید

خانم «وبستر» می گوید: «به هر قیمتی که باشد سعی می کنم از رسیدن آب به دست هایم جلوگیری کنم. به همین دلیل همیشه شستن ظرف ها را به فرد دیگری واگذار می کنم. (این یکی از علت های جوان ماندن دست های من است!) مواقعی که امکان جلوگیری از رسیدن آب به دست هایم وجود ندارد، مثلاً بلافاصله پس از استحمام، آن ها را مرطوب می کنم. زیرا بخار شدن رطوبتی که در اثر استحمام بر روی پوست جمع شده، تنها چند دقیقه طول می کشد و هنگامی که این رطوبت تبخیر شود دست ها حتی از قبل هم خشک تر می شوند.»

ها را نیز خشک و پیر می کند. به عقیده دکتر «بیهووا» در صورت اجبار به ترک خانه در زیر نور خورشید، باید از مرطوب کننده های ضد آفتاب بر روی دست ها استفاده نمود. این ترکیبات، دست ها را مرطوب کرده و موجب جوان تر به نظر رسیدن آن ها می شوند. پس باید استفاده از مرطوب کننده ها به صورت یک عادت روزانه درآید. از مصرف ضد آفتاب های حاوی الکل و ژل خودداری کنید. زیرا الکل ماده ای خشک کننده است. همچنین محصولات حاوی PABA (۳) موجب تحریک پوست های احساس می شوند.





پوشیدن دستکش نخی و پلاستیکی

برای انجام کارهای مرطوب، پوشیدن دستکش نخی زیر دستکش پلاستیکی از اهمیت بسیاری برخوردار است. در صورت



شب ها زیبا و با سلیقه بخوابید!

دکتر «گودمن» پوشیدن گهگاه دستکش نخی جهت افزایش اثرات درمانی حین خواب را توصیه می کند. دستکش های نخی را به حدود یک قاشق چای خوری ژل هیدروکربنی (۴) آغشته کنید. به طوری که قادر به جذب کریم روی پوست دست ها نباشند. سپس هنگام خواب به دست ها کریم بمالید و دستکش های نخی را بپوشید و بخوابید. در واقع در این حالت دستکش ها مانند نوعی پانسمان عمل می کنند و به بهبود ترک های دست سرعت می بخشند.

به عقیده ی دکتر «بارک» مهم ترین مسأله این است که فردای آن روز از رفتن به دستشویی و شستن کریم ها از روی دست طبق عادت هر روز بپرهیزید. به علاوه دکتر «بارک» پوشیدن دستکش پلاستیکی حین خواب را توصیه نمی کند. زیرا باعث عرق کردن بیش از حد دست ها می شوند. به طوری که صبح که از خواب برمی خیزید دست ها به طور باور نکردنی متورم و پهن شده اند.

مصرف هیدرو کورتیزون

پمادها و کریم های هیدروکورتیزون مجاز بدون نسخه در درمان ترک دست ها ارزش زیادی دارند. روزی چند بار از کورتید (۵) یا هر نوع کریم یا پماد هیدروکورتیزونی ۰/۵٪ دیگر استفاده کنید. سپس روی آن یک لایه ضخیم تر و چرب تر از یک کریم دیگر بمالید. کریم های هیدرو کورتیزون جایگزین خوبی برای نگه داری و مراقبت از دست ها نیستند. اما در درمان ترک ها معجزه می کنند. هر بار پس از شستن دست ها از این کریم ها استفاده کنید. (۶)

اجتناب از تماس شامپو با دست ها

باور داشته باشید یا نه، حتی شامپوها می توانند باعث تحریک دست ها و بدتر شدن وضعیت آن ها شوند. از فرد دیگری بخواهید سرتان را با شامپو بشوید و یا از دستکش پلاستیکی استفاده کنید.

گذاشتن دست ها در آرد جو

خیس شدن دستکش های نخی فوراً آن ها را تعویض کنید. در غیر این صورت هر ۲۰ دقیقه یکبار دستکش های نخی خود را عوض کنید. با پوشیدن دستکش، عرق، داروها و محلول بیشتری بر روی پوست تجمع می کنند و همین امر خود می تواند عاملی برای تحریک سریع پوست دست ها شود. دکتر «ناویک» استفاده از دستکش های پلاستیکی با پوشش داخلی نخی را به دلیل دشوار بودن شستشوی آن ها توصیه نمی کند. اما اگر از دستکش نخی زیر دستکش پلاستیکی استفاده کنید، شستشوی آن ها به طور جداگانه به راحتی امکان پذیر خواهد بود. دکتر «بیهووا» نیز با این نظر موافق است. وی می گوید: «بزرگترین اشتباهی که زنان هنگام داشتن مشکلات پوستی دست ها مرتکب می شوند، استفاده از دستکش پلاستیکی بدون دستکش نخی است.» این کار تنها مشکل را دو چندان می کند. پلاستیک موجب به دام افتادن رطوبت و مانع از تنفس پوست می شود و اصطکاک زیادی ایجاد می کند. به گفته دکتر «توماس گودمن جونیور» گاهی ظرف شستن، به شرط استفاده از برس ظرفشویی دسته بلند می توان کاملاً از رسیدن آب به دست ها جلوگیری نمود.



راه های مبارزه با ترک دست ها

پی نوشت ها:

- ۱- به نظر می رسد در صورت وجود این داروها، بتوان در مصرف آب هم صرفه جویی کرد! «ویراستار پزشکی»
- ۲- البته صابون بچه هم ملایم بوده و قابل استفاده می باشد. «ویراستار پزشکی»
- ۳- پارا آمینو بنزوئیک اسید، یک ماده ضد آفتاب است و در ترکیب بسیاری از این محصولات موجود می باشد. «ویراستار پزشکی»
- ۴- پارافین مایع
- ۵- Cortaid
- ۶- با توجه به عوارض جانبی بالقوه ی دار محتوی گلوکو کورتیکوئیدها (یا به اصطلاح عام، کورتون ها)، توصیه می شود مصرف هر نوع داروی حاوی این ترکیبات تنها به دستور و تحت نظر پزشک بوده و از مصرف خودسرانه آن خودداری می شود. «ویراستار پزشکی»
- ۷- نوعی بیماری با علت نامشخص و البته غیر عفونی که با پوسته ریزی لایه سطحی پوست همراه است. «ویراستار پزشکی»

نویسنده: دبوراکاک - مترجم: مینا اسماعیلی

به منظور جدا کردن لایه سطحی پوست- متشکل از سلول های مرده- از روی دست، به توصیه ی «اسکور» می توان از یک نوع شیوه درمانی مخصوص کمک گرفت. یک گیلان جو نپخته را آرد کنید. آرد به دست آمده را در کاسه بزرگی بریزید و سپس دست ها را در آن مالش دهید و به آرامی پوسته های خشک شده را از سطح پوست جدا کنید. دست ها را با آب سرد بشوئید و خشک کنید و به آن ها کریم بمالید. ۲ دقیقه صبر کنید و دوباره یک لایه ی دیگر از کریم به دست ها بمالید.

آشپز استخدام کنید

آب حاصل از گوشت خام و سبزیجات- مانند سیب زمینی، پیاز، گوجه فرنگی و حتی هویج- گاهی برای پوست بسیار مضر و خطرناکند. به ویژه اگر پوست از قبل تحریک شده باشد. بنابراین با یک آشپز استخدام کنید و یا از دستکش های پلاستیکی که پوشش داخلی نخی دارند برای تهیه غذا استفاده نمایید. به خصوص از گرفتن آب میوه های دارای اسید نظیر لیمو، گریپ فروت و پرتقال، بدون دستکش اجتناب کنید. آب این میوه جات به شدت تحریک کننده است و موجب خشکی بیشتر دست ها می شود.

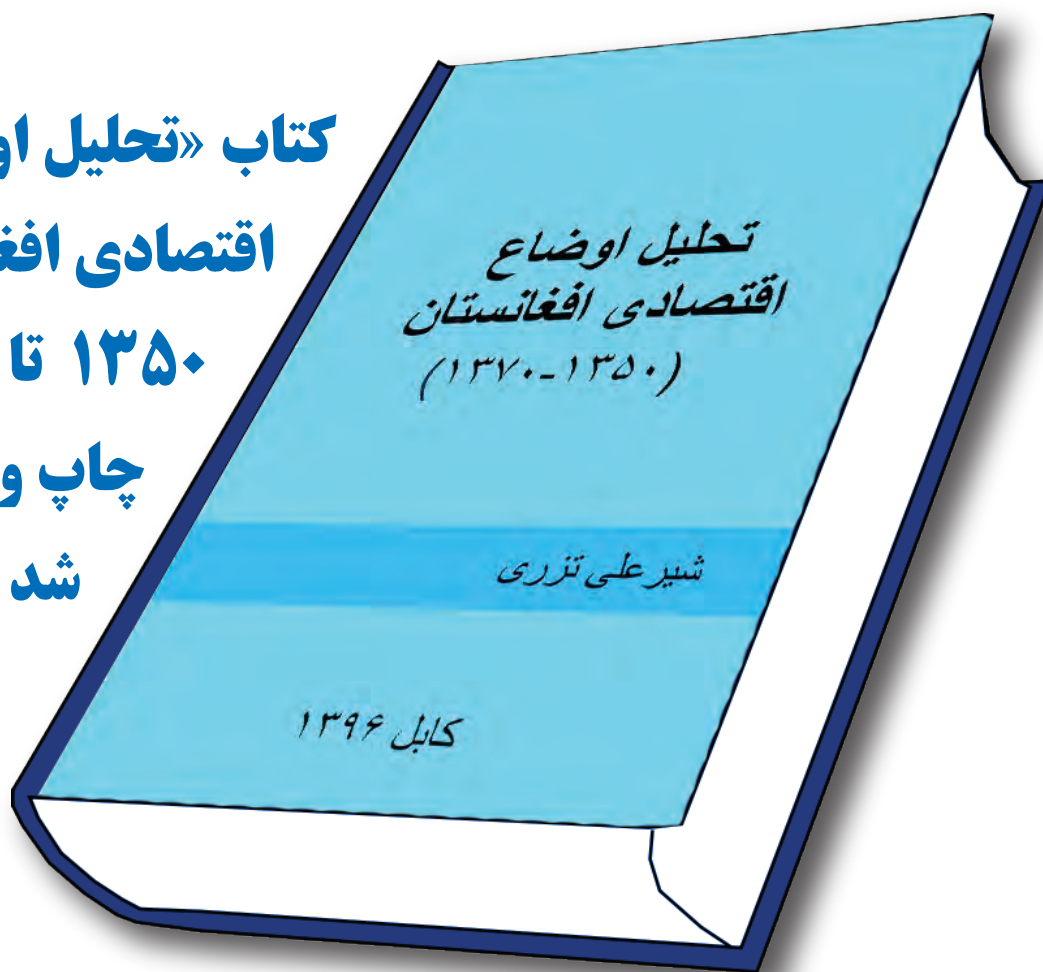
چه وقت به پزشک و داکتر متخصص مراجعه کنیم؟

وجود شکاف یا ترک بر روی دست ها نشانه ابتلا به اگزما و لزوم مراجعه به پزشک است. به علاوه آنچه را که شما ترک دست در نظر می گیرید، اگر با تاول در طول انگشتان آغاز شود، احتمالاً نشانه ابتلا به اگزما و نیاز به درمان دارویی است. علائم دیگری نیز وجود دارند که نشانگر آنند آنچه شما به آن مبتلا شده اید تنها ترک دست نیست و چیزی فراتر از آن است. اگر پس از دو هفته درمان خانگی، دست ها بهبود نیافتند باید به پزشک مراجعه کنید. زیرا ممکن است به عفونت قارچی و یا حتی «پسوریازیس» (۷) مبتلا شده باشید. دکتر «بیهوا» به افرادی (مانند پزشکان، پرستاران، آشپزها و خانه دارها) که بنا به شغل و حرفه خود به شستشوی زیاد دست ها در دراز مدت نیاز دارند، در خصوص سهولت ابتلا به نوعی عفونت قارچی دست به نام «پارونیسیای مونیلیایی» هشدار می دهد. این عفونت قارچی، پوست اطراف ناخن را مبتلا کرده و هنگامی که عفونت به لایه نگه دارنده و محافظ ناخن حمله ور می شود، این لایه متورم، قرمز رنگ و دردناک می شود.





کتاب «تحلیل اوضاع اقتصادی افغانستان ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰» چاپ و منتشر شد



وضعیت قوای بشری کشور به ویژه وضعیت استخدام ها و مهاجرت ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

این اثر علمی منبع خوبی برای پژوهشگرانی که در راستای اوضاع اقتصادی کشور خصوصاً طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ تحقیق می نمایند، به شمار می رود.

اداره غضنفر بانک این دستاورد بزرگ را به جناب تزری صاحب تبریک گفته و برای شان موفقیت های بیشتری آرزو می نماید.

کتاب « تحلیل اوضاع اقتصادی افغانستان ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰» نوشته شیرعلی تزری رئیس مرکز علوم اجتماعی اکادمی علوم افغانستان و عضو هیأت تحریر ماهنامه غضنفر بانک، زیر نظر استاد محمد ناصر ناصر در سال ۱۳۹۶ خورشیدی با تیراژ ۵۰۰ جلد از سوی ریاست نشرات اکادمی علوم افغانستان در چاپخانه شمشاد در کابل به چاپ رسید.

در این کتاب که جهت ترفیع به رتبه علمی معاون سرمحقق نگاشته شده است، موضوعات مهم اقتصادی کشور طی دو دهه از جمله وضعیت اقتصادی افغانستان، وضعیت سکتور تولیدی، وضعیت سکتور خدماتی و غیر تولیدی، وضعیت مالی و پولی و

نانسی هاج دوپری Nancy Hatch Dupree
مسئول مرکز پژوهش‌های افغانستان در دانشگاه کابل و مؤلف
پنج جلد کتاب درباره افغانستان است. وی بیوه لویی دوپری،
باستان‌شناس سرشناس آمریکایی و پژوهشگر فرهنگ و تاریخ
افغانستان است که در سال‌های جنگ در افغانستان، مرکز
پژوهش‌های افغانستان را در شهر پیشاور پاکستان تاسیس کرد.

خانم دوپری که از سال ۱۹۵۰ میلادی در افغانستان کار
می‌کند، پس از تشکیل حکومت موقت در افغانستان این مرکز
را به کابل انتقال داد. خانم دوپری یک ساختمان جدید را با
طراحی قدیمی در محوطه دانشگاه کابل به نام "مرکز منبع
معلومات افغانستان" تاسیس کرد و تا لحظه مرگ مسئولیت
این مرکز را نیز به عهده داشت. این مرکز حاوی ۸۰ هزار
نسخه اطلاعاتی در زمینه تاریخ و فرهنگ افغانستان است که

شامل کتاب، مجله، روزنامه و آثار پژوهشی می‌شود و روزانه ده‌ها دانشجو و محقق افغان و خارجی از این مرکز بازدید می‌نمایند.

درگذشت بانو «نانسی دوپری» افغانستان شناس آمریکایی در کابل

نانسی و همسرش لویی در طی دوران اقامت شان در کابل آثار
زیادی درباره افغانستان گردآوری کردند. آنها از سال ۱۹۶۲ تا
آوریل ۱۹۷۸ به منظور کاوش‌های باستان‌شناسی به اکثریت
ولایات افغانستان سفر کردند.

خانم دوپری به دلیل کهولت سن روز یکشنبه ۱۹
سنبله ۱۳۹۶ خورشیدی، ساعت ۳:۲۰ دقیقه بامداد در
بیمارستان امیری کابل درگذشت. خانم دوپری متولد
۱۹۲۷ بود و به هنگام مرگ ۹۰ سال داشت.





شمس و سماع مولانا

های مولانا صورت گرفته است. در آن کتاب شواهدی را آورده‌ام و یکی دو مورد از آنها را این جا عرض می‌کنم تا معلوم شود که مولانا فراتر از آن چیزی است که در این کتاب‌ها نوشته‌اند و شاید این کتاب‌ها نه تنها ما را به مولانا نزدیک نکرده بلکه از او دور هم ساخته باشد.

در نوشته‌های خود مولانا در کتاب مولانا پیر عشق و سماع آنجا اشاره کردم که ما، طبق نوشته‌های خود مولانا و دیوان کبیر، چه اشاراتی که در مثنوی دارد و چه آنچه که در فیه‌مافیه بیان کرده چاره‌ای نداریم جز این که سنّ مولانا را بیست سال جلوتر ببریم که اگر این کار را نکنیم مسائل و مشکلات ما خیلی پیچیده می‌شود. طبق تاریخ‌ها و نوشته‌های رسمی که با آن آشنا هستید بیان کردند که مولانا در تاریخ ششم ربیع‌الاول سنه ششصد و چهار در شهر بلخ واقع در افغانستان امروزی متولد شده؛ حالا این را نوشته‌اند، بسیاری هم روی این پافشاری کردند اما در زندگی مولانا دو سند قطعی داریم. یکی سال ۶۴۲ است که برخورد مولانا با شمس تبریزی و یکی هم تاریخ وفات خود مولانا در پنجم ربیع‌الثانی سال ۶۷۲ هجری. این دو تاریخ قطعی است یعنی ما نمی‌توانیم بگوییم مولانا پیش از این یا پس از این فوت کرده. برخورد مولانا و شمس از آنچه که مورخان و محققان و مولوی‌شناسان ثبت کردند که در این تاریخ مولانا دگرگون شد تاریخ قطعی ۶۴۲ هجری است.

اما این که مولانا در آن سال چند سالش بود؟ ابهامات بسیاری وجود دارد. آیا مولانا ۳۸ ساله بود؟ آیا در این برخوردی که در سال ۶۴۲ برای مولانا به واسطه شمس پدید می‌آید، آیا به واقع مولانا چیزی را که داشت رها کرد و وارد یک مسیر زندگی جدید شد؟ سخن در این است که آیا مولانا پیش از این شمس را ندیده بود؟ ما می‌دانیم که مولانا پس از وفات پدرش سلطان العلماء چند سالی را برای تکمیل علوم به مرکز نشو و نمای علم به دمشق رفت در همان جا مولانا هم شیخ اکبر محیی‌الدین ابن عربی را دید که برایش جاذبه‌ای نداشت، شیخ سعدالدین حموی را دید چندان برایش جالب نیامد. ابوالفخر کرمانی، کسی که

قبل از این که بحث را آغاز کنیم یکی از نکاتی که خیلی در شناخت مولانا و روابط او با شمس مهم است این که آیا اساساً آن گونه‌ای که نوشته‌اند اسباب تغییر و تحول و گرایش پیدا کردن مولانا به تصوف و عرفان واقعاً به واسطه شمس صورت گرفته؟ و این مطلب مبنای این سخنرانی خواهد بود که این دگرگونی که مولانا را از خود بیخود کرد و آن کسی که تسبیح و سجاده داشت یکدفعه تبدیل شد به یک شیخ چرخ زن ترانه‌گوی غزل سرا، آیا به واقع این تحول یکباره و در یک زمان واحد صورت گرفت، آنهم با دیدن یک فردی به نام شمس الدین ملکداد تبریزی؟ اگر اینگونه فکر نکنیم که متأسفانه اکثر منابع و مآخذی که بعد از مولانا نوشته شده و بیشتر کتاب‌ها و مقالاتی که در دوره‌های مختلف درباره مولانا و شمس و چگونگی تغییر و تحول زندگانی مولانا ثبت کردند، شاید مقداری ساده‌اندیشی باشد. و این را من از این جهت می‌گویم که برخی مسائل از زندگانی مولانا مفقود و گم است.

این مفقود بودن برخی به خاطر غلط نوشتن مسائل تاریخی است در حوزه زندگی مولانا، و برخی عدم توجه مورخان، در طول تاریخ به ارقام و اعداد و زمان‌ها که شاید بسیاری تصور می‌کنند که ما می‌خواهیم مولوی را بشناسیم، به ما چه که او در چه سالی متولد شده، برای ما چه تفاوتی می‌کند که او در ۳۸ سالگی متحول شده یا در بچگی یا در کهن‌سالی؟ اما سخن در این است که آیا مگر حقیقت مولانا بیرون از این گردونه مکان و زمان است؟ بی این که زمان‌های مولانا را بشناسیم مگر می‌توانیم اشرافی بر زندگانی، اندیشه و سلوک عرفانی مولانا داشته باشیم؟

در کتاب مولانا پیر عشق و سماع، به اختصار ولی با دقت بسیار یادداشت‌هایی را در این باره آورده‌ایم و مبنای بحث از این جا آغاز می‌شود که آن سنینی که برای مولانا قید کرده‌اند و متأسفانه پس از مولانا تا به امروز تقریباً همه به مدار همان مکتوبات و نوشته‌هایی که دیگران داشتند زندگی مولانا را تحلیل کرده‌اند، من چنین باوری را ندارم، معتقدم که خطایی در نگارش تاریخ‌ها و زمان

شمس و سماع مولانا

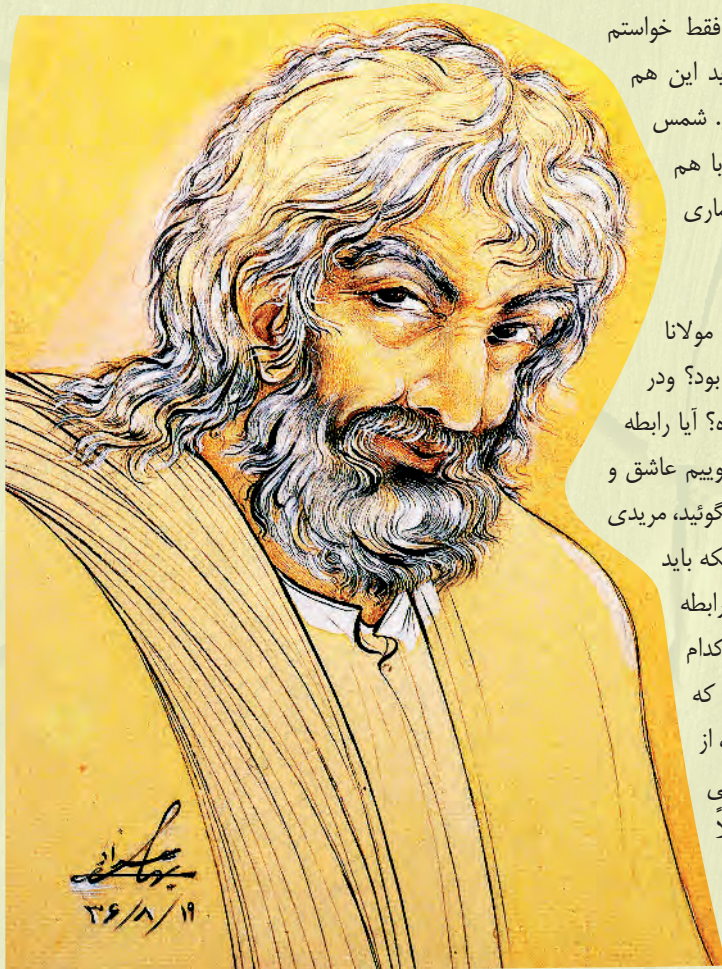
که رستم یلی بود در سیستان
منش کرد می رستم داستان

بعضی‌ها اینگونه فکر می‌کنند که شمس در خیال مولانا بوده، برخی می‌گویند که نه! به نوعی در حقیقت، حقیقت وجودی خود مولانا است که به شکل شمس متبلور شده. چرا؟ چون ما می‌دانیم که شمس در حدود چه سالی متولد شده پدرش کیست، نزد چه اساتیدی در کودکی درس خوانده، چالش‌هایی که با پدرش داشته است. چالش‌هایی که با هم نوع‌های خودش در زمان خودش داشته و بعد پیش کدام یک از مشایخ رفته و تلمذ کرده، مرید کدام یک از این شیوخ بوده، درگیری‌هایی که با شیوخش داشته، درگیری‌هایی که با اهل حکمت و فلسفه و کلام داشته، همه اینها موجود است.

بعدها شمس حسابی با او درگیر شد و او را به خاطر صورت گرایی و جمال پرستی‌اش گوش‌مالی داد، را هم آنجا دید اصلاً خوشش نیامد در همانجا چندین بار شمس‌الدین تبریزی را هم دید چون مدتی شمس با ابن عربی میانه خوبی داشت که بعد به هم زد حالا چرا به هم زد؟ بر می‌گردد به شخصیت شناسی شمس، که تنها با او به هم نزد بلکه با بسیاری از بزرگان، این آشنایی و این دعوا را داشته که حالا در کتاب زندگانی شمس که زیر چاپ دارم، مفصل این نگاه انتقادی را به این حرکتها ثبت کرده‌ام. صحبت در این است که چرا آن موقع از دیدن شمس تبریزی دگرگون نشد؟ آیا در مولانا استعداد دگرگونی نبود یا در شمس آن قدرت نبود که او را تسخیر بکند؟

حالا نمی‌خواهم بگویم کدامشان است شاید شما حرفی داشته باشید، حرف شما را بشنوم. غرض اینکه اینها یک مقداری نوشته‌های شعاری است نه نوشته‌های شعوری. فقط خواستم بگویم که مولانا شمس را فقط در سال ۶۴۲ ندید این هم در کلمات خود مولانا هست، هم در کلمات شمس. شمس می‌گوید: برای این لحظه، یعنی آن لحظه‌ای که با هم برخورد کردند در سال ۶۴۲ پانزده سال لحظه شماری کردم.

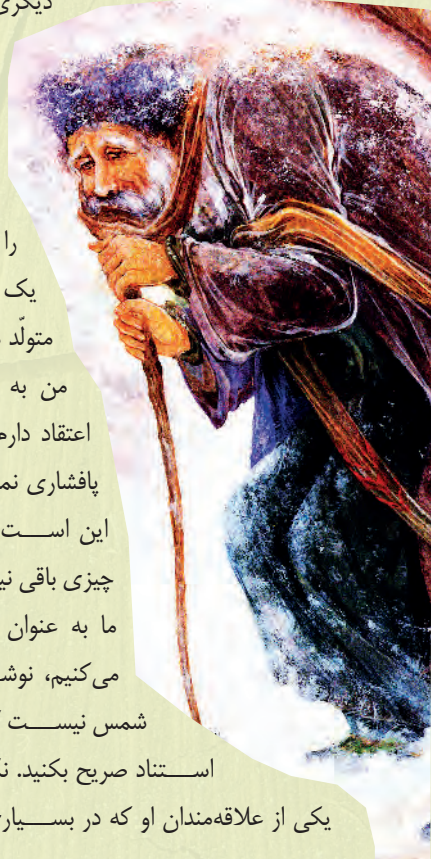
در همین جا یک سؤالی پیش می‌آید. آیا مولانا احتیاجی به شمس داشت یا شمس محتاج مولانا بود؟ و در پرتو این آیا رابطه مولانا و شمس از چه نوعی بوده؟ آیا رابطه مرید و مراد بود یا رابطه عاشق و معشوق؟! اگر بگوییم عاشق و معشوق بودند، یک سری مسائل طرح می‌شود. اگر بگوئید، مریدی و مرادی بود، یک سری مسائل دیگر، مخصوصاً اینکه باید پرسید کدام مرید بود و کدام مراد؟ و اگر بگوئید رابطه یک نیازمند و یک غنی بود باز این پرسش است که کدام غنی است و کدام محتاج؟ اینها همه مسائلی است که در بسیاری از منابع هیچ جوابی برایش نیست. و بعد، از شمس یک خیال ساختند، یک اسطوره کاملاً خیالی انگار که اصلاً وجود خارجی نداشته. بعضی‌ها اصلاً باورشان این است چنانکه فردوسی رستم را ساخت و پرورد، می‌گویند که شمس وجود ندارد! و تنها ساخته و پرداخته ذهن و خیال مولاناست:



این حسّ اسطوره‌گرایی و اسطوره‌پروری نوعی نگاه مریدانه است که تا به امروز هم وجود داشته و حقیقت‌ها را کتمان کرده؛ موقعی که خود شمس از زندگانی خودش سخن می‌گوید، می‌گوید من بچه بودم و بسیار ترسو بودم، بسیار نحیف و لاغر بودم، در برخورد با پدرم، می‌ترسیدم که چنان کشیده‌ای در گوش من بزند که من طاقت نیاورم، گاهی اوقات پدرم بر من ترحم می‌کرد به خاطر نحیف بودنم، اینها همه‌اش یک شخصیت واقعی بیرونی است. کام‌ها و ناکامی‌هایی که در زندگانی شمس وجود دارد از نگاه یک روان‌شناس باید تحلیل شود. اگر من بخواهم خیلی صریح و بی‌پرده بگویم، می‌گویم، شمس آنی نیست که در ذهن شماست. نه تنها در ذهن شما، در ذهن هیچ کدام از محققانی که امروز هست، شمس آن نیست اگر عاشقانه بخواهیم به شمس نگاه بکنیم، شمس یک پدیده است.

اگر مغرضانه بخواهیم به شمس نگاه بکنیم، شمس موجود دیگری است. اما

اگر به استناد کلمات خود شمس، بخواهید او را تحلیل بکنید، یک چیز جدیدی متولد می‌شود که من به این بیشتر اعتقاد دارم. اما زیاد هم پافشاری نمی‌کنم، دلیلش این است که از شمس چیزی باقی نیست، آنچه که ما به عنوان مقالات تلقی می‌کنیم، نوشته مستقیم شمس نیست که شما بتوانید استناد صریح بکنید. نکاتی است که یکی از علاقه‌مندان او که در بسیاری از مواقع در



حضور او نشست، برخی از کلمات او را که خوشایند او بوده ثبت کرده، معلوم نیست قبل از این شمس چه چیزی را گفته؟ و معلوم نیست پس از این چه چیزی را گفته؟ و لذا می‌بینید که این گسیخته بودن، این پاره پاره بودن در کلمات شمس، در مقالات کاملاً محسوس است. هیچ جمله‌ای تمام نیست، هیچ حکایتی به انتها نمی‌رسد، هیچ داستانی نیست که روال طبیعی داستان را داشته باشد. کلمات همه تکه تکه است. هر چند که خود شمس هم، نحوه سخن گویش‌اش اینگونه بود.

همه اینها به مبهم نگاه داشتن مولانا و شمس کمک می‌کند. می‌گویند مولانا، موقعی که شمس را دید، یکدفعه منور شد! نورانی شد! همه چیزش عوض شد، دگرگون شد. شمس مولانا را که یک فقیه و زاهد سجاده نشین بود، اهل عرفان و معرفت کرد. یکدفعه از درون وی سرچشمه‌های حکمت معنوی جوشیدن گرفت. جالب اینجاست که در بین این افراد که مولانا را یکدفعه دگرگون شده تلقی می‌کنند، یک محقق برجسته‌ای مثل آقای فروزان‌فر هم هست. وی یکی از جنبه‌های معجزه بودن در زندگی مولانا را یا به قول خود او نابغه بودن مولانا را در این می‌بیند که تا قبل از شمس او یک کلمه شعر بلد نبود بگوید، یکدفعه با شمس که آشنا می‌شود شاعر چیره‌دستی می‌شود. اینها خواب و خیال است. چرا خواب و خیال است؟ مرحوم فروزان‌فر مثل اینکه یا اشراف نداشت یا یادش رفت و یا نوشته و متوجه نشده که چه چیزی را نوشته!

شمس یکی از مخالفت‌هایی که با مولانا داشت این بود که مولانا شدیداً شیفته دیوان متنبی بود. اگر نگوییم حافظ دیوان متنبی که یک مجموعه غزلیات شعری بسیار بسیار غنی عربی بود می‌توانیم بگوییم شیفته او بود. مولانا چندین بار به واسطه شمس مورد عتاب واقع شد که این چه چیزی است که تو می‌خوانی، یک بار از او گرفت و آنرا پرت کرد. اگر مرید و مرادی و یا عاشق و معشوقی بود، مولانا باید با همان فرمان اول کنار می‌زد. نه تنها آنرا بلکه نوشته‌های پدرش را، که خاطرات و شرح ما وقع سلوکی و زندگی عرفانی پدرش بود و شدیداً مولانا به آن دلبستگی داشت، شمس چند بار به او گفت اینها چه هست که تو



شمس و سماع مولانا

سالگی او را لحاظ نکنیم. چه شصت و دو سالگی او را به هنگام برخورد با شمس می‌بینید که با تاریخ ۶۰۴ بیست سال اختلاف پیدا می‌کند و برخی از مسائلی که در مورد مولانا نقل شده تحت الشعاع این سنوات جدید واقع می‌شود. اینکه در سفری مولانا همراه با پدرش ابن عربی را می‌بیند، در سفری در همان سالها که هفت، هشت ساله است ملاقاتی با شیخ عطار دارد در هر دو این روایت‌هایی که نقل کردند، حتی محققان داخلی هم نقل کردند. مولانا یک بچه است. می‌گویند زمانیکه با ابن عربی مواجه می‌شوند، ابن عربی از سلطان العلماء تجلیل می‌کند و از او پذیرائی می‌کند و زمانیکه می‌خواهد خداحافظی بکند مولانا همراه او است. تا دوردست‌ها به قولی او را با نگاه بدرقه می‌کند. شاگردان ابن عربی می‌گویند که شیخ! تا به حال اینطور با کسی خداحافظی نکردی، گفت شما نمی‌دانید چه خبر است. گفتند چه هست؟ گفت همراه رود به دنبال دریا می‌گردد، در حیرتم که این دریا چه سان به دنبال رود روان است؟!

اگر قرار بود شمس، مولانا را مولانا بکند با یک نگاه، من فکر می‌کنم از اول مثنوی، تا آخر، مدام این تذکر را می‌داد ولی هدف او دادن مفاهیم باورهای معنوی به انسان بود تا براساس آنها انسان، انسان دیگری بشود یا به اصل خودش برگردد و تماشای این بوده که من این کار را کردم و شما هم این کار را بکنید و با توجه به این مسائل در کنار همدیگر نمی‌تواند شمس، مولانا را مولانا کرده باشد.

دکتر کاظم محمدی وایقانی



می‌خوانی؟ ببینید، قاعده مریدی و مرادی نبود. عشق و عاشقی نبود نیاز مولانا به شمس نبود، یک چیزی است که باید آن را پیدا کرد.

من هم نمی‌گویم پیدا کردم می‌گویم باید پیدا کرد و بعد سخن در اینجاست که آیا مولانا در تمامی عمرش، تا زمانی که به شمس برسد حالا به زعم بسیاری در ۳۸ سالگی آیا تا آن موقع اصلاً عرفان نمی‌فهمید؟ اصلاً با عرفا آشنا نبود؟ یکدفعه شمس که می‌آید او عارف می‌شود. این هم یک خیالی بیش نیست، این در حالی است که پدر مولانا، سلطان‌العلمای بلخ اصلاً به تصوف شهرت داشت. مولانا نعره‌های مستانه پدرش را، در خلوت‌های او در دل شب و در سحرگاهان، هر شب و هر روز می‌شنید. یعنی هم با نعره صوفیانه آشنا بود، هم با خلوت آشنا بود. هم با چله نشینی آشنا بود هم با حلقه صوفیان آشنا بود و هم با همه مفاهیم عرفانی. مولانا تربیت سلوکی شده بود، ما همه اینها را کنار بگذاریم و یکدفعه به این بسنده بکنیم که مولانا با برخورد شمس یکدفعه عارف شد. زیاد معقول نیست!

به اندیشه فرو بُرد مرا عقلِ چهل سال

به شصت و دو شدم صید و ز تدبیر بجستم

سال شصت و دو را توجه بکنید در جاهای دیگر هم تکرار می‌شود. در یک مورد با یک اختلاف زمانی دو ساله مورد دوم در غزل ۱۷۵: شمس تبریزی جوانم کرد باز. پس نشان می‌دهد که مولانا زمانی که با شمس برخورد کرده ۳۸ ساله نبوده، جوان نبوده، جوان شده، اما نه از لحاظ صورت، از لحاظ ماهیت، یک انرژی گرفت که به قولی این انرژی برابری می‌کرد با جوانی:

شمس تبریزی جوانم کرد باز تا ببینم بعد ستین شیوه‌ها ستین یعنی شصت. مورد سوم، پیر منظور شمس است: پیر ما را ز سر جوان کرده است لاجرم، هم جوان و هم پیرم لاجرم هم جوان و هم پیرم در غزل ۱۷۵۷ و مورد چهارم غزل ۱۴۱۹ می‌گوید:

مرا واجب کند که من برون آیم چو گل از تن که عمرم شد به شصت و من چو سین و شین در این شصتم حالا چه شصت



نیستان

••• (ویژه شعر و ادب)

رباعی

ماهی تو که خورشید ز تو شرمیده
راهی تو که رهروان در آن رقصیده
چاهی تو که یوسف بدهد یعقوب را
آنی که دل و دین همه را دزدیده

ای بحر کرانه ی تو بس نا پیدا
در اینه تو اسمان ها پیدا
آغوش تو ماوای هزاران گوهر
امواج تو می روند تنهاتنها

دریا شده ام پاک کنم تا جان را
اندر دل او خاک کنم مر جان را
جان راچه کنم جان چه بود، بی جانان
دل را چو دهم به او، نگیرم ان را

این دل به کجا کجا کشاند ما را
مانند خودش عجب تپاند ما را
با بال چه کس کجا پراند ما را
"با آتش عشق می پزند ما را" مولوی

گفتم که: سرم، گفت که: داغی از غم
گفتم که برم گفت بری از عالم
گفتم که دلم گفت که بی دل بهتر
گفتم که رخم گفت که با غ مریم

گفتم که رخم گفت که تابنده بود
گفتم که غمم گفت که سازنده بود
گفتم که سرم گفت که برازنده بود
گفتم که دلم گفت که بازنده بود

نقیسه خوشنصیب غضنفر

هرشب هوای کوچه ی دلدار میکنم
دل را تسلی از در و دیوار میکنم
از بسکه با خیال وی آغشته میشوم
هر ذره را خیال سپیدار میکنم
با حقت کفتر ته ی پر چال بام شان

از دور دور قصه ی بسیار میکنم
آنجا برای دفع گمان بد کسان
تمثیل نقش مردم هشیار میکنم
نذرانه ی مراد همه سیم و زر بود
من نان گرم نذر رخ یار میکنم
در ماه، در ستاره ی شام و غروب شهر
او را تمام باغچه دیدار میکنم
از جنس دل ز سینه دکانی گشوده ام
سرتا به پای عشقم وبازار میکنم

قهار عاصی

گفت دانایی که: گرگی خیره سر،
هست پنهان در نهاد هر بشر!
لاجرم جاری است پیکاری سترگ
روز و شب، مابین این انسان و گرگ
زور بازو چاره ی این گرگ نیست
صاحب اندیشه داند چاره چیست
ای بسا انسان رنجور پریش
سخت پیچیده گلوی گرگ خویش
وی بسا زور آفرین مرد دلیر
هست در چنگال گرگ خود اسیر
هر که گرگش را در اندازد به خاک
رفته رفته می شود انسان پاک
وآنکه از گرگش خورد هر دم شکست
گرچه انسان می نماید گرگ هست
وآن که با گرگش مدارا می کند
خلق و خوی گرگ پیدا می کند
در جوانی جان گرگ را بگیر!
وای اگر این گرگ گردد با تو پیر
روز پیری، گر که باشی هم چو شیر
ناتوانی در مصاف گرگ پیر
مردمان گر یکدگر را می درند
گرگ هاشان رهنما و رهبرند
اینکه انسان هست این سان دردمند
گرگ ها فرمانروایی می کنند
وآن ستمکاران که با هم محرم اند
گرگ هاشان آشنایان هم اند
گرگ ها همراه و انسان ها غریب
با که باید گفت این حال عجیب؟...



د ژړا ملگري

زه خپلو یادونو سره ژاړمه
ځکه فریادونو سره ژاړمه
اوسنکې مې شوکارې لگوي په مخ
خود به له سوزونو سره ژاړمه
خپلو ته مې هم چې ډیر پردي ښکاري
زه داسې غمونو سره ژاړمه
زړه ئې کړ سوری راته، ځیگر ویلې
دغسې دردونو سره ژاړمه
کریکه مې د سوز، د بریښنا منډه ده
مستو تو قانون سره ژاړمه
نخبه د کوم تپ مې په صورت نشته
پتو پهرونو سره ژاړمه
تښتي مې له روح نه ددوخ لمبې
داسې عذابونو سره ژاړمه
وبه چوۍ که تیرې ته ئې ووايم
زه د زړه حالونو سره ژاړمه
هر بند کې ئې موج وهي دزړه وینې
تل چې مې شعرونو سره ژاړمه
خوله کې د غربت ددیو پریوتی یم
ډیرو حسرتونو سره ژاړمه
وای چې د وطن ددنگو غرو زمري
سوو امیدونو سره ژاړمه
اسدالله زمري

غزل

پټ سره پخلا به شو بل به چاته نه وایو
غم ته شا په شا به شو بل به چاته نه وایو
ته به مې رنگین قلم زه به دي انځور شمه
بل به شو بیدیا به شو بل به چاته نه وایو
زه به له نسیم سره ستا پر سالو الوزم
خوب لره معنی به شو بل به چاته نه وایو
نور به له قسمت سره جنگ د نوبت نه لرو
جام به شو مینا به شو بل به چاته نه وایو

رنگ به د غزلو شو بوی به د سنځلو شو
گل به شو بورا به شو بل به چاته نه وایو
ورک به له رقیبه شو شپه رنگه په غرونو کی
سیوری د عنقا به شو بل به چاته نه وایو
نور به له طبیب سره شپې له درده نه ژاړو
دم د مسیحی به شو بل به چاته نه وایو
زه به منصورې ناره ته د جهانی غزل
دار لره تنها به شو بل به چاته نه وایو
عبدالباری جهانی

غزل

نن می ډیروازیتوب احساسولو
بی مزی می زلمیتوب احساسولو
نه هوس او نه سرور پکی پیدا شو
دا جهان می هسی خوب احساسولو
د ځوانی په مستی مستومستی وکړه
ما ځوانی یو لیونتب احساسولو
ما نادان د مینی خوند کله څکلی
ما خو مینه یو مکروب احساسولو
محمد یوسف میرزایی

غزل

نه پوهیږمه ستا لار څومره اوږده شوه
په ما شپه د انتظار څومره اوږده شوه
په اظهار کې مې سم حد وکړو د مینې
توقع ستا د اقرار څومره اوږده شوه
په وعده د پسرلي دې ستا قسم وي
ستا د سروگوتو په شمار څومره اوږده شوه
په پالنگ میاشت مې پې هېره شوه بېلتونه
داگړی نیمه په دار څومره اوږده شوه
په شاداب د انتظار کاني ورپري
چې لمحہ ستا د سینگار څومره اوږده شوه
شاداب



(SMS Banking)

بانکداری از طریق پیام کتبی موبائیل



۸۶۶، سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان

+۹۳ (۰) ۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳ +۹۳ (۰) ۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶

mainbranch@ghazanfarbank.com

حکایت و اندرز

اصلا نشنیده است با آواز بلند فریاد زد که جلاد! گفتم دست ها راقطع کن. در این حال وزیری از اعضای کابینه خود را نزدیک چوپان رسانده و با اهستگی به شکل عذر آمیز در گوشش گفت که اینها وابستگان من اند و باید حکم رهایی شان صادر گردد. در این حال چوپان با خشم و غضب و صدای بلندی فریاد زد که ای جلاد! دست دزد وانگشت رشوه خوار و زبان وزیر باید قطع گردد!

روز دوم چوپان قاتلی را دستگیر کرد که یک پیره زن و دوسه طفلی را به قتل رسانده بود. فوراً حکم قصاص و گردن زدن او را به جلاد صادر نمود، دراین میان وزیر دیگری از کابینه در گوش چوپان گفت که وی پسر کاکای من است چوپان در جمع همه وزرا، مردم و پادشاه با خشم هرچه بیشتری بر جلاد فریاد زد که قاتل را گردن زنید و وزیر مذکور را فوراً در همین محفل ۱۰۰ تازیانه .

بالاخره با چندین قضیه دیگر مشابه، با گذشت ۵ روز دیگر سرزمین مربوطه پادشاه یکی از پر امن ترین، عادل ترین، مصوون ترین و با سعادت ترین خطه های منطقه گشته و پادشاه با آموزش از چوپان از وی تقاضا نمود که تا او در همین شهر به عنوان پادشاه بماند و خودش رو به سوی همان وادی نمود که چوپان را در آنجا ملاقات نموده بود و عهده دار چراندن رمه های چوپان گردید.



گویند پادشاهی در جریان سفر از پهلوی چوپانی می گذشت که متوجه شد با یک اشاره چوپان رمه ها به دره ای بالا میشوند و با یک صدای او از دره دوباره به سوی دریاچه ای که در همان نزدیکی قرار داشت فرود آمده و بعد از نوشیدن آب مورد نیاز شان دوباره با صدای دیگر چوپان به محل اصلی شان باز میگردند.

پادشاه با مشاهده این حالت خیلی ها متعجب شده و چوپان را نزد خود خواست و دلیل این همه نظم و نسق را از او جویا شد. چوپان این همه نظم و نسق را مدیون سه عمل دانست مهارت چوپان، تربیه درست و مجازات به موقع.

پادشاه که سخت تحت تاثیر سخنان چوپان قرار گرفته بود از او پرسید که آیا میتواند با این درایت سرزمین بی نظم و بی قانون تحت تسلط او را نیز چنین نظم و نسقی ببخشد؟ چوپان با کمال جرأت گفت بلی ولی به یک شرط و اینکه باید دارای صلاحیت عام تام باشد حتی بالای وزراء و خود پادشاه هم.

پادشاه با قبول این شرط چوپان را به شهر آورد. شهری که دزدی، رشوت، چور و چپاول و غضب زمین، واسطه و وسیله، فحشا، خیانت وغدر و سایر بدبختی ها در آن بیداد میکرد.

با آمدن چوپان به شهر پادشاه صلاحیت ها را بدو محول نموده و خود به عنوان ناظر در گوشه ای خزید و چوپان با اعلان قانون و تربیت آن به وزرا شروع به کار نمود.

چوپان مدبر بدبختی های شهر را نزد خود یاد داشت نموده و آنرا اولویت بندی نموده و اولین عمل را از محو دزدی و رشوت در ادارات شروع نمود. با دستگیری اولین دزد و اولین فرد رشوه خوار برای جلاد امر کرد تا دستهای ایشان را قطع نماید. در این وقت جلاد خود را نزدیک چوپان رسانده و آهسته در گوش وی نجوا نمود که این دو از وابستگان وزیر اند، ولی چوپان گویی که



جملات طلایی

یک جمله ارزشمند می تواند زندگی انسان را دگرگون و هدفمند کند.

قسمت چهل و ششم :

- یک خانواده خوشحال چیزی جز یک بهشت زود رس نیست. (برنارد شاو)
- آنکه در پی اثبات خویش است خود را نفی می کند و آنکه از خود میگذرد خود را اثبات می کند. (ژید)
- یک چیز میتواند همه چیز را دگرگون کند، انتخاب هدف و چسبیدن به آن. (اسکات رید)
- اگر سخن چون نقره است، خاموشی چون زر پربهاست. (لقمان)
- اگر دل بخواهد هزار راه پیدا می کند و اگر نخواهد هزار بهانه میتراشد. (مثل برنئو)
- بیشتر مردم دعا نمی کنند فقط التماس می کنند. (برنارد شاو)
- عید ما روزی است که آذوقه یک سال دهقانی مصرف یک روز اربابی نشود. (دکتر علی شریعتی)
- زندگی یعنی جستجوی دائم. (لامارتین)
- تنهایی در بهشت هم ارزشی ندارد. (برنارد دوسن پیر)
- هرگاه بتوانم بعد از هر شکست لبخند بزنم شجاع خواهم بود. (ناپلئون بناپارت)
- تجربه همیشه به سود انسان نیست، زیرا، هیچ رویدادی دوبار به یک شکل رخ نمی دهد. (وینستون چرچیل)
- کاملترین نوع بی عدالتی آن است که عادل به نظر برسی در حالی که عادل نیستی. (افلاطون)
- آدم بدبین، سختی را در هر فرصتی می بیند، آدم خوش بین فرصت را در هر سختی. (وینستون چرچیل)
- آنان که می فهمند عذاب می کشند و آنان که نمی فهمند عذاب می دهند. (دکتر علی شریعتی)
- هر چه بالاتر روی از نظر آنان که پرواز نمی دانند کوچکتر به نظر خواهی رسید. (آندره ژید)
- از نزدیکی به کسی قادر به حفظ اسرار و رموز خود نیست پرهیز نما. (افلاطون)
- بهتر است برای چیزی که هستی، مورد نفرت باشی تا اینکه برای چیزی که نیستی محبوب باشی. (آندره ژید)
- من جزء یک چیز، چیزی نمی دانم و آن این است که هیچ نمی دانم. (سقراط)
- کار هایی هست که دیگران هم میتوانند انجام دهند، آن را انجام نده. حرف هایی هست که دیگران هم میتوانند بزنند، آن را بیان نکن و چیز هایی هست که دیگران هم می توانند بنویسند، آن را ننویس! کاری را بکن که فقط تو میتوانی انجامش دهی. (آندره ژید)
- عاقل آنچه را که می داند نمی گوید، ولی آنچه را که میگوید میدانند. (ارسطو)
- عوام ثروتمندان را محترم میدانند و خواص، دانشمندان را. (افلاطون)



- خداوند برای ما نیکی و شادی را پسندیده است این ماییم که از میان هزاران شادی به دنبال حاشیه غمگین شادی ها می رویم. (فرانک)
- با کسی که سخت را تکذیب کند گفتگو مکن. برای کسی که گوش ندهد حرف نزن. (افلاطون)
- برای دوست خود یک دفعه تمام محبت خود را ظاهر نکن. زیرا هروقت اندک تغییری مشاهده کرد تورا دشمن خود می داند. (سقراط)
- نادانی هر کس به دو چیز دانسته میشود: اول، به چیزی که از او نپرسیده اند خبر گوید. دوم: سخن راندن بیش از ضرورت. (افلاطون)
- در دنیا دو نیرو هست: شمشیر و تدبیر، بیشتر اوقات شمشیر مغلوب تدبیر شده است. (افلاطون)
- سعی نکن انسان موفق باشی بلکه سعی کن انسان ارزشمندی باشی. (انیشتن)
- گوش هایت را به همه بسپار اما صدايت را به عده ای محدود. (ویلیام شکسپیر)
- ظرف که خالی باشد صدای بیشتری دارد. (ویلیام شکسپیر)
- روشندل و نکته دان کسی است که سخنان کوتاه و پر معنی بگوید. (بزرگمهر)
- اگر خاموش بنشینی تا دیگران به سخت آورند، بهتر از آنست که سخن بگویی و خاموش کنی. (سقراط)
- به کسی عشق بورز که لایق عشق تو باشد نه تشنه عشق ... چون تشنه عشق روزی سیراب می شود. (ویکتور هوگو)
- آنچه میگوئی بکن و آنچه میکنی بگو! (ویکتور هوگو)
- راهی جز نرمش و بازی با هستی نیست. (ارد بزرگ)
- دوست واقعی کسی است که دست های تو را بگیرد ولی قلب تو را لمس کند. (مارکز)
- عشق یگانه منبع نیرو و قدرت شماست. (باربارا دی آنجلیس)
- اگر فکر میکنید که موفق میشوید یا شکست میخورید، در هر دو صورت درست فکر کرده اید. (آنتونی رابینز)
- وقتی انسان آرامش را در خود نیابد، جستجوی آن در جای دیگر کار بیهوده ای است. (لارو شفوکو)
- هنگامی که میخواهی وظیفه و بایسته خویش را انجام دهی از کسی فرمان نگیر. (ارد بزرگ)
- موفقیت، یک درصد نبوغ، ۹۹ درصد عرق ریختن. (توماس ادیسون)
- مهم این نیست که در کجای این جهان ایستاده ایم، مهم این است که در چه راستایی گام بر میداریم. (هولمز)
- بسیاری از آرزوهایمان را میتوانیم با نشان دادن توانمندی خویش به آسانی بدست آوریم. (ارد بزرگ)
- سعی نکنیم بهتر یا بدتر از دیگران باشیم، بکوشیم نسبت به خودمان بهترین باشیم. (مارکوس گداویر)
- مغز ما یک دینام هزار ولتی است که متأسفانه اکثرمان بیش از یک چراغ از آن استفاده نمی کنیم. (ویلیام جیمز)
- آدم پرحرف تخم می زند و آدم خاموش درو میکند. (اقلیدس)
- آدم بی فضیلت و بی هنر را ستودن چنان است که به او دشنام دهند. (لاروشفوکولد)
- انسان زابیده شرایط نیست، خالق آن هاست. (آنتونی رابینز)

انواع اعتبار نامه های بانکی یا LC



انواع ضمانت نامه های بانکی یا LG

۸۶۶، سرک عمومی شتیرپور، کابل، افغانستان
+۹۳ (۰) ۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ +۹۳ (۰) ۷۹۸ ۸۶۰ ۰۰۳
mainbranch@ghazanfarbank.com



محاورة اوزيبيگی (۲۴)

عزیزالله ارال

از کتاب "محاورة دری - انگلیسی - اوزبیک"

یوقاتیش	Loss	گم کردن
مېن قۇلقا پېم نى يوقاتىپ قۇيديم	I have lost my gloves	دستکش هایم را گم کردم
كۆز عىنكىم نى يوقاتىپ قۇيديم	I have lost my glasses	عینک هایم را گم کردم
مېن كامېرە نى يوقاتىپ قۇيديم	I have lost my camera	کمره خود را گم کردم
ھىمانىم نى يوقاتىپ قۇيديم	I have lost my wallet	بکسک پولم را گم کردم
بکسىم يوقالغىپ قالدى	My suitcase is missing	بکسم مفقود شده است
کلیدىم نى مۆتدە قالدیرگن من، شکىلى	I think I left my key in the car	فکر میکنم کلید خود را در موتور فراموش کردم
احتمال، اونی مەھانخانىدە توشىرىپ يوبارگن من	Perhaps I dropped it somewhere in the hotel	شاید او در هتل از پیشم افتیده باشد
منە بو يېردە اپکن!	Here it is!	اواين جاست!
تا پدیم!	I have got it!	پیدا کردم!
پاسپورتىنكىزنى قە يېردە يوقاتىپ قۇيپدینگىز؟	Where did you lose your passport?	پاسپورت تانرا در کجا گم کردید؟
اونی سۆنگى مۇرتە قچان كۆرگن اپدینگىز؟	When did you see it last?	آخرین بار چه وقت دیده بودید؟
ھىمانىنكىزنى رنگى قندە ي اپدى؟	What color was your wallet?	بکسک پول تان چى رنگ داشت؟
كامېرە نىگىزنىگ تۇرى قندە ي اپدى؟	What model was your camera?	مدل کمره تان چه بود؟
اونی تاپە مىزدىب اۋىلە يمن	I hope we find it	امید وارم پیدا شود



سناق سانلر

Cardinal Numerals

اعداد اصلی

بیر	One	یک
ایکی	Two	دو
اوچ	Three	سه
تۆرت	Four	چهار
بېش	Five	پنج
آلتی	Six	شش
یېتتی	Seven	هفت
سککیز	Eight	هشت
تۆققیز	Nine	نه
اؤن	Ten	ده
اؤن بیر	Eleven	یازده
اؤن ایککی	Twelve	دوازده
اؤن اوچ	Thirteen	سیزده
اؤن تۆرت	Fourteen	چهارده
اؤن بېش	Fifteen	پانزده
اؤن آلتی	Sixteen	شانزده
اؤن یېتتی	Seventeen	هفده
اؤن سککیز	Eighteen	هژده
اؤن تۆققیز	Nineteen	نزده
یېگیرمه	Twenty	بیست
یېگیرمه بیر	Twenty one	بیست و یک
اؤتتیز	Thirty	سی
اؤتتیز بیر	Thirty one	سی و یک
قیرق	Fourty	چهل
قیرق بیر	Fourty one	چهل و یک
اېللیک	Fifty	پنجاه
اېللیک بیر	Fifty one	پنجاه و یک
آلتمیش	Sixty	شصت
آلتمیش بیر	Sixty one	شصت و یک
یېتمیش	Seventy	هفتاد
یېتمیش بیر	Seventy one	هفتاد و یک
سکسان	Eighty	هشتاد
سکسان بیر	Eighty one	هشتاد و یک
تۆقسان	Ninety	نود
تۆقسان بیر	Ninety one	نود و یک
یوز	Hundred	صد
بیر یوز بیر	One hundred-one	یکصد و یک
مینگ	Thousand	هزار
بیر مینگ بیر	One thousand-one	یکهزار و یک
یوز مینگ	Hundred thousand	صد هزار
بیر میلیون	A million	یک میلیون

...ادامه دارد